



آموزش ترجمه‌ی قرآن کریم

طرح نور مبین ۲

---

نام کتاب: آموزش ترجمه قرآن کریم  
مؤلف: عبدالحسین برهانیان  
صاحب امتیاز: مؤسسه قرآنی لسان القرآن [www.lesanolquran.com]  
ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه  
سر ویراستار: زهرا سادات میری  
ویراستار فارسی: نعیمه سادات صفایی نیا  
بازبین نهایی: بتول خداپرست  
حروفچین: محبوبه کریمی  
مشاور فنی: مهندس سعید اخوان قربانی  
نمایه ساز و صفحه آرا: سید محمد میری  
چاپ: مرکز چاپ سپاه  
شمارگان: ۱۵۰۰۰  
تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۰

## فهرست

مقدمه.....	۵
<b>درس بیستم</b>	
فعل ماضی (بخش سوم).....	۹
<b>درس بیست و یکم</b>	
باب‌های مزید (بخش اول) باب افعال.....	۲۱
<b>درس بیست و دوم</b>	
باب‌های مزید (بخش دوم) باب تفعیل.....	۳۳
<b>درس بیست و سوم</b>	
باب‌های مزید (بخش سوم) باب مفاعله، تفاعل، استفعال.....	۴۵
<b>درس بیست و چهارم</b>	
باب‌های مزید (بخش چهارم) باب تفعّل، افتعال، انفعال.....	۵۹
<b>درس بیست و پنجم</b>	
معتلات (بخش اول).....	۷۳
<b>درس بیست و ششم</b>	
معتلات (بخش دوم).....	۸۷
<b>درس بیست و هفتم</b>	
معتلات (بخش سوم).....	۹۹
<b>درس بیست و هشتم</b>	
اعلال در باب‌های مزید.....	۱۱۱
<b>درس بیست و نهم</b>	
منصوبات (بخش اول) مفعولٌ به، حال.....	۱۲۳
<b>درس سی ام</b>	
منصوبات (بخش دوم) تمیز، تمیز اعداد.....	۱۳۷
<b>درس سی و یکم</b>	
منصوبات (بخش سوم) خبر افعال ناقصه و افعال مقاربه اسم حروف مشبّهة بالفعل و اسم «لا»ی	
نفی جنس.....	۱۴۹

## درس سی و دوم

منصوبات (بخش چهارم) مفعول مطلق و اقسام آن ..... ۱۶۳

## درس سی و سوم

منصوبات (بخش پنجم) مَفْعُولٌ لَهُ و مفعولٌ فِيهِ ..... ۱۷۵

## درس سی و چهارم

مجرورات ..... ۱۸۹

## درس سی و پنجم

حروف عامل ..... ۲۰۳

## درس سی و ششم

حروف غیر عامل ..... ۲۱۵

## درس سی و هفتم

وجوه لغات ..... ۲۲۹

## مقدمه

قرآن کریم، گرانبهاترین کتابی است که از طرف خداوند حکیم برای هدایت و راهنمایی بشر، نازل شده است. این کتاب در طول تاریخ همواره برای تشنگان معارف زلال دینی، منبعی پایان ناپذیر بوده است. نوشتن صدها تفسیر و هزاران ترجمه به زبان‌های گوناگون فقط تلاشی است برای ورود به دریای حقایق بی انتهای قرآن.

رساترین بیان در این خصوص از آن قرآن شناس بزرگ عالم است که فرمود: قرآن ظاهرش زیبا و باطنش عمیق و ناپیداست. شگفتی هایش تمام نمی شود و غرائبش به پایان نمی رسد و تاریکیها جز با قرآن از فضای زندگی زده نمی شود.<sup>۱</sup> و هر روز که می‌گذرد مؤمنان و شیفتگان حقیقت خود را محتاج تر به این کتاب می‌بینند و برای دستیابی به مفاهیم این کتاب بزرگ تلاش می‌کنند. از صدر اسلام تا میانه‌ی سده‌ی پنجم هجری، مترجمان تنها معادل و برابری‌های لغوی کلمات قرآنی را می‌نوشتند. در دوره‌ی بعد بیشتر مترجمان، ترجمه‌ی تفسیری را مدنظر قرار داده‌اند. در قرون متمادی، ترجمه‌های قرآن کثرت و تنوع بیشتری یافته است. انواع مختلف ترجمه‌ها، اعم از لفظ به لفظ، مفهومی، تفسیری، آزاد و... در قرن اخیر شکل گرفته‌اند.

از قرن اول تا قرن سیزدهم ۸۵۹ نسخه‌ی ترجمه‌ی فارسی قرآن کریم وجود دارد.<sup>۲</sup> ولی قرن سیزدهم بیشترین آمار ترجمه را با تعداد ۲۰۵ عدد دارد که نشان از اهتمام و توجه بیشتر به قرآن و مفاهیم آن در این قرن دارد. از تاریخ ۱۳۱۶ (ه.ق) که ترجمه بصیر الملک منتشر گشت تا امروز بیش از ۷۵ ترجمه ثبت شده است که بیش از ۶۵ مورد آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

---

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۸

۲. فهرستگان نسخه‌های خطی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، علی صدراپی خویی

نگاشته شده است. اما از عمر آموزش ترجمه قرآن (یعنی شیوه‌ی آموزش ترجمه‌ی قرآن) مدت زیادی نمی‌گذرد. نویسندگان با روش‌هایی در پی آنند که در مدت کوتاهی بتوانند تعداد لغات و آیات بیشتری را به فراگیران آموزش دهند.

روش‌هایی که تاکنون ارائه شده است به قرار زیر می‌باشد:

- ✓ آموزش ترجمه آیات با روش لغت و ترجمه
- ✓ استفاده از آمار و تکرار لغات و قواعد عربی به صورت محدود
- ✓ موضوع بندی آیات و استفاده از روش لغت و ترجمه
- ✓ استفاده از روش آموزش ترجمه‌ی آیات از بلند به کوتاه
- ✓ آموزش صرف و نحو و استفاده از آیات به عنوان شاهد مثال

اما کتاب حاضر علاوه بر داشتن مزایای کتابهای مذکور، دارای یک برنامه‌ی تکمیلی و ابتکاری است. در این روش با مقایسه‌ی آمار ریشه‌های اصلی لغات به کار رفته در قرآن (۱۷۷۱ عدد) و واژه‌های مشتق از آن‌ها (۵۲۲۱۸) لغات کلیدی از هر موضوع را استخراج نموده و همراه با یاد دادن برخی از قواعد و اصول صرف و نحو، روش آموزش جدیدی، طراحی شده است. آیات منتخب به کار رفته در هر درس، بر اساس همان لغات کلیدی استخراج شده در هر موضوع می‌باشد.

این کتاب ویرایش جدیدی از تدوین و تدریس‌های مکرر نویسنده می‌باشد که با تلاش‌های معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه منتشر می‌گردد.

زیبایی و ویرایش دقیق که مدتها برای آن تلاش شده بود ما را بر آن داشت تا بدلیل کمبود وقت و تسریع در چاپ، از آمار دقیقی که تهیه کرده بودیم چشم‌پوشیم و اصل کتاب و متن تصحیح شده را ارجحیت داده و چاپ نماییم.

فراگیران عزیز که با موفقیت جلد اول طرح را گذرانده‌اند، اکنون با مرور مجدد مطالب آن، شروع به یادگیری مطالب جلد دوم می‌نمایند.

آنان با روش زیر می‌توانند موفقیت خود را در یادگیری زبان قرآن تضمین کنند:

(الف) داشتن انگیزه‌ی قوی الهی برای فراگیری مفاهیم قرآن

(ب) شرکت در کلاس‌ها به صورت فعال

(ج) افزایش قدرت مشابه سازی و معادل یابی لغات

(د) حل تمرین‌ها و مراجعه به المعجم الفهرس برای یافتن آیات مشابه

## سخنی با مربیان و اساتید

هدف از این طرح آموزشی آشنائی و توانمندسازی در ترجمه و درک مفاهیم قرآن کریم است و این متن تنها بهانه ای برای نیل به سوی این هدف به شمار می‌رود. امیدواریم با عنایت ویژه‌ی اساتید و مربیان و با استفاده از مهارت خود بتوانند فراگیران را با ترجمه‌ی حداقل ۷۰ درصد آیات و واژه‌های قرآنی آشنا سازند. و فراگیران بعد از اتمام دوره بتوانند، معنا و مفهوم آیات را در حین تلاوت دریابند.

برای رسیدن به این هدف مهم به نکات زیر توجه بفرمایید:

۱. تدریس با انگیزه‌ی الهی و برای رضای خدا صورت بگیرد که حتما تأثیرگذار خواهد بود.
۲. توسل و توجه به عنایت ائمه‌ی معصومین (ع) به ویژه عنایت آقا امام زمان (عج) حتما راه گشا خواهد بود.
۳. از روش‌های متنوع و جدید در ارائه‌ی درس‌ها استفاده شود. ارائه با استفاده از ابزار و تجهیزات پیشرفته مانند پاورپوینت باشد.
۴. تشکیل کلاس در زمان و مکان مناسب (و حتی المقدور استفاده از فضاهای تفریحی در کنار آن) می‌تواند بر حلاوت آموزش قرآن بیافزاید.
۵. در هر کلاس با استفاده از احادیث و آیات قرآن ضرورت یادگیری مفاهیم قرآن تذکر داده شود.
۶. برای یادگیری قسمت «صرف» حتما تمرین‌های جداگانه ارائه شود.
۷. تمرین‌های فراگیران حتما ارزش گذاری شده و نمرات آن‌ها ثبت گردد. (بخشی از نمره‌ی نهایی محسوب گردد).
۸. با ذکر داستانهای قرآنی، حکایتهای مفید و پندآموز و طرح نکات تفسیری-علمی (به ویژه اعجاز علمی قرآن) فضای کلاس علمی و متنوع گردد.
۹. آزمون‌های دوره ای حتما برگزار شود. (هر سه درس یک آزمون) اعطای جایزه هرچند کم مورد توجه قرار گیرد.
۱۰. مرور مطالب جلد اول در ابتدای شروع جلد دوم حتما صورت بگیرد.

۱۱. حتی المقدور سطح بندی در کلاس‌ها صورت گیرد.

۱۲. با نرم خویی و گشاده رویی و محبت می‌توانید تأثیر کلاس را چندین برابر نمایید.

۱۳. بدانیم هر ساعت درس فرصت و غنیمتی برای ارائه‌ی مفاهیم قرآن است که ممکن است دیگر فرصتی به دست نیاید.

۱۴. لطفاً از نظرات خوب خودتان ما را بهره‌مند فرمائید.



# درس بیستم

فعل ماضی (بخش سوم)

## مفاهیم

### تقوا

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَنُّكُمْ (حجرات/۱۳)

ترجمه: همانا گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست.

تقوا از واژه‌ی «وقایه» به معنای نگهداری گرفته شده و عبارت است از حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای او<sup>۱</sup>. تقوا نوعی احتراز و اجتناب از عذاب الهی است و وقتی حاصل می‌شود که انسان اوامر الهی را پیروی نماید. و از ارتکاب نواهی و محرّمات پرهیز نموده و در برابر نعمت های خدا شاکر و در برابر مصیبت‌ها صابر باشد<sup>۲</sup>.

طبق آیات قرآن، داشتن تقوا موجب آسان شدن امور<sup>۳</sup>، افزایش برکات الهی<sup>۴</sup>، دستیابی به نیروی تشخیص و قدرت فهم بالا<sup>۵</sup>، کسب روزی از جایی که امید نمی رود<sup>۶</sup>، خواهد گردید.

آیه فوق اظهار می‌دارد که تمامی امتیازات دنیایی که معمولاً موجب فخرفروشی به یکدیگر می‌شود، موهوم و باطل است. برخی کرامت را در مال، جمال و امثال آن جستجو می‌کنند و همه تلاش و توان خود را در طلب و دستیابی به آن به کار می‌گیرند، تا با آن به دیگران فخر بفروشند و سربلندی کسب کنند. در حالی که این گونه مزایا خالی از حقیقت است و ذره ای کرامت به انسان نمی‌دهد اما حقیقتی که انسان را به سعادت می‌رساند<sup>۷</sup> همان تقوی است که بهترین توشه آخرت می‌باشد<sup>۸</sup>.

تقوا معنایش این است که به طور دائم مراقب حرکات و اعمال و رفتار و گفتار خودتان باشید و خود را رها نکنید. این مراقبت خیلی برکات دارد. همین مراقبت است که انسان را در صراط مستقیم الهی حفظ می‌کند. بر اثر تقواست که همه چیز به دست می‌آید<sup>۹</sup>.

۱. چهل حدیث امام خمینی، ص ۲۰۶

۲. المیزان، ج ۳، ص ۳۶۷

۳. طلاق، آیه ۴

۴. اعراف، آیه ۹۶

۵. انفال، آیه ۲۹

۶. طلاق، آیه ۳ و ۲

۷. برگرفته از ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸ ص ۴۹۰ و ۴۹۱

۸. بقره آیه ۱۹۷

۹. سخنرانی مقام معظم رهبری (حفظه الله) مورخ ۷۶/۶/۲۶

## انواع فعل ماضی

### ماضی بعید

**تعریف** بر تحقق کاری در زمان گذشته دلالت دارد، به طوری که اثر آن از بین رفته باشد.  
این فعل از ترکیب «کان» با فعل ماضی ساخته می شود. (البته گاهی با «قد» هم می آید)  
مانند: عَلَى كَانَ ذَهَبَ. ترجمه: علی رفته بود.

### ماضی استمراری

**تعریف** بر وقوع کاری بطور مستمر در گذشته دلالت دارد.  
این فعل از ترکیب مشتقات «کان» با فعل مضارع ساخته می شود. مانند: كَانَ عَلَى يَذْهَبُ.  
ترجمه: علی می رفت.  
شکل منفی این فعل با آوردن «لا» و «ما»ی نافی، همراه با ماضی استمراری ساخته می شود.  
**مثال** كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ (مائده/۷۹) ترجمه: از کار زشت دست برنمی داشتند.  
**نکته** ممکن است در یک عبارت، قبل از فعل مضارع، فعل ماضی به کار رفته باشد و هر دو برای توضیح یک حکایت آمده باشند، در این صورت، فعل ماضی معنای ماضی استمراری می دهد.

**مثال** قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا (مجادله/۱) ترجمه: خداوند گفتار زنی را

که در مورد شوهرش با تو مجادله می کرد، شنیده است.  
\* همانطور که مشاهده می کنید فعل ماضی «سَمِعَ» قبل از فعل مضارع «تُجَادِلُكَ» آمده و معنای ماضی استمراری به خود گرفته است.

### ماضی نقلی

**تعریف** بر وقوع کاری در زمان گذشته دلالت دارد، به طوری که اثر آن کار تا زمان حال باقی باشد.  
این فعل با آوردن «قد» بر سر فعل ماضی ساخته می شود. مانند: قَدْ ذَهَبَ عَلَى ترجمه: علی رفته است.  
شکل منفی این فعل از ترکیب «لَمَّا» و فعل مضارع ساخته می شود. مانند: لَمَّا يَضْرِبُ مثلاً.  
ترجمه: هنوز مثالی نزده است.

## تمرین کلاس

ترجمه را با کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

۱ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا (هود/۴۹)

ترجمه

۲ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ (مائده/۷۵)

ترجمه

۳ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ (غافر/۲۸)

ترجمه

۴ وَخَجِنَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ (انبیاء/۷۴)

ترجمه

۵ وَدَسْتَعِجْلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ (عد/۶)

ترجمه

۶ وَمَنْ يَتَّبِدْ لِّلْكَفْرِ بِالْإِيمَنِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (بقره/۱۰۸)

ترجمه

۷ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام/۴۳)

ترجمه

۸ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام/۱۴۰)

ترجمه

## تمرین منزل

کدام گزینه معنی را کامل می‌کند؟

۱ کَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (مائده/۷۹)

ترجمه

آنهاز اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را ..... چه بد بود آنچه .....

الف نهی نمی کردند، انجام می‌دادند

ب نهی نمی کنند، انجام دادند

ج نهی نکردند، انجام دادند

۲ لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ (زخرف/۷۸)

ترجمه

حق را برای شما ..... ولی اکثر شما از حق کراهت دارید.

الف آوردند

ب آورده ایم

ج می‌آوریم

۳ ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (یونس/۴۵)

ترجمه همانا کسانی که دیدار خداوند را تکذیب کردند ..... و هدایت نیافتند.

الف زیان می کنند

ب زیان کرده اند

ج زیان بردند

۴ ﴿فَأَخَذَتْهُمْ صَعِقَةٌ الْعَذَابِ أَهْلُونَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (فصلت/۱۷)

ترجمه پس به خاطر آنچه ..... صاعقه ای عذاب خفت بار آن ها را فرا گرفت.

الف مرتکب شدند

ب کسب کردند

ج انجام می دادند

کدام گزینه آیه را کامل می کند؟

۱ ﴿وَجَاءَهُمْ قَوْمُهُمْ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ.....﴾ (هود/۷۸)

ترجمه و قوم او به سرعت پیش او آمدند و آنان قبلاً کارهای زشت انجام می دادند.

الف کانا یعملان

ب کان یعمل

ج کائوا یعملون

۲ ثُمَّ قُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ ..... (انعام/۲۲)

**ترجمه** سپس به کسانی که شرک ورزیدند می‌گوییم: کجایند شریکان شما که آن‌ها را (شریک خدا) می‌پنداشتید؟

**الف** كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

**ب** كُنْتُمْ تَزْعُمَانِ

**ج** كُنَّا نَزْعُمُ

۳ قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا ..... ءَابَاؤُنَا (اعراف/۷۰)

**ترجمه** سپس گفتند: آیا به سراغ ما آمده ای تا خدای یگانه را بپرستیم و آنچه پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟

**الف** كَانَا يَعْبُدَانِ

**ب** كَانِ يَعْبُدُ

**ج** كَانُوا يَعْبُدُونَ

۴ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا ..... (بقره/۱۴۱)

**ترجمه** و (شما) از آنچه انجام می‌دادند بازخواست نمی‌شوید.

**الف** كَانُوا يَعْمَلُونَ

**ب** كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

**ج** كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۵ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا ..... (شعراء/۹۲)

ترجمه و به آنان گفته می شود کجایند آن معبودانی که می پرستیدید؟

الف كَانُوا يَعْبُدُونَ

ب كُنَّا نَعْبُدُ

ج كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

### هر عبارت ترجمه ی کدام آیه است؟

۱ ترجمه (متخلفان از جهاد) باید کمتر بخندند و بسیار گریه کنند؛ این جزایی است برای آنچه که انجام می دادند.

الف وَتَضَحَّكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (نجم/۶۰)

ب فَأَمَّا جَاءَهُمْ بِأَيِّتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ (زخرف/۴۷)

ج فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (توبه/۸۲)

۲ ترجمه نشانه های من به سراغ تو آمد، پس آن را تکذیب کردی و تکبر نمودی و از کافران بودی.

الف قَدْ جِئْتُكُمْ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسَلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ (اعراف/۱۰۵)

ب قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (زمر/۵۹)

ج قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ (يونس/۵۷)

۳ ترجمه کسانی که گناه می کنند، به زودی در برابر آنچه مرتکب می شوند، مجازات خواهند شد.

الف وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نِّدْرًا لَّهٗ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (شوری/۲۳)

ب الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلَيَرَّضَوْهُ وَلَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ (انعام/۱۱۳)

ج الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيَجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (انعام/۱۲۰)



۴ ترجمه محمد (صلی الله علیه) جز فرستاده‌ی خدا نیست که پیامبرانی پیش از او گذشته‌اند.

الف وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ (آل عمران/۱۴۴)

ب مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح/۳۹)

ج مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَسُولَ اللَّهِ (احزاب/۴۰)

۵ ترجمه و خداوند بر تو کتاب و حکمت را نازل فرمود و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت.

الف تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا (هود/۴۹)

ب وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ (نساء/۱۱۳)

ج وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره/۱۵۱)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، فعل‌های ماضی بعید، استمراری و نقلی را تعیین کنید.

۱ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (بقره/۱۰)

ترجمه و برایشان عذاب دردناکی است به (دلیل) آنچه که تکذیب می کردند.

❁ ماضی بعید: .....

❁ ماضی استمراری: .....

❁ ماضی نقلی: .....

۲ وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ؕ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (مائده/۶۱)

ترجمه با کفر وارد می شوند، و با کفر خارج می گردند و خداوند، از آنچه کتمان می کردند، آگاه تر است!

❁ ماضی بعید: .....

❁ ماضی استمراری: .....

❁ ماضی نقلی: .....

۳ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بْنَ بَغْيٍ الْحَقِّ﴾ (بقره/۶۱)

ترجمه چون آنان به آیات خدا کافر می شدند و پیامبران را به ناحق می کشند.

- ❖ ماضی بعید: .....
- ❖ ماضی استمراری: .....
- ❖ ماضی نقلی: .....

۴ ﴿ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (بقره/۶۱)

ترجمه این از آن روی بود که نافرمانی کردند و دشمنی می ورزیدند.

- ❖ ماضی بعید: .....
- ❖ ماضی استمراری: .....
- ❖ ماضی نقلی: .....

۵ ﴿فَدَجَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ﴾ (مائده/۱۵)

ترجمه از (طرف) خدا، نور و کتابی روشنگر برایتان آمده است.

- ❖ ماضی بعید: .....
- ❖ ماضی استمراری: .....
- ❖ ماضی نقلی: .....

۶ ﴿وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (مائده/۱۴)

ترجمه خداوند آنان را به آنچه می ساختند آگاه خواهد کرد.

- ❖ ماضی بعید: .....
- ❖ ماضی استمراری: .....
- ❖ ماضی نقلی: .....

۷ لَهْمَ شَرَابٍ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٍ أَلِيمٍ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (انعام/۷۰)

ترجمه برای آنان نوشیدنی از آب داغ و عذابی دردناک است چرا که کفر می‌ورزیدند.

❁ ماضی بعید: .....

❁ ماضی استمراری: .....

❁ ماضی نقلی: .....

۸ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَنٌ مِّن رَّبِّكُمْ (نساء/۱۷۴)

ترجمه ای مردم! همانا برای شما دلیلی از (طرف) پروردگارتان آمده است.

❁ ماضی بعید: .....

❁ ماضی استمراری: .....

❁ ماضی نقلی: .....

۹ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (اعراف/۱۱۸)

ترجمه پس حق ثابت شد و آنچه انجام می‌دادند باطل شد.

❁ ماضی بعید: .....

❁ ماضی استمراری: .....

❁ ماضی نقلی: .....



# درس بیست و یکم

باب‌های مزید (بخش اول)

باب افعال

## مفاهیم

### راستگویی

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُوْنُوْا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ (توبه/۱۱۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا پیشه سازید و با راستگویان باشید.

صدق از نظر لغوی در مقابل نفاق، ریا و دروغ بوده و به معنای آن است که گفتار یا خبری که داده می شود با خارج مطابقت داشته باشد. هر شخصی که خبرش مطابق با واقع یا عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری را که انجام می دهد مطابق با اراده و تصمیمش باشد (و شوخی نباشد) را «صادق» گویند.<sup>۱</sup>

راستگویی از صفاتی است که در سرنوشت انسان بسیار موثر است.<sup>۲</sup> انسان راستگو امین و عزیز مردم می گردد.

امام صادق (ع) برای شناخت ایمان افراد چنین راهنمایی فرمودند: با نماز و روزه افراد گول نخورید چرا که ممکن است شخصی به نماز و روزه آمیخته شده و اگر ترک کنند وحشت می کنند اما آنان را با راستگویی و اداء امانت امتحان کنید.<sup>۳</sup>

در روایات راستگویی برادر عدالت، مایه عزت، راس دین و موجب زینت ایمان و تزکیه اعمال برشمرده شده است.<sup>۴</sup> و همچنین سرانجام صداقت را نجات و سلامت<sup>۵</sup> و ملاک مسلمانی دانسته اند.<sup>۶</sup> کارهایتان را بر اساس صدق و صفا انجام دهید و همیشه مصالح ایران را در نظر بگیرید.<sup>۷</sup>

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹ ص ۵۴۸

۲. مریم، آیه ۵۴

۳. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲

۴. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۸۷

۵. شرح غررالحکم، ج ۶ ص ۱۱۱

۶. همان، ج ۴ ص ۲۶۳

۷. صحیفه امام، ج ۱۹ ص ۵۶

افعالی که تا به اینجا توضیح داده شد، ثلاثی مجرد نامیده می‌شوند. در این درس به بررسی افعال ثلاثی مزید می‌پردازیم.

**تعریف ثلاثی مزید:** فعلی است که علاوه بر سه حرف اصلی دارای یک تا سه حرف اضافه نیز باشد.

## باب افعال

هرگاه فعل ثلاثی مجرد را بر وزن «أَفْعَلَ» و «يُفْعِلُ» بیاوریم، یک ساختار جدید فعلی با معنایی متفاوت به وجود می‌آید.

**نکته ۱:** باب افعال معنای فعل را متعدی می‌کند.

**تعریف متعدی:** فعلی است که برای کامل شدن معنا، به مفعول نیاز دارد. در مقابل آن فعل «لازم» است که معنای آن تنها با فاعل کامل می‌گردد و نیازی به مفعول ندارد.

ماضی این باب بر وزن «أَفْعَلَ» بوده و مانند ماضی ثلاثی مجرد صرف می‌شود.

مضارع این باب بر وزن «يُفْعِلُ» بوده و مانند مضارع ثلاثی مجرد صرف می‌شود.

مذكر و مؤنث		مؤنث			مذكر				
مع الغير	وحده	جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد		
أَفْعَلْنَا	أَفْعَلْتُ	أَفْعَلْنَ	أَفْعَلْتِ	أَفْعَلْتُ	أَفْعَلُوا	أَفْعَلَا	أَفْعَلُ	مغایب	ماضی
								مخاطب	
نُفْعِلُ	يُفْعِلُ	يُفْعِلْنَ	يُفْعِلْتِ	يُفْعِلُ	يُفْعِلُونَ	يُفْعِلَانِ	تُفْعِلُ	مغایب	مضارع
								مخاطب	

ماضی: أَنْزَلَ: نازل کرد.

باب افعال از ریشه‌ی نَزَلَ (نازل شد)

مضارع: يُنْزِلُ: نازل می‌کند.

ماضی: أَضْحَكَ: خنداند.

باب افعال از ریشه‌ی ضَحِكَ (خندید)

مضارع: يُضْحِكُ: می‌خنداند.

**نکته ۱:** بر خلاف مضارع ثلاثی مجرد، حرف اول مضارع این باب مضموم (ـُ) است.

**نکته ۲:** مصدر این باب بر وزن افعال است. مانند: أَنْزَلَ، يُنْزِلُ، إِنْزَالٌ

## تمرین کلاس

ترجمه را با کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

۱ وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (نحل / ۶۵)

ترجمه

۲ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ (اسراء / ۸۳)

ترجمه

۳ رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ (آل عمران / ۵۳)

ترجمه

۴ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ (مائده / ۶۴)

ترجمه

۵ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا هَا مُنْذِرُونَ (شعراء / ۲۰۸)

ترجمه

۶ أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصَرُونَ بِهَا (اعراف / ۱۹۵)

ترجمه



۷ قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا تُسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (سبا/ ۲۵)

ترجمه

۸ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَسِرِينَ (مائده/ ۵۳)

ترجمه

۹ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ (اعراف/ ۱۳۶)

ترجمه

۱۰ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (شعراء/ ۱۵۲)

ترجمه

## تمرین منزل

کدام گزینه معنی را کامل می‌کند؟

۱ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ يَبْنَ قُلُوبَهُمْ (انفال/ ۶۳)

ترجمه

اگر آنچه بر روی زمین است را ..... (نمی‌توانستی) میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی.

الف) اتفاق می‌کردی

ب) اتفاق کرده بودی

ج) اتفاق کنی

۲ وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (کهف / ۳۸)

ترجمه و هیچ کس را برای پروردگارم .....

الف شریک قرار نداده‌اند

ب شریک قرار نمی‌دهم

ج شریک قرار نداده است

۳ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ۚ الْآخِرِينَ (انعام / ۶)

ترجمه پس ایشان را به خاطر گناهان ..... و از بعدشان نسل‌های دیگری .....

الف هلاک می‌کنیم، پدید می‌آوریم

ب هلاکشان کردند، پدید آوردند

ج هلاکشان کردیم، پدید آوردیم

۴ فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (قلم / ۵)

ترجمه پس به زودی ..... و .....

الف می‌بینند، می‌بینی

ب می‌بیند، می‌بینید

ج خواهی دید، خواهند دید

۵ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ (هود / ۳۵)

ترجمه من بیزارم از .....

الف گناهایی که می‌کنید

ب گناهایی که کردند

ج گناهایی که می‌کردید

کدام گزینه آیه را کامل می‌کند؟

۱ **ترجمه** أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا ..... أَمْ الْفُرَى وَمَنْ حَوْهَا (شوری / ۷)

**ترجمه** قرآن عربی را به تو وحی کردیم تا (مردم) مکه و پیرامون آن را بیم دهی.

**الف** لِيُنْذِرَ

**ب** لِيُنْذِرَ

**ج** لِيُنْذِرِي

۲ **ترجمه** فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ ..... (بقره / ۱۷)

**ترجمه** چون پیرامونشان را روشن نماید، خداوند نورشان را ببرد و آنان را در تاریکی هایی که نمی‌بینند رها کند.

**الف** لَا يَبْصِرُونَ

**ب** لَا يَبْصِر

**ج** لَمْ يَبْصِرُوا

۳ **ترجمه** وَيُزَكِّكُمْ ءَايَاتِهِ فَآيَ ءَايَاتِ اللَّهِ ..... (غافر / ۸۱)

**ترجمه** نشانه‌های خود را به شما نشان می‌دهد پس کدام یک از آیات خداوند را انکار می‌کنید؟

**الف** يَنْكُرُونَ

**ب** تُنْكِرُ

**ج** تُنْكُرُونَ

۴ إِنْ أَلَّهَ ..... الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (حج)

(۱۴)

**ترجمه** همانا خداوند کسانی را که ایمان می‌آورند و عمل نیکو انجام می‌دهند در باغهایی که از زیر آن نهرها روان است، داخل می‌کند.

**الف** تَدْخُلُ

**ب** يَدْخُلُ

**ج** يَدْخُلُ

۵ فَمَنْ ..... فَلْيَنْفِسْهُ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا (انعام/ ۱۰۴)

**ترجمه** پس هر کس بصیرت یافت به سود خودش و هر کس کور بماند به زیان خودش است.

**الف** أَبْصَرَ

**ب** أَبْصَرَهُمْ

**ج** أَبْصِرْنَا

هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

**۱ ترجمه** عفو پیشه کن و به نیکی دعوت کن و از نادانان روی بگردان.

**الف** فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا (نساء/ ۱۶)

**ب** خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف/ ۱۹۹)

**ج** فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ (مائده/ ۴۲)

۲ ترجمه هر کس بعد از ظلمش توبه کند و کار خود را اصلاح کند پس خداوند بر او می‌بخشد.

الف ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (نحل / ۱۱۹)

ب فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ (مائده / ۳۹)

ج ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انعام / ۵۴)

۳ ترجمه پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند.

الف فَاَمَمْتُ طَائِفَةً مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ (صف / ۱۴)

ب ءَاَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (یونس / ۹۰)

ج مَا ءَاَمَنْتُ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرِيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (انبیاء / ۶)

۴ ترجمه من هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم.

الف وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (کهف / ۳۸)

ب وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ (انعام / ۸۱)

ج وَيَقُولُ يَلَيِّنِي لِمَ أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (کهف / ۴۲)

۵ ترجمه آیا ما را به آنچه باطل گرایان انجام داده‌اند هلاک می‌کنی؟

الف أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا (اعراف / ۱۵۵)

ب وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (انعام / ۲۶)

ج أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (اعراف / ۱۷۳)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، صیغه‌های باب افعال را مشخص کنید.

۱ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ (انعام/۱۲۴)

ترجمه به زودی کسانی که مرتکب گناه شدند، به سزای این که مکر می‌کردند، در پیشگاه خدا دچار خفت خواهند شد.

✽ باب افعال: .....

۲ وَأُغْرِقْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِعَايَتِنَا (اعراف/۶۴)

ترجمه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم.

✽ باب افعال: .....

۳ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَحَيًّا وَمَا يُلْكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (جاثیه/۲۴)

ترجمه و گفتند: نیست آن مگر زندگی دنیای ما؛ می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را هلاک نمی‌کند مگر روزگار.

✽ باب افعال: .....

۴ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ (آل عمران/۵۳)

ترجمه پروردگار! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم.

✽ باب افعال: .....

۵ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ (ابراهیم/۲۲)

ترجمه من به آنچه شما از پیش مرا (در آن) شریک می‌نمودید، کافرم.

✽ باب افعال: .....

﴿٦﴾ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ (ملک/۲۳)

ترجمه او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد.

﴿\*﴾ باب افعال: .....

﴿٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (نمل/۴۸)

ترجمه و در آن شهر، نه دسته بودند که در آن سرزمین فساد می کردند و از در اصلاح در نمی آمدند.

﴿\*﴾ باب افعال: .....

﴿٨﴾ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ

مِائَةُ حَبَّةٍ (بقره/۲۶۱)

ترجمه مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه ای است که هفت خوشه

برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد.

﴿\*﴾ باب افعال: .....





# درس بیست و دوم

باب‌های مزید (بخش دوم)

باب تفعیل

## مفاهیم

### عفت و پاکدامنی

وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور/۳۳)

ترجمه: کسانی که امکان زناشویی نمی یابند باید عفت بورزند تا خدا آن‌ها را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند.

انسان دارای عقل، شهوت، غضب و وهم است. شخصی که بتواند با راهنمای عقل و دین سه قوه دیگر را به حد تعادل برساند در دنیا و آخرت سعادتمند است.

عفت و پاکدامنی یکی از فضایل اخلاقی است که با متعادل نمودن قوای شهوانی به دست می‌آید. مرحوم نراقی در بیان موعظه چنین می‌فرماید:

ای عزیز اکنون توجه کن که خود را چگونه می‌سازی و با نفس خود چه معامله ای می‌کنی چون اگر شهوت بر تو غالب شد و تمام همت خود را صرف شهوات حیوانی، از خوردن و آشامیدن و جماع و خوش گذرانی نمودی، بدان که یکی از چهار پایان شده ای و اگر غلبه با قوه غضبیه تو شد و تمام همت خود را در تفوق طلبی و خود بزرگ بینی و رسیدن به پست و مقام و اذیت و آزار دیگران گماردی یکی از درندگان خواهی بود.<sup>۱</sup>

در صورتیکه فرد مجرد بتواند ازدواج کند که باید به آن اقدام کند در این صورت شیطان می‌گوید که دو سوم دینش را از من حفظ نمود<sup>۲</sup>. ولی اگر وسایل ازدواج برای او فراهم نبود باید صبر کند و با کنترل قوه شهوانی خویش فضیلت عفت را در خود نمودار کند تا شیطان بر او مسلط نشود.

پیامبر (ص) فرمودند: پاکدامنی جوان در ایام جوانی و مشغول بودن به اطاعت الهی موجب مباحثات حق تعالی نسبت به این جوان می‌گردد و خطاب به ملائکه می‌فرماید:

أَنْظَرُوا إِلَى عَبْدِي تَرَكَ شَهْوَتَهُ لِأَجْلِي<sup>۳</sup>

نگاه کنید به بنده من که شهوت خود را بخاطر من ترک کرده و به عبادت من مشغول است. باید دانست مقدمه‌ی عفت و پاکدامنی، پاک چشم بودن و رعایت موازین شرعی در برخورد با نامحرم است.

۱. نراقی، جامع السعادات، جلد ۱، ص ۶۵

۲. پیامبر (ص): هیچ جوانی در اوایل جوانی ازدواج نمی کند مگر آنکه شیطان او فریاد می‌زند، ای وای! ای وای! بر من دو سوم دینش را از من حفظ نمود، مستدرک الوسائل، جلد ۱۴، ص ۱۴۹

۳. میزان الحکمه، جلد ۵، ص ۹ به نقل از کنز العمال، خ ۴۳۰۵۷

## باب تفعیل

ماضی این باب بر وزن «فَعَلَ» و مضارع آن بر وزن «يُفَعِّلُ» می‌باشد.

به صرف ماضی این باب از ریشه‌ی «سَبَّحَ» توجه کنید:

مذکر و مؤنث		مؤنث			مذکر				ماضی
وحدہ	مع الغیر	جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد		
سَبَّحَتْ	سَبَّحْنَ	سَبَّحْنَ	سَبَّحَتَا	سَبَّحَتْ	سَبَّحُوا	سَبَّحَا	سَبَّحَ	مغایب	
		سَبَّحَتْنِ	سَبَّحْتُمَا	سَبَّحَتْ	سَبَّحْتُمْ	سَبَّحْتُمَا	سَبَّحَتْ	مخاطب	

به صرف مضارع این باب از ریشه‌ی «نَزَلَ» توجه کنید:

مذکر و مؤنث		مؤنث			مذکر				مضارع
وحدہ	مع الغیر	جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد		
أَنْزَلُ	نُنْزِلُ	يُنْزِلْنَ	تُنْزِلَانِ	تُنْزِلُ	يُنْزِلُونَ	يُنْزِلَانِ	يُنْزِلُ	مغایب	
		تُنْزِلْنَ	تُنْزِلَانِ	تُنْزِلِينَ	تُنْزِلُونَ	تُنْزِلَانِ	تُنْزِلُ	مخاطب	

**نکته** باب تفعیل نیز معنای فعل را متعدی می‌کند. به مثال‌های زیر دقت کنید.

ماضی: فَرَّخَ: خوشحال کرد.

باب تفعیل از ریشه‌ی فَرَّخَ (خوشحال شد)

مضارع: يُفَرِّخُ: خوشحال می‌کند.

ماضی: نَزَّلَ: نازل کرد.

باب تفعیل از ریشه‌ی نَزَّلَ (نازل شد)

مضارع: يَنْزِلُ: نازل می‌کند.

**نکته** باب تفعیل علاوه بر متعدی کردن فعل دو معنای دیگر هم دارد:

**الف** تدریج مانند: يَنْزِلُ (به تدریج نازل می‌کند)

**ب** تکثیر مانند: قَطَّعْنَ قِطْعَةً قِطْعَةً (تکثیراً قطع می‌کنند).

## تمرین کلاس

ترجمه را با کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

۱ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا (ابراهيم/۲۸)

ترجمه

۲ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا (نحل/۱۴)

ترجمه

۳ فَلَمَّا بَيَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا (تحریم/۳)

ترجمه

۴ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا (آل عمران/۵۶)

ترجمه

۵ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ (نساء/۱۶۰)

ترجمه

۶ وَخَنُ نُسَيْحُ بْنُ حَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ (بقره/۳۰)

ترجمه

۷ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (جاثیه/ ۱۳)

ترجمہ

۸ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (بقرہ/ ۳۱)

ترجمہ

۹ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (اعراف/ ۵۰)

ترجمہ

۱۰ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنِزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ (نساء/ ۱۵۳)

ترجمہ

## تمرین منزل

کدام گزینہ معنی را کامل می کند؟

۱ وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ (تحریم/ ۱۲)

ترجمہ

کتابها و سخنان پروردگارش را .....

الف تصدیق می کند

ب تصدیق کرد

ج تصدیق خواهد کرد

۲ ﴿أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ ۖ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكَرًا﴾ (کهف / ۸۷)

**ترجمه** گفت: اما هر کس ظلم کند ..... سپس به سوی پروردگارش می‌برند. پس خداوند نیز او را سخت .....

**الف** عذاب خواهیم کرد، عذاب خواهد کرد

**ب** عذابش می‌کنیم، عذاب خواهد کرد

**ج** عذابش خواهیم کرد، عذاب می‌کند

۳ ﴿وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾ (اسراء / ۵۵)

**ترجمه** برخی از انبیاء را بر برخی دیگر .....

**الف** برتری می‌دهیم

**ب** برتری دادیم

**ج** برتری خواهیم داد.

۴ ﴿قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ﴾ (ص / ۶۱)

**ترجمه** گفتند پروردگار هر کس برای ما این (عذاب را) ..... پس عذاب او را زیاد کن.

**الف** پیش فرستاد

**ب** پیش فرستاده بود

**ج** پیش می‌فرستد

کدام گزینه آیه را کامل می‌کند؟

۱) فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا ..... عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (آل عمران/۵۶)

ترجمه و اما آن‌ها که کافر شدند، آنان را در دنیا و آخرت به سختی عذاب می‌کنم.

الف) فَأَعَذَّبَهُمْ

ب) أَعَذَّبَ

ج) نُعَذِّبُهُمْ

۲) وَ ..... مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ (انعام/ ۱۴۰)

ترجمه آنچه را خداوند به آنان روزی داده بود حرام کردند.

الف) حَرَّمَ

ب) حَرَّمُوا

ج) تُحَرِّمُ

۳) إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي ..... السِّحْرَ (طه/ ۷۱)

ترجمه همانا او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است.

الف) عَلَّمَهُ

ب) يَعْلَمُ

ج) عَلَّمَكُمْ

۴ وَمَا ..... الشَّعَرُ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ<sup>ج</sup> إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ<sup>ب</sup> (یس / ۶۹)

**ترجمه** و ما به او شعر نیاموختیم و (شعر) شایسته او نباشد و آن کتاب جز یادآوری و قرآنی روشنگر نیست.

**الف** عَلَّمَكُمْ

**ب** عَلَّمَنَاهُ

**ج** عَلَّمَهُمْ

۵ إِنْ ..... فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ<sup>ط</sup> وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ<sup>م</sup> (مائده / ۱۱۸)

**ترجمه** اگر آنان را عذاب کنی، بندگان تو هستند و اگر بیامرزیشان همانا تو خود توانا و حکیم هستی.

**الف** تُعَذِّبُنَا

**ب** تُعَذِّبُهُمْ

**ج** تُعَذِّبُكُمْ

### هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

۱ **ترجمه** و او کسی است که دریا را در اختیار شما قرار داد تا از آن گوشت تازه بخورید.

**الف** أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ<sup>هـ</sup> (حج / ۶۵)

**ب** وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا<sup>ج</sup> (جاثیه / ۱۳)

**ج** وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا<sup>ز</sup> (نحل / ۱۴)

۲ **ترجمه** ای پیامبر چرا آنچه را خداوند بر شما حلال نموده (برخود) حرام می‌کنی؟

**الف** يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>ب</sup> (انفال / ۶۴)

**ب** يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ<sup>ز</sup> (تحریم / ۱)

**ج** لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ<sup>م</sup> (مائده / ۸۷)



۳ ترجمه یاد کنید خدا را چنانکه شما را تعلیم داد.

الف تَعْلَمُونَهُنَّ بِمَا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ (مائده / ۴)

ب وَعَلَّمَنَّهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (کهف / ۶۵)

ج فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم (بقره / ۲۳۹)

۴ ترجمه و از آسمان بر شما آبی نازل می کند.

الف نُنَزِّلُ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً (شعراء / ۴)

ب وَنُزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً (انفال / ۱۱)

ج وَنُزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً (روم / ۲۴)

۵ ترجمه حتماً او را عذاب سختی خواهیم نمود.

الف لَا أُعَذِّبُهُ عَذَابًا شَدِيدًا (نمل / ۲۱)

ب فَأُعَذِّبُهُم عَذَابًا شَدِيدًا (ال عمران / ۵۶)

ج أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا (مائده / ۱۱۵)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، صیغه‌های باب تفعیل را معین کنید.

۱ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (مائده / ۱۱۵)

ترجمه پس هر کس از شما بعد از آن کافر گردد، او را عذابی می‌کنم که احدی از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم.

✻ باب تفعیل: .....

۲ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ (فتح/ ۱۵)

ترجمه آن‌ها می‌خواهند کلام خدا را تغییر دهند.

❁ باب تفعیل: .....

۳ إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (ص/ ۱۸)

ترجمه ما کوه‌ها را در اختیار او قرار دادیم (که) شامگاهان و بامدادان خداوند را نیایش می‌کردند.

❁ باب تفعیل: .....

۴ فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (فصلت/ ۳۸)

ترجمه کسانی که در پیشگاه پروردگار تو هستند، شبانه‌روز او را نیایش می‌کنند و خسته نمی‌شوند.

❁ باب تفعیل: .....

۵ فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ (نساء/ ۱۶۰)

ترجمه بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آن‌ها حلال بود، حرام کردیم.

❁ باب تفعیل: .....

۶ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (كهف/ ۵۷)

ترجمه کیست ظالم‌تر از کسی که آیات پروردگارش به وی تذکر داده شود و او روی برگرداند و آنچه را که پیش فرستاده از یاد ببرد؟

❁ باب تفعیل: .....

نکته «ذکر» فعل ماضی مجهول از باب تفعیل است.

۷ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (معارف/۲۶)

ترجمه و کسانی که روز جزا را تصدیق می کنند.

❁ باب تفعیل: .....

۸ وَ يُزَكِّیْكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره/۱۵۱)

ترجمه و شما را پاک می کند و به شما، کتاب و حکمت می آموزد و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد

می دهد.

❁ باب تفعیل: .....



# درس بیست و سوم

باب‌های مزید (بخش سوم)

باب مفاعله، تفاعل، استفعال

## مفاهیم

### پاک چشمی

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (نور/۳۰ و ۳۱)

ترجمه: به مردان با ایمان بگو چشمان خود فرو گیرند و پاکدامنی ورزند... و به زنان با ایمان بگو چشمان خود فرو گیرند و پاکدامنی ورزند.

برای خودنگهداری و رعایت عفت و کنترل شهوت باید از نگاه حرام دوری کنیم. رعایت موازین شرعی در برخورد با نامحرم می‌تواند مقدمه‌ای برای رسیدن به قوه‌ی عفت و کنترل خود باشد. همیشه شیطان برای غلبه بر ما مقدمات کار حرام را بسیار کم اهمیت و ساده جلوه می‌دهد تا انسان را از این مسیر بفریبد. قرآن به طور قاطع دستور داده است که مردان و زنان مؤمن چشمان خود را از نگاه به نامحرم باز دارند.

نگاه به نامحرم از زمینه‌های ایجاد بی‌عفتی در جامعه می‌باشد. امام صادق (ع) فرمودند: نگاه به نامحرم تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است و هرکس آن را برای خدا -نه جز او- ترک کند خداوند به او آرامش و ایمانی عطا کند که مزه‌ی آن را بچشد! و هرکس چشمان خود را از نگاه به نامحرم آکنده سازد در روز رستاخیز خداوند چشمانش را از آتش پر نماید.<sup>۲</sup>

شوخی کردن با نامحرم و همچنین دست دادن با نامحرم از مواردی است که برای آن‌ها آتش دوزخ و زندانی شدن به مدت هزار سال در جهنم وعده داده شده است.<sup>۳</sup> در تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره) آمده است که سخن گفتن (زن با نامحرم) اگر مهیج باشد حرام، اگر مهیج نباشد و خوف فتنه هم در کار نباشد احتیاط مستحب است که ترک نماید.<sup>۴</sup>

۱. وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۲

۲. همان، ص ۱۹۶

۳. عقاب الاعمال، ص ۶۵۲

۴. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۵، مسأله ۲۹

## باب مفاعله

وزن‌های باب مفاعله عبارتند از:

**الف** ماضی بر وزن «فَاعَلَ»

**ب** مضارع بر وزن «يُفَاعِلُ»

**ج** مصدر بر وزن‌های «مفاعله»، «فِعال» و «فِعال»

این باب اغلب برای بیان مشارکت در انجام کاری توسط دو شخص یا دو شیء به کار برده می‌شود به گونه ای که هر دو هم فاعل و هم مفعول هستند. مانند: ضاربٌ علیٌّ حَسَنًا (علی و حسن با هم زد و خورد کردند).

## معانی دیگر باب مفاعله

**الف** تعدیه (متعدی کردن): بَعَدَ (دور شد) ← باَعَدَ (دور کرد)

**ب** تکتثیر (زیاد کردن): أَنْعَمَ (او را نعمت داد) ← نَاعَمَ (او را بسیار نعمت داد)

**نکته** اگر فعلی از این باب به خداوند نسبت داده شود معمولاً معنای ثلاثی مجرد می‌گیرد.

**مثال ۱** قَتَلَهُمُ اللَّهُ (منافقون/۴) ترجمه: خداوند آنان را بکشد!

**مثال ۲** تَخَذِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِّعَهُمْ (نساء/۱۴۲) ترجمه: خدا را فریب می‌دهند در حالی که او

آنها را فریب می‌دهد.

مذكر و مؤنث			مؤنث			مذكر			صرف باب مفاعله
مع الغير	وحده		جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد	
متكلم	فَاعَلْنَا	مَنْكُم	فَاعَلْنَ	فَاعَلْتَا	فَاعَلْتُ	فَاعَلُوا	فَاعَلَا	فَاعَلَ	مغایب
			فَاعَلْنَّ	فَاعَلْتُمَا	فَاعَلْتِ	فَاعَلْتُمْ	فَاعَلْتُمَا	فَاعَلْتِ	مخاطب
متكلم	نُفَاعِلُ	أُفَاعِلُ	يُفَاعِلْنَ	تُفَاعِلَانِ	تُفَاعِلُ	يُفَاعِلُونَ	يُفَاعِلَانِ	يُفَاعِلُ	مغایب
			تُفَاعِلْنَ	تُفَاعِلَانِ	تُفَاعِلِينَ	تُفَاعِلُونَ	تُفَاعِلَانِ	تُفَاعِلُ	مخاطب
			فَاعِلْنَ	فَاعِلَا	فَاعِلِي	فَاعِلُوا	فَاعِلَا	فَاعِلُ	مخاطب

## باب تفاعل

وزن‌های باب تفاعل عبارتند از:

**الف** ماضی بر وزن «تَفَاعَلَ»

**ب** مضارع بر وزن «يَتَفَاعَلُ»

**ج** مصدر بر وزن «تَفَاعُلٌ»

معنای غالب این باب نیز مانند باب مفاعله، «مشارکت» است؛ با این تفاوت که در باب مفاعله می‌بایست بعد از فعل، دو اسم «فاعل» و «مفعول» ذکر شود، اما در این باب و نیز باب افتعال، می‌توان یک اسم جمع آورد و یا دو فاعل را ذکر کرد. مانند: تَضَارَبَ الرَّجُلَانِ - تَضَارَبَ زَيْدٌ وَ عَمْرٌ.

## معانی دیگر باب تفاعل

**الف** **مطاوعه** (اثرپذیری فعل): بَاعَدْتُهُ فَتَبَاعَدَ. (او را دور کردم پس دور شد)

**ب** **تظاهر کردن**: تَمَارَضَ (خود را به مریضی زد)

**ج** **تدریج**: تَوَارَدَ القوم (جمعیت به تدریج وارد شدند)

مذکر و مؤنث			مؤنث			مذکر			صرف باب تفاعل
مع الغیر	وحده		جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد	
تَفَاعَلْنَا	تَفَاعَلْتُ	فعلی	تَفَاعَلْنَ	تَفَاعَلْتِ	تَفَاعَلْتُ	تَفَاعَلُوا	تَفَاعَلَا	تَفَاعَلَ	مغایب
			تَفَاعَلْنَ	تَفَاعَلْتِ	تَفَاعَلْتُ	تَفَاعَلُوا	تَفَاعَلَا	تَفَاعَلَ	مخاطب
نَتَفَاعَلُ	اتَفَاعَلُ	فعلی	يَتَفَاعَلْنَ	يَتَفَاعَلْنِ	يَتَفَاعَلْنَ	يَتَفَاعَلُونَ	يَتَفَاعَلَانِ	يَتَفَاعَلُ	مغایب
			يَتَفَاعَلْنَ	يَتَفَاعَلْنِ	يَتَفَاعَلْنَ	يَتَفَاعَلُونَ	يَتَفَاعَلَانِ	يَتَفَاعَلُ	مخاطب
			تَفَاعَلْنَ	تَفَاعَلْتِ	تَفَاعَلْتُ	تَفَاعَلُوا	تَفَاعَلَا	تَفَاعَلَ	امر

## قاعده‌ی ادغام در باب تفاعل

هرگاه در باب تفاعل یکی از حروف «ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ» «فاء الفعل» قرار گیرد «تاء» تفاعل در «فاء الفعل» ادغام می‌گردد.

**نکته** برای سهولت در تلفظ، همزه‌ی مکسوری در ابتدای صیغه‌های ماضی و امر حاضر می‌آوریم.

برای مثال هر گاه ریشه‌های «تَرَكَ، ثَقُلَ وَ دَرَكَ» را به باب تفاعل ببریم طبق قاعده‌ی فوق این تغییرات ایجاد می‌شود.



- مثال ۱** تَنَارَكَ ← إِتَارَكَ، يَتَارَكَ، إِتَارَكَ  
**مثال ۲** تَنَاقَلَ ← إِتَاقَلَ، يَتَاقَلُ، إِتَاقَلُ  
**مثال ۳** تَدَارَكَ ← إِدَارَكَ، يَدَارَكَ، إِدَارَكَ

## باب استفعال

وزن‌های باب استفعال عبارتند از:

- الف** ماضی بر وزن «إِسْتَفْعَلَ»  
**ب** مضارع بر وزن «يَسْتَفْعِلُ»  
**ج** مصدر بر وزن «استفعال»

## معانی باب استفعال

### الف طلب

- مثال ۱** نَصَرَ (یاری کرد) ← إِسْتَنْصَرَ (طلب یاری کرد)  
**مثال ۲** غَفَرَ (آمرزید) ← إِسْتَغْفَرَ (طلب آمرزش کرد)

### ب تحول

- مثال ۱** غَلِظَ (ستبری، کلفتی) ← إِسْتَغْلَاظَ (ستبر گردیده)  
**مثال ۲** حَجَرَ (سنگ) ← إِسْتَحْجَارُ (سنگ گردیدن)

مذكر و مؤنث			مؤنث			مذكر			صرف باب استفعال
مع الغير	وحده		جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد	
إِسْتَفْعَلْنَا	إِسْتَفْعَلْتُ	مکلم	إِسْتَفْعَلْنَ	إِسْتَفْعَلْتَا	إِسْتَفْعَلَتْ	إِسْتَفْعَلُوا	إِسْتَفْعَلَا	إِسْتَفْعَلَ	ماضی مغایب مخاطب
			إِسْتَفْعَلْتُنَّ	إِسْتَفْعَلْتُمَا	إِسْتَفْعَلَتْ	إِسْتَفْعَلْتُمْ	إِسْتَفْعَلْتُمَا	إِسْتَفْعَلَتْ	
نَسْتَفْعِلُ	أَسْتَفْعِلُ	مکلم	يَسْتَفْعِلْنَ	تَسْتَفْعِلَانِ	تَسْتَفْعِلُ	يَسْتَفْعِلُونَ	يَسْتَفْعِلَانِ	يَسْتَفْعِلُ	مضارع مغایب مخاطب
			تَسْتَفْعِلُنَّ	تَسْتَفْعِلَانِ	تَسْتَفْعِلِينَ	تَسْتَفْعِلُونَ	تَسْتَفْعِلَانِ	تَسْتَفْعِلُ	
			إِسْتَفْعِلْنَ	إِسْتَفْعِلَا	إِسْتَفْعِلِي	إِسْتَفْعِلُوا	إِسْتَفْعِلَا	إِسْتَفْعِلْ	امر مغایب مخاطب

## تمرین کلاس

آیات را ترجمه کنید.

۱ وَلَا تَنْزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِجَاكُمْ وَاصْبِرُوا (انفال/ ۴۶)

ترجمه

۲ إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ (كهف/ ۲۱)

ترجمه

۳ وَإِنْ جَدَلْتُمْ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (حج/ ۶۸)

ترجمه

۴ فَمَنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي (عنكبوت/ ۲۶)

ترجمه

۵ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا (فرقان/ ۶۱)

ترجمه

۶ أَيْنَ شُرَكَاءِ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشْتَقُونَ فِيهِمْ (نحل/ ۲۷)

ترجمه

۷ هَتَانْتُمْ هُنَا لَآ حَاجَتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ (آل

عمران / ۶۶)



۸ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ (عد/ ۱۶)



۹ قَالَ يَفْقَهُ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ (نمل / ۴۶)



۱۰ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ هُمْ (احقاف/ ۳۵)



## تمرین منزل

کدام گزینہ معنی را کامل می کند؟

۱ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَعْجِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (سباء / ۳۰)

ترجمہ بگو: ميعاد شما روزی است که نه ساعتی از آن ..... و نه .....

الف تأخیر می گیرید - پیشی می گیرید

ب تأخیر کردید - پیشی گرفتید

ج تأخیر می کنند - پیشی می گیرند

۲ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ (انفال/ ۷۵)

ترجمه و کسانی که بعداً ایمان آوردند و ..... و همراه شما ..... پس آن‌ها از شما هستند.

الف هجرت کردند، جهاد می‌کنند

ب هجرت می‌کنند، جهاد می‌کنند

ج هجرت کردند، جهاد کردند

۳ إِنَّ الْمَصْدَقِينَ وَالْمَصْدَقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعَفُ لَهُمْ (حدید/ ۱۸)

ترجمه همانامردان و زنان صدقه‌دهنده (که) به خداوند قرض نیکو دهند(خداوند این نیکی را) برایشان

.....

الف افزایش می‌دهد

ب مضاعف کرد

ج چندین برابر کرده است

۴ تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (ملک/ ۱)

ترجمه ..... آن خدایی که به دست اوست فرمانروایی و او بر همه چیز قادر است.

الف پربرکت خواهد شد

ب پربرکت است

ج تبرک کرد

۵ يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ (تحریم/ ۹)

ترجمه ای پیامبر با کفار و منافقین ..... و بر آنان .....

الف مبارزه کن، سخت بگیر

ب مبارزه کردی، سخت گرفتی

ج مبارزه می‌کنی، سخت می‌گیری

۶ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ (اعراف/ ۱۲۹)

ترجمه گفت امیداست (که) پروردگارتان دشمن شما را ..... و در زمین .....

الف ناپود کند، شما را جانشین (آنها) کند.

ب ناپود کرده باشد، شما را جانشین (آنها) گردانیده باشد.

ج ناپود کند، (آنها) را جانشین شما گرداند.

۷ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْعٌ إِلَىٰ حِينٍ (بقره/ ۳۶)

ترجمه و شما را در زمین تا مدت زمانی .....

الف طولانی سرمایه‌ی اندکی است.

ب قرارگاه و سرمایه‌ی اندکی است.

ج سرمایه‌ی اندک مقرر است.

۸ وَلَوْ أَرْزَأْنَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ (انفال/ ۴۳)

ترجمه و اگر آنان را به شما فراوان نشان می‌داد شما سست می‌شدید و در کار (جنگ) .....

الف اختلاف کرده بودید.

ب اختلاف می‌داشتید.

ج اختلاف می‌کردید.

۹ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا (مجادله/ ۱)

ترجمه همانا خداوند گفتار زنی را که درباره‌ی شوهرش ..... شنید.

الف با تو مجادله کرده بود

ب با تو مجادله می‌کرد

ج با تو مجادله داشت

۱۰. الَّذِينَ عَاهَدَتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ (انفال / ۵۶)

ترجمه کسانی که از آنان ..... سپس در هر مرتبه پیمانشان را می شکنند.

الف پیمان گرفتگی

ب پیمان می گرفتند

ج پیمان گرفته بودی

هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

۱. ترجمه همانا ما پیشینیان از شما و آیندگان شما را شناخته‌ایم.

الف أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ (انعام / ۹۸)

ب إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (فرقان / ۶۶)

ج وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَعْرِينَ (حجر / ۲۴)

۲. ترجمه (او) محل قرار و محل نقل و انتقالش را می داند.

الف وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ (بقره / ۳۶)

ب وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا (هود / ۶)

ج وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْنَعٌ إِلَىٰ حِينٍ (بقره / ۳۶)

۳. ترجمه پس، از کافران اطاعت مکن و به وسیله‌ی آن (قرآن) با آن‌ها جهاد بزرگی نما.

الف جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ (تحریم / ۹)

ب وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ (عنکبوت / ۶)

ج فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (فرقان / ۵۲)

۴ ترجمه بر ضد آنان با گناه و دشمنی، (همدیگر را) پشتیبانی می‌کنید.

الف وَلَمْ يُظْهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا (توبه / ۴)

ب تَظْهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (بقره / ۸۵)

ج وَإِنْ تَظْهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ (تحریم / ۴)

۵ ترجمه هرگاه در چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و پیامبر بازگردانید.

الف فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء / ۵۹)

ب وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رَئُوسُكُمْ (انفال / ۴۶)

ج يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمْ (طور / ۲۳)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، صیغه‌های باب مفاعله، تفاعل و استفعال را معین کنید.

۱ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهَا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا (انبیاء / ۸۱)

ترجمه و سلیمان را بادی سهمگین بود که به امر او حرکت می‌کرد به سوی سرزمینی که آنچه در او بود را پربرکت کرده بودیم.

❁ باب مفاعله: .....

❁ باب تفاعل: .....

❁ باب استفعال: .....

۲ قَالُوا يَنْبُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ (هود)

(۳۲)

ترجمه گفتند: ای نوح! با ما جدال کرده ای و بسیار هم جدال کردی. اگر از راستگویان هستی، آنچه به ما وعده می دهی برای ما بیاور.

..... باب مفاعله: \*

..... باب تفاعل: \*

..... باب استفعال: \*

۳ إِنْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوهُ اللَّهُ شَيْئًا

(محمد/ ۳۲)

ترجمه همانا آنان که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و با رسول خدا بعد از آنکه هدایت برایشان روشن گردید مناقشه کردند، هرگز به خداوند ضرر نمی زنند.

..... باب مفاعله: \*

..... باب تفاعل: \*

..... باب استفعال: \*

۴ قَالَ يَنْفَوْرِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ (نمل/ ۴۶)

ترجمه گفت ای قوم من چرا پیش از نیکی به بدی می شتابید.

..... باب مفاعله: \*

..... باب تفاعل: \*

..... باب استفعال: \*



۵ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنۢ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنكُمْ (انفال/۷۵)

**ترجمه** و کسانی که بعداً ایمان آوردند و مهاجرت کردند و همراه با شما جهاد کردند، آنان از شما هستند.

..... \* باب مفاعله:

..... \* باب تفاعل:

..... \* باب استفعال:

۶ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا ٱلْأَيْمَٰنَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا (نحل/۹۱)

**ترجمه** و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای (خود را) پس از استوار کردن آنها مشکنید.

..... \* باب مفاعله:

..... \* باب تفاعل:

..... \* باب استفعال:

۷ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍۭ وَإِن تَكُ حَسَنَةًۭ يُضَعِفْهَا (نساء/۴۰)

**ترجمه** همانا خداوند به اندازه‌ی ذره‌ی کوچکی ظلم نمی کند و اگر حسنه ای باشد آن را دوچندان می کند.

..... \* باب مفاعله:

..... \* باب تفاعل:

..... \* باب استفعال:

۸ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ ٱلنَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ (يونس/۴۵)

**ترجمه** و روزی که محشورشان می کند، گویی که جز ساعتی از روز (در زمین) نمانده‌اند. (در حدی که) یکدیگر را شناسایی کنند.

..... \* باب مفاعله:

..... \* باب تفاعل:

..... \* باب استفعال:

۹ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ (نوبه/۳۹)

**ترجمه** اگر ( برای جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می‌کند، و گروه دیگری را غیر از شما جایگزین شما می‌کند.

..... باب مفاعله: \*

..... باب تفاعل: \*

..... باب استفعال: \*

# درس بیست و چهارم

باب‌های مزید (بخش چهارم)

باب تفعّل، افتعال، انفعال

## مفاهیم

### کسب روزی حلال و اجتناب از درآمد حرام

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۱۸۸)

**ترجمه:** اموال خودتان را میان خود به ناروا (باطل) نخورید و به عنوان رشوه به قضات ندهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که خود می‌دانید. لقمه‌ی حلال منشأ همه‌ی خیرات و موجب پیدایش همه‌ی نیکی‌هاست و پاکیزه‌ترین ثروت‌ها آن است که از راه حلال به دست آید.<sup>۱</sup>

قرآن به همه سفارش می‌کند که از حلال و پاکیزه‌ها بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید.<sup>۲</sup> گویی فریب گام به گام شیطان بیشتر از مسیر «کسب مال» صورت می‌گیرد. کسب درآمد‌های حرام و شبهه‌ناک، کم‌کاری، کم‌فروشی و رشوه دادن از اموری است که در آیات و روایات نسبت به آن هشدار داده‌اند.

بنا به تصریح آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی اسراء شیطان به دنبال مشارکت در اموال و اولاد انسان است که منظور از آن سهم بردن از منفعت و اختصاص (از مال و فرزند) است. مانند اینکه آدمی را وادار کند به تحصیل مال از راه حرام زیرا در این صورت هم آدمی از آن منتفع شده و به غرض طبیعی خود نائل می‌شود و هم شیطان به منظور خود رسیده است.<sup>۳</sup> رسول اکرم (ص) عبادت را هفتاد جزء برشمرد و برترین آن‌ها را کسب درآمد حلال و پرهیز از حرام‌خواری می‌دانند.

بایستی دقت زیادی در حفظ و نگهداری بیت المال نمود و از مخلوط نمودن آن با اموال شخصی خود احتراز کرد. در سخن دیگر از رسول خدا (ص) آمده است: هرکس دقت نکند که از چه راهی مالی کسب کند برای خدا نیز تفاوت نمی‌کند که از چه راهی او را وارد دوزخ کند.<sup>۴</sup>

۱. شرح غررالحکم

۲. بقره، آیه‌ی ۱۶۸

۳. ترجمه‌ی تفسیرالمیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۱

۴. کافی ج ۵، ص ۷۸

## باب تَفَعَّلَ

وزن‌های باب تفعّل عبارتند از:

**الف** ماضی بر وزن «تَفَعَّلَ»

**ب** مضارع بر وزن «يَتَفَعَّلُ»

**ج** مصدر بر وزن «تَفَعَّلَ»

**نکته ۱** در مضارع مخاطب جایز است یک تاء آن را حذف کنیم.

**مثال** تَصَرَّفَ ← تَتَصَرَّفُ ← تَصَرَّفُ

**تعریف مضاعف:** فعلی است که دو حرف اصلی آن، مثل هم باشد.

**مثال** مَدَّ - شَدَّ

**نکته ۱** هرگاه فعل مضاعفی، به باب تفعّل برود، «لام الفعل» آن به «یاء» تبدیل می‌شود:

**مثال** فعل مضاعف «صَدَّ» در باب تفعّل ← تَصَدَّدَ ← تَصَدَّتْ

**نکته ۲** اگر یکی از حروف «ت. ث. ج. د. ذ. ز. س. ش. ص. ض. ط و ظ» در باب تفعّل «فاء»

الفعل» قرار بگیرد، «تاء» از جنس فاء الفعل می‌گردد.

**مثال ۱** دَثَّرَ ← تَدَثَّرَ ← (دَدَثَّرَ + اِ) ← إِدَثَّرَ

**مثال ۲** ذَكَّرَ ← تَذَكَّرَ ← (ذَذَكَّرَ + اِ) ← إِذَكَّرَ

**\*** دقت کنید؛ که دو حرف مشابه در کنار یکدیگر، به یک حرف مشدّد تبدیل می‌شود.

تلفظ حرف مشدّد در ابتدای کلمه مشکل است. برای تلفظ آسان، همزه ای به اول آن اضافه شده است.

## معانی باب تَفَعَّلَ

«اثرپذیری»، «تکلیف و تدریج» از مهم‌ترین معانی باب تفعّل می‌باشد:

**مثال ۱** عَلَّمْتُهُ فَتَعَلَّمَ: به او آموختم پس آموخت.

**مثال ۲** تَحَلَّمَ زَيْدٌ: زید خود را به بردباری زد.

**مثال ۳** تَنَزَّلَ: به تدریج فرود آمد.

مذكر و مؤنث		صرف باب تَفْعُلْ	مذكر			مؤنث		
مع الغير	وحده		مفرد	مثنی	جمع	مفرد	مثنی	جمع
تَصَرَّفْنَا	تَصَرَّفْتَ	ماضی مغایب مخاطب	تَصَرَّفَ	تَصَرَّفَا	تَصَرَّفُوا	تَصَرَّفَتْ	تَصَرَّفَتَا	تَصَرَّفْنَ
			تَصَرَّفْتُمْ	تَصَرَّفْتُمَا	تَصَرَّفْتُمْ	تَصَرَّفْتُنَّ	تَصَرَّفْتُمَا	تَصَرَّفْتُنَّ
نَتَصَرَّفُ	أَتَصَرَّفُ	مضارع مغایب مخاطب	يَتَصَرَّفُ	يَتَصَرَّفَانِ	يَتَصَرَّفُونَ	يَتَصَرَّفُ	يَتَصَرَّفَانِ	يَتَصَرَّفْنَ
			تَتَصَرَّفُ	تَتَصَرَّفَانِ	تَتَصَرَّفُونَ	تَتَصَرَّفُ	تَتَصَرَّفَانِ	تَتَصَرَّفْنَ
		امر مخاطب	تَصَرَّفْ	تَصَرَّفَا	تَصَرَّفُوا	تَصَرَّفِي	تَصَرَّفَا	تَصَرَّفْنَ

## باب اِفْتِعَال

وزن های باب افتعال عبارتند از:

**الف** ماضی بر وزن «اِفْتَعَلَ»

**ب** مضارع بر وزن «يِفْتَعِلُ»

**ج** مصدر بر وزن «اِفْتَعَالٌ»

## معانی باب افتعال

معانی این باب «جهد و کوشش در عمل»، «اثر پذیری» و «مشارکت» است.

**مثال ۱** اِكْتَسَبَ الْمَالُ: مال را با کوشش به دست آورد.

**مثال ۲** جَمَعْتُ النَّاسَ فَاجْتَمَعُوا: مردم را جمع کردم، پس جمع شدند.

**مثال ۳** اِنْتَقَمَ الْقَوْمُ: قوم با هم دشمنی کردند.

**نکته ۱** هرگاه فاء الفعل، حروف «د، ذ، ز» باشد، «تاء» تبدیل به «دال» می شود.

**مثال** دَرَكَ ← اِذْتَرَكَ ← اِذْدَرَكَ ← اِذَرَكَ

**نکته ۲** هرگاه «فاء الفعل»، حروف «ص، ض، ط، ظ» باشد، «تاء» تبدیل به «طاء» می شود:

**مثال ۱** صَبَرَ ← اِصْطَبَرَ

**مثال ۲** ضَرَبَ ← اِضْطَرَبَ

**مثال ۳** ظَلَمَ ← اِظْلَمَ

**مثال ۴** طَرَدَ ← اِطْرَدَ

**نکته ۳** هرگاه «فاء الفعل»، «تاء» باشد، «تاء» نیز تبدیل به «تاء» شده و در هم ادغام می‌گردند.

**مثال** ثَقُلَ ← اِثْتَقَلَ ← اِثْتَقَلَ ← اِثْتَقَلَ

**نکته ۴** هرگاه «فاء الفعل»، یکی از حروف علهی «واو» و «یاء» باشد به «تاء» تبدیل می‌شود.

**مثال** وَحَدَّ ← اِوْتَحَدَ ← اِتَّحَدَ

صرف باب انفعال	مذكر			مؤنث			مذكر و مؤنث	
	مفرد	مثنی	جمع	مفرد	مثنی	جمع	وحده	مع الغیر
ماضی	اِفْتَعَلَ	اِفْتَعَلَا	اِفْتَعَلُوا	اِفْتَعَلَتْ	اِفْتَعَلْتَا	اِفْتَعَلْنَ	اِفْتَعَلْتُ	اِفْتَعَلْنَا
	اِفْتَعَلْتَ	اِفْتَعَلْتُمَا	اِفْتَعَلْتُمْ	اِفْتَعَلْتِ	اِفْتَعَلْتُمَا	اِفْتَعَلْنِ		
مضارع	يَفْتَعِلُ	يَفْتَعِلَانِ	يَفْتَعِلُونَ	تَفْتَعِلُ	تَفْتَعِلَانِ	يَفْتَعِلْنَ	اَفْتَعِلُ	نَفْتَعِلُ
	تَفْتَعِلُ	تَفْتَعِلَانِ	تَفْتَعِلُونَ	تَفْتَعِلِينَ	تَفْتَعِلَانِ	تَفْتَعِلْنَ		
امر	اِفْتَعِلْ	اِفْتَعِلَا	اِفْتَعِلُوا	اِفْتَعِلِي	اِفْتَعِلَا	اِفْتَعِلْنَ		

## باب انفعال

وزن‌های باب انفعال عبارتند از:

**الف** ماضی بر وزن « اِفْتَعَلَ »

**ب** مضارع بر وزن « يَفْتَعِلُ »

**ج** مصدر بر وزن «اِنْفَعَال»

## معانی باب انفعال

معنای انحصاری این باب «پذیرش اثر فعل» است.

**مثال ۱** صَرَفْتُهُ فَأُصِرَفَ: او را بازگرداندم پس بازگشت.

**مثال ۲** كَسَرْتُهُ فَأُكْسِرَ: آن را شکستم پس شکست.

صرف باب انفعال	مذكر			مؤنث			مذكر و مؤنث	
	مفرد	مثنی	جمع	مفرد	مثنی	جمع	وحده	مع الغیر
ماضی	اِفْتَعَلَ	اِفْتَعَلَا	اِفْتَعَلُوا	اِفْتَعَلَتْ	اِفْتَعَلْتَا	اِفْتَعَلْنَ	اِفْتَعَلْتُ	اِفْتَعَلْنَا
	اِفْتَعَلْتَ	اِفْتَعَلْتُمَا	اِفْتَعَلْتُمْ	اِفْتَعَلْتِ	اِفْتَعَلْتُمَا	اِفْتَعَلْنِ		
مضارع	يَفْتَعِلُ	يَفْتَعِلَانِ	يَفْتَعِلُونَ	تَفْتَعِلُ	تَفْتَعِلَانِ	يَفْتَعِلْنَ	اَفْتَعِلُ	نَفْتَعِلُ
	تَفْتَعِلُ	تَفْتَعِلَانِ	تَفْتَعِلُونَ	تَفْتَعِلِينَ	تَفْتَعِلَانِ	تَفْتَعِلْنَ		
امر	اِفْتَعِلْ	اِفْتَعِلَا	اِفْتَعِلُوا	اِفْتَعِلِي	اِفْتَعِلَا	اِفْتَعِلْنَ		

## تمرین کلاس

آیات را ترجمه کنید.

۱] إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (مائده / ۴۸)

ترجمه

۲] أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا (احقاف / ۱۶)

ترجمه

۳] وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ (روم / ۲۳)

ترجمه

۴] أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ (روم / ۸)

ترجمه

۵] وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (غافر / ۲۷)

ترجمه

۶] فَأَرْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (قمر / ۲۷)

ترجمه



۷ يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (بقره/۱۶۸)

ترجمه

۸ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (زمر/۳)

ترجمه

۹ إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ (انفطار/ ۱)

ترجمه

۱۰ فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ (ص/۲۶)

ترجمه

## تمرین منزل

کدام گزینه معنی را کامل می کند؟

۱ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ (توبه/ ۱۲۷)

ترجمه

سپس ..... خداوند دلهایشان را (از حق) منصرف کرد.

الف منصرف کردند

ب منصرف شدند

ج منصرف می شوند

۲ وَمَنْ يَتَّبِدْ أَلْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (بقره/۱۰۸)

ترجمه و هر کس کفر را با ایمان .....، (مسلماً) از راه درست گمراه شده است.

الف عوض کند

ب عوض کرده است

ج عوض کرده باشد

۳ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ (توبه/۵۳)

ترجمه بگو: (ای منافقان!) چه به رغبت چه با بی میلی انفاق کنید، از شما .....

الف پذیرفته نیست

ب نمی پذیرد

ج هرگز پذیرفته نمی شود

۴ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ (مریم/۶۵)

ترجمه (اوست) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، پس او را بندگی کن و در عبادتش .....

الف خشنود باش.

ب شکبیا باش.

ج امیدوار باش.

۵ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (زمر/۳۱)

ترجمه سپس شما، روز قیامت نزد پروردگارتان .....

الف با هم دشمن خواهید بود.

ب با هم دشمنی می کنید.

ج با هم دشمنید.

۶ ﴿وَأَتُوا الَّتِي مَلَكَتْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ﴾ (نساء/۲)

ترجمه اموال یتیمان را به آن‌ها بدهید و (اموال) ناپاک (خود) را با (اموال) خوب (آنان).....

الف همسنگ میندازید.

ب مخلوط نکنید.

ج عوض نکنید.

۷ ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (شعرا/۲۲۷)

ترجمه و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه.....

الف بازگشته‌اند.

ب باز می‌گردند.

ج باز خواهند گشت.

۸ ﴿وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا﴾ (انعام/۱۵۰)

ترجمه و از هوس‌های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند.....

الف نباید اطاعت کرد.

ب نمی‌توانی اطاعت کنی.

ج اطاعت نکن.

۹ ﴿قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا﴾ (انعام/۱۴)

ترجمه بگو: آیا غیر خدا را سرپرست (خود).....

الف بگیرم؟

ب گرفته‌ام؟

ج گرفته بودم؟

۱۰. وَأَنْطَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ آمَشُوا وَأَصْبَرُوا عَلَى الْهَيْكَمِ (ص/ ۶)

ترجمه و سرکردگان آنان ..... (و گفتند) بروید و بر (پرستش) خدایانتان پایداری ورزید.

الف دویدند

ب راه افتادند

ج روی گردانیدند

### هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

۱. ترجمه میان آن‌ها به حق دآوری شده و آن‌ها مورد ظلم واقع نمی‌شوند.

الف وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (بقره/ ۳۱۰)

ب وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (زمر/ ۷۵)

ج وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (یونس/ ۵۴)

۲. ترجمه (خدایا) از ما درگذر و ما را ببخش و بر ما رحمت آور.

الف فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ (بقره/ ۱۰۹)

ب وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا (بقره/ ۲۸۶)

ج فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (ال عمران/ ۱۵۹)

۳. ترجمه همانا کسانی که به ملاقات ما ایمان ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند.

الف مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَكَ لَأَتَّ (عنکبوت/ ۵)

ب إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ اللَّهِ وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا (یونس/ ۷)

ج فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا (کهف/ ۱۱۰)

۴ ترجمه (پروردگارا) تو در دنیا و آخرت سرپرست من هستی؛ مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق کن.

الف ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيَّ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (اعراف / ۳۷)

ب ﴿أَنْتَ وَلِيُّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ (یوسف / ۱۰۱)

ج ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ (زمر / ۴۲)

۵ ترجمه آری هر کس به پیمانش وفا کند و تقوی پیشه سازد، همانا خداوند اهل تقوی را دوست دارد.

الف ﴿بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ ۖ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران / ۷۶)

ب ﴿فَمَا اسْتَقْتُمُوا لَكُمْ فَاسْتَغْنُوا ۚ هُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه / ۷)

ج ﴿فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ (توبه / ۱۰۸)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، صیغه‌های باب تفعل، افتعال و انفعال را معین کنید.

۱ ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ﴾

(عنکبوت / ۱۷)

ترجمه همانا کسانی را که به غیر از خدا می‌پرستید برای شما صاحب روزی نیستند، پس از نزد خدا طلب روزی کنید.

❁ باب تفعل: .....

❁ باب افتعال: .....

❁ باب انفعال: .....

۲ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (زمر/۳۸)

ترجمه بگو خدا مرا کفایت می کند و بر اوست که توکل کنندگان توکل می کنند.

..... باب تفعل: \*

..... باب افتعال: \*

..... باب انفعال: \*

۳ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ تَخْتَصِمُونَ (نمل/۴۵)

ترجمه و به راستی به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید، پس در آن هنگام دو گروه شدند و به دشمنی پرداختند.

..... باب تفعل: \*

..... باب افتعال: \*

..... باب انفعال: \*

۴ وَيَتَعَاَمُونَ مَا يَضرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ (بقره/۱۰۲)

ترجمه و تعلیم می دهند چیزی را که به آن ها ضرر می زند و نفعی برایشان ندارد.

..... باب تفعل: \*

..... باب افتعال: \*

..... باب انفعال: \*

۵ فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ

الْمُنْتَظِرِينَ (یونس/۱۰۲)

**ترجمه** پس آیا جز مانند روزهای کسانی که پیش از آنان بودند، انتظار می‌کشند؟ بگو: انتظار بکشید که من (نیز) با شما از منتظرانم.

..... \* باب تفعل:

..... \* باب افتعال:

..... \* باب انفعال:

۶ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ (اعراف/۱۴۶)

**ترجمه** به زودی کسانی را که در زمین، به ناحق تکبر می‌ورزند، از آیاتم رویگردان سازم.

..... \* باب تفعل:

..... \* باب افتعال:

..... \* باب انفعال:

۷ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا (کهف/۷۱)

**ترجمه** پس به راه افتادند، تا وقتی که سوار کشتی شدند (خضر) آن را سوراخ کرد.

..... \* باب تفعل:

..... \* باب افتعال:

..... \* باب انفعال:

۸ ثُمَّ أَرْجِعَ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (ملک/۴)

**ترجمه** باز دوباره چشم بازگردان (و بنگر) و آن چشم ناکام و خسته به سوی تو باز می‌گردد.

..... \* باب تفعل:

..... \* باب افتعال:

..... \* باب انفعال:

۹ ﴿قُلْ لِّينِ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾

(اسراء/۸۸)

**ترجمه** بگو اگر انسان‌ها و جن‌ها جمع شوند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نیاورند.

..... ﴿\*﴾ باب تفعل:

..... ﴿\*﴾ باب افتعال:

..... ﴿\*﴾ باب انفعال:

۱۰ ﴿وَإِذَا النُّجُومُ أَنْكَدَرَتْ﴾ (تکویر/۲)

**ترجمه** و هنگامی که ستارگان تاریک شوند.

..... ﴿\*﴾ باب تفعل:

..... ﴿\*﴾ باب افتعال:

..... ﴿\*﴾ باب انفعال:



# درس بیست و پنجم

## معتلات (بخش اول)

## مفاهیم

### اجتناب از غیبت و تهمت

وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ اتُّخِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ

(حجرات/۱۲)

**ترجمه:** و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد پس از آن کراهت دارید.

غیبت عبارت است از اینکه در غیاب کسی عیبی از او بگویی که حکمت و وجدان بیدار تو را از آن نهی کند.<sup>۱</sup> به عبارتی دیگر یعنی چیزی که به کسی نسبت دهند به گونه ای که اگر به گوش او برسد خوشش نیاید خواه آن سخن مربوط به عیبی در بدن یا در اخلاق یا در افعال مربوط به دین یا دنیای او باشد.

غیبت اجزای اجتماع بشری را یکی پس از دیگری فاسد می سازد و از صلاحیت داشتن آثار صالحی که از هرکس توقعش می رود، ساقط می کند آن آثار صالح عبارتست از اینکه هر فرد از افراد جامعه در کمال اطمینان خاطر و سلامتی از هر خطری با فرد دیگر یکی شود و ترسی از ناحیه ای او به دل راه ندهد و او را انسانی عامل و صحیح بداند و در نتیجه با او مأنوس گردد نه اینکه از او بیزار باشد و او را فرد پلیدی بشمارد و در حقیقت غیبت بلای جامعه سوز است و چون خوره ای است که به بدن شخص راه یابد و اعضای او را یکی پس از دیگری بخورد و نابودش سازد. در واقع عمل غیبت، ابطال هویت و شخصیت افرادی است که خبر ندارند که دنبال سرشان چه چیزهایی می گویند.<sup>۲</sup> امام علی (ع) فرمودند: از غیبت بپرهیزید که خورشت سگهای جهنم است<sup>۳</sup> و امام کاظم (ع) در تعریف غیبت چنین فرمودند: اگر شخصی پشت سر کسی چیزی را بگوید که در او هست و مردم نمی دانند غیبتش کرده و اگر چیزی بگوید که در او نیست به او بهتان زده است<sup>۴</sup>. و تهمت باعث ذوب شدن ایمان و ورود در دوزخ است.

امام کاظم (ع) فرمودند: ملعون است ملعون است کسی که به برادرش بهتان بزند.<sup>۵</sup>

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۸۴

۲. همان، ص ۴۸۶

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۳

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۸، حدیث ۶

۵. بحار، ج ۶۸، ص ۲۳۷

حروف عله عبارتند از «واو»، «باء» و «الف» منقلب از آن دو. **تعریف** اگر یکی از حروف اصلی فعل (ف، ع، ل) حرف عله باشد، آن فعل را معتل می‌نامند. در فعل‌های معتل، حروف عله یا حذف می‌شوند و یا طبق قواعدی، به حروف دیگر تبدیل می‌شوند. این تبدیل یا حذف، موجب تغییر شکل فعل گردیده و گاهی موجب اشتباه در تشخیص نوع فعل می‌گردد.

به حرف عله‌ی «واو» در این سه فعل دقت کنید:

**مثال ۱** وَعَدَ ← معتل الفاء

**مثال ۲** قَوْلَ ← معتل العین

**مثال ۳** عَصَى ← معتل الیاء

## انواع معتل

### معتل مثال

**تعریف** اگر اولین حرف اصلی فعل، حرف عله باشد، آن را مثال یا مُعتَلُ الفاء می‌گویند.

. مانند: وَعَدَ، يَسْرَ.

صرف فعل ماضی «مثال» همانند صرف ماضی صحیح می‌باشد. اما در صرف مضارع معلوم آن، «فاء الفعل» حذف می‌گردد. البته این عمل زمانی اتفاق می‌افتد که مضارع بر وزن «يَفْعِلُ» (مکسور العین) باشد.

**مثال** وَعَدَ ← يُوْعِدُ ← يَعِدُ

✱ همان‌طور که می‌بینید، مضارع بر وزن «يَفْعِلُ» بوده و حرف عله حذف شده است.

**نکته ۱** در بعضی از افعال «مفتوح العین» مانند «يَذَرُ، يَضَعُ، يَقَعُ» نیز فاء الفعل حذف می‌شود.

**نکته ۲** در مضارع مجهول که فعل بر وزن «يُفْعَلُ» می‌باشد فاء الفعل حذف نمی‌شود.

مذكر و مؤنث			مؤنث			مذكر			صرف	
مع الغیر	وحده		جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد	معتل مثال	
وَعَدَا	وَعَدَتْ	مذكر	وَعَدُوا	وَعَدَتَا	وَعَدَتْ	وَعَدُوا	وَعَدَا	وَعَدَ	مغایب	ماضی
			وَعَدْتُمْ	وَعَدْتُمَا	وَعَدْتَ	وَعَدْتُمْ	وَعَدْتُمَا	وَعَدْتَ	مخاطب	
نَعِدُ	أَعِدُ	مذكر	يَعِدُونَ	يَعِدَانِ	يَعِدُ	يَعِدُونَ	يَعِدَانِ	يَعِدُ	مغایب	مضارع
			يَعِدُونَ	يَعِدَانِ	يَعِدِينَ	يَعِدُونَ	يَعِدَانِ	يَعِدُ	مخاطب	
			عَدُوا	عَدَا	عَدَى	عَدُوا	عَدَا	عَدَ	مخاطب	امر

## معتل اجوف

**تعریف:** اگر دومین حرف اصلی فعل، حرف عله باشد، آن را اجوف یا معتل العین می‌گویند.

مانند: قَوْلٌ، بَيْعٌ

در این گونه افعال اگر حرف قبل از حرف عله مفتوح باشد، حرف عله تبدیل به «الف» می‌شود.

**مثال ۱** قَوْلٌ ← قَالَ

**مثال ۲** بَيْعٌ ← باعَ

در صرف فعل ماضی اجوف، از صیغه‌ی ششم به بعد، به دلیل این که تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم مشکل است، «الف» حذف می‌شود. لازم به ذکر است صداها‌ی کشیده نیز ساکن محسوب می‌شوند.

**مثال ۱** باعَنْ ← بَاعَ

**مثال ۲** قالَنْ ← قَالَ

در مضارع فعل اجوف گاهی قبل از حروف عله، حرف صحیح و ساکن قرار می‌گیرد. در این صورت حرکت حرف عله به حرف صحیح ماقبل منتقل می‌شود.

**مثال ۱** يَقُولُ ← يَقُولُ

**مثال ۲** يَبِيعُ ← يَبِيعُ

مذكر و مؤنث			مؤنث			مذكر			صرف معتل
مع الغير	وحده		جمع	مثنى	مفرد	جمع	مثنى	مفرد	اجوف يائي
بَعَا	بَعَتْ	مذكر	بَعَا	بَاعَتْ	بَاعَتْ	بَاعُوا	بَاعَا	بَاعَ	مغايب
			بَعَتْ	بَعَتْ	بَعَتْ	بَعْتُمْ	بَعْتُمَا	بَعَتْ	مخاطب
تَبِعَ	تَبِعَ	مذكر	تَبِعَ	تَبِعَانِ	تَبِعَ	تَبِعُوا	تَبِعَا	تَبِعَ	مغايب
			تَبِعَ	تَبِعَانِ	تَبِعَ	تَبِعُوا	تَبِعَا	تَبِعَ	مخاطب
			بَعَا	بَعَا	بَعَا	بَعُوا	بَعَا	بَعَ	مخاطب

مذكر و مؤنث			مؤنث			مذكر			صرف معتل	
مع الغير	وحده		جمع	مثنى	مفرد	جمع	مثنى	مفرد	اجوف واوى	
قُلْنَا	قُلْتَ	مذكر	قُلْنَ	قَالَتَا	قَالَتْ	قَالُوا	قَالَا	قَالَ	مغايب	ماضى
			قُلْتَنَ	قُلْتُمَا	قُلْتَ	قُلْتُمْ	قُلْتُمَا	قُلْتَ	مخاطب	
نَقُولُ	أَقُولُ	مذكر	يَقُولْنَ	تَقُولَانِ	تَقُولُ	يَقُولُونَ	يَقُولَانِ	يَقُولُ	مغايب	مضارع
			تَقُولْنَ	تَقُولَانِ	تَقُولِينَ	تَقُولُونَ	تَقُولَانِ	تَقُولُ	مخاطب	
			قُلْنَ	قُولَا	قُولِي	قُولُوا	قُولَا	قُلْ	مخاطب	امر

برای ساختن ماضی مجهول اجوف، حرکت حرف عله را جایگزین حرکت حرف صحیح ماقبل آن می‌کنیم.

در اجوف واوی حرف «واو» قلب به «یاء» می‌شود. هر گاه حرف ماقبل واو، مکسور باشد، حرف واو به یاء تبدیل می‌شود.

**مثال ۱** قَوْلَ ← قَوْلَ ← قِيلَ

**مثال ۲** بُيِعَ ← بُيِعَ ← بِيَعِ

## تمرین کلاس

آیات را ترجمه کنید.

۱ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ (شعراء / ۱۳۶)

ترجمه

۲ وَعِدُّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (اسراء / ۶۴)

ترجمه

۳ وَقَالُوا يَنْصَلِحُ اثْنَتَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (اعراف / ۷۷)

ترجمه

۴ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ (بقره / ۲۶۶)

ترجمه

۵ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (بقره / ۲۳۲)

ترجمه

۶ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ (شوری / ۲۰)

ترجمه

۷ رَيْنَا أَخْرَجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (مومنون / ۱۰۷)

ترجمه

۸ وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (بقره / ۲۱۷)

ترجمه

نکته برخی از «واو»ها «حالیه» هستند یعنی معنای «در حالی که» می‌دهند.

۹ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا (بقره / ۱۰)

ترجمه

۱۰ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء / ۸۲)

ترجمه

## تمرین منزل

کدام گزینه معنی را کامل می‌کند؟

۱ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا (مائده / ۸۲)

ترجمه مسلمانان دشمن‌ترین مردم نسبت به مومنان را یهود و مشرکان .....

الف یافتی

ب می‌یابی

ج یافته‌ای

۲ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ (انعام / ۹۱)

ترجمه بگو «خدا»، سپس .....

الف رهایشان کن

ب ردشان کن

ج رهایشان می‌کردی

۳ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (مریم / ۴۰)

ترجمه همانا ما زمین و تمام کسانی را که در آن هستند ..... و به سوی ما باز گردانده می‌شوند.

الف به ارث می‌بریم

ب به ارث می‌گذاریم

ج به ارث وا می‌گذاریم

۴ لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ (نساء / ۴۳)

ترجمه (ای مومنین) در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه .....

الف گفتند

ب می‌گویید

ج می‌گویند

۵ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ (مائده / ۱۱۷)

ترجمه تا وقتی در میانشان ..... برآنان گواه .....

الف بودم، بودم

ب هستم، هستم

ج هستی، هستی



## کدام گزینه آیه را کامل می‌کند؟

۱) وَلَمَّا ..... عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَمُوسَى اَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ (اعراف/۱۳۴)

**ترجمه** و چون بلا بر آن‌ها واقع شد، گفتند: ای موسی! پروردگار خویش را بدان عهدی که پیش تو دارد برای ما بخوان.

**الف** وَقَعْتُ

**ب** وَقَعَ

**ج** وَقَعُوا

۲) وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ ..... عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (نوح/۲۶)

**ترجمه** و نوح گفت: پروردگارا! احدی از کافران را بر روی زمین باقی مگذار.

**الف** لَا تَذَرُ

**ب** لَا يَذَرُ

**ج** لَا أَذَرُ

۳) فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ ..... وَقُلْ هُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (نساء/۶۳)

**ترجمه** (ای پیامبر) پس از آن‌ها رو بر تاب و آنان را اندرز ده و برایشان با بیانی رسا درباره‌ی خودشان سخن بگو.

**الف** وَعَظُّهُمْ

**ب** وَعَظُّهُمْ

**ج** وَيَعِظُّهُمْ

۴ قَالَ ..... عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره / ۱۲۴)

ترجمه گفت: عهد من به ستمکاران نمی‌رسد.

الف لَا تَنَالُ

ب لَا يَنَالُ

ج لَا تَنَالُوا

۵ أ ..... أَنْكُمْ إِذَا ..... وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَمًا أَنْكُمْ تُخْرَجُونَ (مومنون / ۳۵)

ترجمه آیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان شدید باز شما (از گور، زنده) بیرون

آورده می‌شوید؟

الف تَعِدُكُمْ، مَا تَوَا

ب يَعِدُكُمْ، مَا تَوَا

ج يَعِدُكُمْ، مِثُّ

هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

۱ ترجمه ما ترازوی عدالت را برای روز قیامت می‌نهم.

الف فَإِمَّا مَثًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا (محمد / ۴)

ب وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ (انبیاء / ۴۷)

ج وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف / ۱۵۷)

۲ ترجمه و اگر فرزندی نداشته باشد و پدر و مادرش وارث او باشند برای مادرش یک سوم است.

الف وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ (نساء / ۱۲)

ب وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ (نساء / ۱۷۶)

ج فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ (نساء / ۱۱)

۳ ترجمه و سلیمان وارث داود شد و گفت: ای مردم زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده است.

الف وَدَاوُدَ وَسَلِّمَنَّاهُ إِذْ تَخَضَّعَ لَهُ قَالَ يَتَّبِعُهَا النَّاسُ عُلْمًا مِّنَ اللَّهِ (انبیاء/ ۷۸)

ب وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَتَّبِعُهَا النَّاسُ عُلْمًا مِّنَ اللَّهِ (نمل/ ۱۶)

ج وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (ص/ ۳۰)

۴ ترجمه و سینه‌ام تنگ شود، و زبانم گویا نیست، هارون را نیز رسالت ده!

الف وَلَقَدْ عَلَّمْنَا لَدُنَّاكَ يَصَّيْقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (حجر/ ۹۷)

ب وَيَصِّقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسَلْ إِلَىٰ هَٰرُونَ (شعراء/ ۱۳)

ج وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيًّا (مریم/ ۵۳)

۵ ترجمه و سلام بر او روزی که متولد شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.

الف وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ (مریم/ ۳۳)

ب هُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ (انعام/ ۱۲۷)

ج وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (مریم/ ۱۵)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، افعال «مثال» و «اجوف» را معین کنید.

۱ لَمْ تَعْظُونَنَّهُمْ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ (اعراف/ ۱۶۴)

ترجمه برای چه پند می‌دهید قومی را که خداوند هلاک کننده‌ی آنان است؟

مثال: .....

اجوف: .....

۲ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً (نساء / ۸۹)

**ترجمه** دوست داشتند ای کاش شما (هم) کافر می‌شدید چنانچه خودشان کافر شدند پس با یکدیگر مساوی می‌شدید.

..... مثال: ❁

..... اجوف: ❁

۳ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ (نساء / ۵۸)

**ترجمه** به راستی چه زیباست پندی که خداوند به شما می‌دهد.

..... مثال: ❁

..... اجوف: ❁

۴ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ آلَ حَزَابٍ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ (احزاب / ۲۲)

**ترجمه** و چون مؤمنان دسته‌های (دشمن) را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خداوند و رسولش به ما وعده داده‌اند.

..... مثال: ❁

..... اجوف: ❁

۵ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (اعراف / ۱۶۶)

**ترجمه** پس چون از آنچه نهی شده بودند سرپیچی کردند، به آن‌ها گفتیم که بوزینگانی رانده شده باشید.

..... مثال: ❁

..... اجوف: ❁

۶ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (مدثر / ۱۵)

**ترجمه** سپس طمع می‌ورزد که بر او بیفزایم.

..... مثال: ❁

..... اجوف: ❁

۷ لَقَدْ وُعِدْنَا حَنْ وَاَبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ (مومنون / ۸۳)

ترجمه قطعاً ما و پدرانمان از پیش به این وعده داده شده ایم.

مثال: \*

اجوف: \*



# درس بیست و ششم

## معتلات (بخش دوم)

## مفاهیم

### محاسبه نفس

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ<sup>۱</sup> وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ<sup>۲</sup> (زلزال/۷ و ۸)

عمر انسان همین نفس‌هایی است که در هر لحظه می‌زنیم و همین اوقاتی است که در آن قرار داریم.<sup>۱</sup> این عمر به سرعت می‌گذرد و انسان به پایان آن نزدیک می‌شود. خسران زمانی است که در طول عمر خویش توشه‌ای برای خود ذخیره نکرده باشیم. بنابراین باید همیشه مواظب اعمالمان بوده و از تمامی ساعات و لحظات عمر خویش بهره‌برداری نماییم. در آیات قرآن تصریح شده که همه اعمال انسان بدون ابهام، آمارگیری شده است.<sup>۲</sup> تمام کارهای او به وسیله فرشتگان ملازم ثبت می‌شود<sup>۳</sup> و هر کار کوچک و بزرگ<sup>۴</sup> و حتی نجوای انسان مورد محاسبه قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup>

با توجه به اهمیت موضوع، بایستی برای خروج از گناهان و غفلت‌ها، قبل از محاسبه روز جزاء، خویشتن را مورد حساب کشی قرار دهیم، امام صادق (ع) به این معنا اشاره کرده‌اند: «أَلَا فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا فَإِنَّ فِي الْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا»<sup>۶</sup> ای مردم پیش از آنکه شما را مورد محاسبه قرار دهند خودتان به حسابتان رسیدگی کنید چرا که در قیامت پنجاه موقف است که هر موقف هزار سال طول می‌کشد.

در احادیث آمده است: مومن باید در مقام محاسبه خود را همانند شریکی که از شریکش حساب می‌کشد، زیر ذره بین قرار دهد. تمامی حرکات و اندیشه‌های خویش را مجسم کرده و بدون چشم پوشی، آنان را مورد بررسی قرار دهد.<sup>۷</sup>

حضرت امام خمینی (ره) در ضرورت محاسبه معتقدند که نداشتن محاسبه روزانه ممکن است یک نفر عابد زاهد مسلمان را به یک انسان فاسد شقی تبدیل نماید.<sup>۸</sup> و انسان بایستی از خودش مراقبت کند چون شیطان به دنبال آن است که انسان را به کفر بکشاند. از معاصی کوچک وارد می‌شود تا انسان را به گناهان بزرگش برساند. بایستی از اول صبح تا آخر مراقب خودتان باشید.<sup>۹</sup>

۱. از سخنان مولی علی (ع)، میزان الحکمه، جلد ۶ ص ۵۳۸

۲. یس، آیه ۱۲

۳. انفطار، آیات ۱۲-۱۰

۴. قمر، آیات ۵۳-۵۲

۵. زخرف، آیه ۸۰

۶. بحار الانوار ج ۷ ص ۱۲۶

۷. محمدرضا مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۳۶۵

۸. صحیفه‌ی امام، ج ۱۴ ص ۳۶۹

۹. همان، ج ۲، ص ۳۹



در درس پیش با دو نوع از معتلات آشنا شدیم؛ در این درس به سایر انواع آن می‌پردازیم.

## معتل ناقص

**تعریف:** اگر سومین حرف اصلی فعل، حرف عله باشد، آن را ناقص یا مُعتلُ اللام می‌گویند.

مانند: دَعَوُ، عَصَى

**نکته ۱:** در فعل ناقص هر گاه حرف عله «واو» باشد، در دو حالت «واو» تبدیل به «یاء» می‌گردد.

**الف:** حرف پیش از «واو» مکسور باشد.

**مثال ۱:** رَضَوُ ← رَضَى

**مثال ۲:** دَعَوُ ← دَعَى

**ب:** حرف پیش از «واو» مفتوح بوده و حرف چهارم به بعد قرار گیرد.

**مثال ۱:** يُدْعَوُ ← يُدْعَى

**مثال ۲:** يُدْعَوْنَ ← يُدْعَيْنَ

**نکته ۲:** چنانچه در فعل ناقص، «واو» و «یاء» متحرک و ماقبل مفتوح باشد، حرف عله به «الف» تبدیل می‌شود.

**مثال ۱:** دَعَوُ ← دَعَا

**مثال ۲:** يُدْعَى ← يُدْعَى

مذکر و مؤنث			مؤنث			مذکر			صرف افعال ناقص
مع الغیر	وحده		جمع	مثنی	مفرد	جمع	مثنی	مفرد	
غَصَبْنَا	غَصَبَتْ	مکمل	غَصَبْنَ	غَصَبَتَا	غَصَبَتْ	غَصَبُوا	غَصَبَا	غَصَبَ	ماضی مغایب مخاطب
			غَصَبْنَهُ	غَصَبْتُمَا	غَصَبَتْ	غَصَبْتُمْ	غَصَبْتُمَا	غَصَبَتْ	
أَعَصَى	نَعَصَى	مکمل	يُغَصِبْنَ	تُغَصِبَانِ	تُغَصِي	يُغَصِّبُونَ	يُغَصِّبَانِ	يُغَصِي	مضارع مغایب مخاطب
			تُغَصِبْنَ	تُغَصِبَانِ	تُغَصِيْنَ	تُغَصِّبُونَ	تُغَصِّبَانِ	تُغَصِيْ	
			إِغْصِبْنَ	إِغْصِيَا	إِغْصِي	إِغْصُوا	إِغْصِيَا	إِغْصِي	امر مخاطب

## لفیف

**تعریف:** لَفِيف فعل معتلی است که دو حرف اصلی آن از حروف عله باشد.

اگر دو حرف عله در کنار هم باشد، لَفِيف مقرون و در غیر این صورت مفروق است.

**نکته:** بیشترین تغییرات در فعل‌های لَفِيف رخ می‌دهد.

مذكر و مؤنث		مفرد	مثنی	جمع	مذكر			صرف	
مع الغیر	وحده				مفرد	مثنی	جمع	لفيف مفروق	
کُونِنا	کُونِث	مُتکلم	کُونِ	کُونَا	کُونُ	کُونِیَا	کُونُوا	مغایب	ماضی
			کُونِیْنِ	کُونِیْمَا	کُونِیْ	کُونِیْمَا	کُونُوتُمْ	مخاطب	
نَکُوی	اَکُوی	مُتکلم	نَکُویْنِ	نَکُویَا	نَکُوی	نَکُویَا	نَکُوْونَ	مغایب	مضارع
			نَکُویْنِ	نَکُویَا	نَکُویْنِ	نَکُویَا	نَکُوْونَ	مخاطب	
			اِکُویْنِ	اِکُویَا	اِکُوی	اِکُویَا	اِکُوْوا	مخاطب	امر

مذكر و مؤنث		مفرد	مثنی	جمع	مذكر			صرف	
مع الغیر	وحده				مفرد	مثنی	جمع	لفيف مفروق	
وَقِینَا	وَقِیْتِ	مُتکلم	وَقِیْنِ	وَقِیْنَا	وَقِیْ	وَقِیَا	وَقُوهَا	مغایب	ماضی
			وَقِیْنِ	وَقِیْمَا	وَقِیْ	وَقِیْمَا	وَقِیْتُمْ	مخاطب	
نَقِی	اَقِی	مُتکلم	نَقِیْنِ	نَقِیَا	نَقِی	نَقِیَا	نَقُوهَا	مغایب	مضارع
			نَقِیْنِ	نَقِیَا	نَقِیْنِ	نَقِیَا	نَقُوهَا	مخاطب	
			قِیْنِ	قِیَا	قِی	قِیَا	قُوهَا	مخاطب	امر

## تمرین کلاس

آیات را ترجمه کنید.

۱ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنِ خَشِيَ (نازعات / ۲۶)

ترجمه

۲ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ (شوری / ۲۵)

ترجمه

۳ إِنْ نَعَفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (توبه / ۶۶)

ترجمه

۴ نَتْلُو عَلَيْكَ مِن نَّبإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ (قصص / ۳)

ترجمه

۵ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ (نحل / ۷۰)

ترجمه

۶ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ (رعد / ۱۶)

ترجمه

۷ ﴿فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ﴾ (مائده / ۱۱۷)

ترجمه

۸ ﴿اَكُنَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ﴾ (يونس / ۲)

ترجمه

۹ ﴿وَقِيلَ آلْيَوْمَ نَنسَخُكُمْ كَمَا فَسَّخْنَاهُ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ (جاثیه / ۳۴)

ترجمه

## تمرین منزل

کدام گزینه معنی را کامل می کند؟

۱ ﴿اَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ﴾ (بقره / ۴۴)

ترجمه آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خودتان را ..... (در حالی که) کتاب (آسمانی) را می خوانید؟

الف فراموش کرده اید

ب فراموش می کنید

ج فراموش کردید

۲ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ (قصص / ۸۸)

ترجمه معبود دیگری را همراه با خدا .....

الف نخوانده‌ای.

ب نخوان.

ج نخواهی خواند.

۳ وَبَلَوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (اعراف / ۱۶۸)

ترجمه و آن‌ها را با نیکی‌ها و بدی‌ها ..... شاید که آنان بازگردند.

الف می‌آزماییم

ب خواهیم آزمود

ج آزمودیم

۴ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا (عنکبوت / ۸)

ترجمه به انسان ..... که به پدر و مادرش نیکی کند.

الف سفارش کردیم

ب سفارش می‌کنیم

ج سفارش کنید

۵ وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ (آل عمران / ۵۷)

ترجمه و اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند (خداوند) پاداششان را به طور کامل

.....

الف داده است.

ب می‌دهد.

ج داده بود.

کدام گزینه آیه را کامل می‌کند؟

۱) وَإِذَا ..... مَوْجٌ كَالظُّلُلِ دَعَا اللَّهَ (لقمان / ۳۲)

**ترجمه** و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها (روی سرشان را) بپوشاند، خدا را می‌خوانند.

**الف** غَشِيَتْهُمْ

**ب** غَشِيَهُمْ

**ج** غَشِيَتْهُمْ

۲) الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَخَشَوْنَهُ وَ..... أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ (احزاب / ۳۹)

**ترجمه** کسانی که رسالت‌های الهی را تبلیغ می‌کنند و از او می‌ترسند از هیچ کس جز خداوند نمی‌ترسند.

**الف** لَا يَخْشَوْنَ

**ب** لَا تَخْشَوْنَ

**ج** لَا يَخْشَوُا

۳) وَ..... مِنْ بَعْدِ مَا أَرْسَلَكُمْ مَا تُحِبُّونَ (آل عمران / ۱۵۲)

**ترجمه** و بعد از آن که (خداوند) آنچه را دوست می‌داشتید به شما نشان داد، نافرمانی کردید.

**الف** عَصَيْنَ

**ب** عَصَيْتُمْ

**ج** عَصَيْتُنَّ

۴) ..... بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم / ۳۱)

**ترجمه** و مرا به نماز و زکات مادامی که زنده هستم سفارش کرد.

**الف** أَوْصَانِي

**ب** وَصَيْتَنِي

**ج** يُوصِينِي

۵ **كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللّٰهِ وَكُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَ..... ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ.....** (بقره/۲۸)

**ترجمه** چگونه به خدا کفر می‌ورزید درحالی که مرده‌بودید سپس شما را زنده کرد سپس می‌میراند و سپس زنده می‌کند.

**الف** اُحْيَاكُمْ، يَحْيِيكُمْ

**ب** يَحْيِيكُمْ، اُحْيَاكُمْ

**ج** اُحْيَاكُمْ، اُحْيَاكُمْ

هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

**۱ ترجمه** و برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند.

**الف** يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا (مائده/۲)

**ب** وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ اَنْ يَّتَّخِذَ وَلَدًا (مریم/۹۲)

**ج** وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ (بقره/۱۱۶)

**۲ ترجمه** مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آن که نشانه‌های روشنی به آنان رسید.

**الف** لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِاخْوَانِهِمْ (آل عمران/۱۵۶)

**ب** وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللّٰهَ فَاَنْسَنَهُمْ اَنْفُسُهُمْ (حشر/۱۹)

**ج** وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (آل عمران/۱۰۵)

۳ ترجمه به راه خود ادامه دادند تا این که جوانی را ملاقات کردند، پس آن جوان را کشت.

الف فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيََا غُلَامًا فَقَتَلَهُ (كهف/ ۷۴)

ب فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ (كهف/ ۷۱)

ج فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ (كهف/ ۷۷)

۴ ترجمه آیا کسی که هوای نفسش را معبود خویش گرفته است، دیدی؟

الف أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ (جاثیه/ ۲۳)

ب قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ (یونس/ ۶۸)

ج مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ (مومنون/ ۹۱)

۵ ترجمه همانا من قوم خود را شب و روز دعوت کردم.

الف أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي (ابراهیم/ ۲۲)

ب إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (نوح/ ۵)

ج وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ (نوح/ ۷)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، افعال معتل «ناقص» و «لفیف» را معین کنید.

۱ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ (آل عمران/ ۱۵۴)

ترجمه و خداوند بپازماید آنچه را در سینه‌های شماست.

✻ معتل ناقص: .....

✻ معتل لفیف: .....



۲ عِلِّمَ اللَّهُ أَنْكُمْ كُنْتُمْ تَحْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ (بقره/۱۸۷)

ترجمه خداوند دانست اینکه شما به نفس‌های خویش خیانت می‌کنید پس توبه‌ی شما را پذیرفت و از شما درگذشت.

..... معتل ناقص: ❁

..... معتل لفیف: ❁

۳ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ (بقره/۱۲۱)

ترجمه کسانی که کتابشان داده‌ایم و آن چنان که سزاوار خواندنش است آن را می‌خوانند.

..... معتل ناقص: ❁

..... معتل لفیف: ❁

۴ قُلْ فَاتُوا بِالْتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران/۹۳)

ترجمه بگو: تورات را بیاورید و آن را بخوانید، اگر راست می‌گویید.

..... معتل ناقص: ❁

..... معتل لفیف: ❁

۵ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ (بقره/۴۰)

ترجمه و به عهد من وفا کنید، به عهدتان وفا می‌کنم.

..... معتل ناقص: ❁

..... معتل لفیف: ❁

۶ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ (انعام/۹۳)

ترجمه و کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند به دروغ افترا ببندد یا (او که) گفت: به من وحی شده است در حالی که چیزی به او وحی نشده است.

..... معتل ناقص: ❁

..... معتل لفیف: ❁

۷ ﴿أَسْتَحْذَرُ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانَ فَاذْنَسُهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ﴾ (مجادله / ۱۹)

ترجمه شیطان بر آنان مسلط گردید پس یاد خدا را از یادشان برد.

..... معتل ناقص: ﴿﴾

..... معتل لفیف: ﴿﴾

۸ ﴿وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنْ اللَّهِ﴾ (توبه / ۱۱۱)

ترجمه و چه کسی به عهد خود از خدا وفادارتر است؟

..... معتل ناقص: ﴿﴾

..... معتل لفیف: ﴿﴾

۹ ﴿وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ (بقره / ۳۳)

ترجمه و می دانم آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می کردید.

..... معتل ناقص: ﴿﴾

..... معتل لفیف: ﴿﴾

# درس بیست و هفتم

## معتلات (بخش سوم)

## مفاهیم

### اخلاق نیکو

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم/۴)

ترجمه: همانا تو (ای پیامبر) دارای سجایای اخلاقی عظیمی هستی.

یکی از شاخصه‌های مومن، اخلاق نیکوست. رفتار نیک فردی و معاشرت اجتماعی نیکو می‌تواند انسان را به مقامی بزرگ، برساند. پیامبر گرامی اسلام (ص) به شکلی ستودنی از رفتار و گفتار نیک برخوردار بودند، که از طرف خداوند مورد ستایش قرار گرفت. لطف و محبت بی‌نظیر، صفا و صمیمیت بی‌مانند، تحمل و حوصله‌ی وصف ناپذیر پیامبر (ص) آنچنان بود که دوست و دشمن را به تحیر واداشت. او در مقابل آزار دشمنان اندرز می‌داد، در برابر ناسزاگویی، سنگ زدن و خاکستر داغ ریختن، آنان را دعا می‌کرد. عفو و اغماض، سخاوت، مدارا و تواضع آن بزرگوار موجب شد خداوند کریم، او را الگویی ستودنی برای همه کسانی قرار دهد که به خدا و روز قیامت ایمان دارند.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) حسن خلق را نرم خویی، حسن گفتار و گشاده رویی در برخورد معنا کرده‌اند. در این میان حسن گفتار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و قرآن کریم از مؤمنان درخواست کرده در مباحثه با کافران و مشرکان به نیکوترین روش و با مردم به گونه‌ای زیباتر سخن بگوییم. از ثمرات اخلاق نیک، پاک شدن گناهان، کثرت روزی<sup>۲</sup>، افزایش عمر و فراوان شدن محبت و مودت و مایه همبستگی انسانها با یکدیگر برشمرده شده است<sup>۳</sup> و از طرفی دیگر، اخلاق بد موجب عذاب نفس، نابودی عمل و اندوه همیشگی است<sup>۴</sup> که به پراکندگی انسانها منجر خواهد شد.<sup>۵</sup>

امام صادق (ع) می‌فرمایند: با مردم معاشرت داشته باشید، در اجتماعاتشان شرکت کنید و آن‌ها را در کارها یاری نمایید، منزوی نشوید و از جامعه کناره نگیرید و با آنان چنان سخن بگویید که خدا فرموده است: «و قولوا للناس حسنا» با مردم به خوبی سخن بگویید.

۱. احزاب، ۲۱

۲. معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۵۳

۳. نحل، آیه ۱۲۵

۴. اسراء، آیه ۵۳

۵. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۵۱

۶. همان، ص ۱۵۲

۷. همان

۸. آل عمران، ۱۵۹

۹. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، ج ۸، ص ۳۱۴

در درس‌های گذشته با چهار نوع از انواع معتلات آشنا شدیم؛ در این درس، نوع پنجم آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## فعل مهموز

**تعریف** هر گاه یکی از سه حرف اصلی فعل، همزه باشد، آن فعل را مهموز گویند. چنانچه در صرف افعال یا باب‌های مزید، فعل دارای دو همزه باشد، همزه‌ی دوم که ساکن است به تناسب حرکت همزه‌ی اول، به یکی از حروف «الف، واو، یاء» تبدیل می‌گردد.

- مثال ۱** اگر همزه‌ی اول مفتوح باشد: **أَتَيْتَ** ← آتی (ماضی باب افعال)  
**مثال ۲** اگر همزه‌ی اول مضموم باشد: **أُوتِيَتْ** ← اوتی (ماضی مجهول باب افعال)  
**مثال ۳** اگر همزه‌ی اول مکسور باشد: **إِيْتَاء** ← ای‌تاء (مصدر باب افعال)

**نکته** اگر فعل مهموز به باب افتعال برده شود، همزه‌ی آن به «تاء» تبدیل می‌گردد.

- مثال ۱** فعل ماضی از ریشه‌ی **أَخَذَ** در باب افتعال: **إِتَّخَذَ** ← **إِتَّخَذَ**  
**مثال ۲** فعل مضارع از ریشه‌ی **أَخَذَ** در باب افتعال: **يَأْتِخِذُ** ← **يَتَّخِذُ**

**مثال** برای شناخت بهتر افعال مهموز ناقص به این مثال‌ها توجه کنید:

مهموز الفاء و ناقص		مذكر			مؤنث			مذكر و مؤنث	
ماضی	مغایب	مفرد	مثنی	جمع	مفرد	مثنی	جمع	وحده	مع الغیر
	مخاطب	أتى	أتيا	أتوا	أتت	أتيا	أتين	أتيت	أتينا
مضارع	مغایب	يأتى	يأتيان	يأتون	تأتى	تأتیان	تأتين	أتى	أتى
	مخاطب	تأتى	تأتیان	تأتون	تأتين	تأتیان	تأتين	أتى	أتى
امر	مخاطب	ت	تيا	توا	تى	تيا	تين		

مهموز العين و ناقص		مذكر			مؤنث			مذكر و مؤنث	
ماضی	مغایب	مفرد	مثنی	جمع	مفرد	مثنی	جمع	وحده	مع الغیر
	مخاطب	رأى	رأيا	رأوا	رأت	رأتا	رأتين	رأيت	رأينا
مضارع	مغایب	يرى	يريان	يرون	ترى	تریان	ترين	أرى	أرى
	مخاطب	ترى	تریان	ترون	ترين	تریان	ترين	أرى	أرى
امر	مخاطب	ر	ريا	روا	رى	ريا	رين		

## تمرین کلاس

آیات را ترجمه کنید.

۱ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (زخرف / ۷)

ترجمه

۲ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتَأْتِنَا بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ (يونس / ۱۵)

ترجمه

۳ وَءَاتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي ءَاتَاكُمْ (نور / ۳۳)

ترجمه

۴ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ (آل عمران / ۲۳)

ترجمه

۵ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ (انفال / ۴۸)

ترجمه

۶ إِنَّهُ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ (يونس / ۴)

ترجمه

۷ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (مرسلات / ۳۶)

ترجمہ

۸ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقرہ / ۲۲۹)

ترجمہ

۹ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (لقمان / ۲۰)

ترجمہ

۱۰ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (فتح / ۶)

ترجمہ

## تمرین منزل

کدام گزینہ معنی را کامل می کند؟

۱. وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا (انبیاء / ۴۷)

ترجمہ و اگر (عملی) هم وزن دانه‌ی خردلی هم باشد آن را .....

الف می پذیریم

ب می آوریم

ج ثبت می کنیم

۲ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابَهُ (حاقه/۲۵)

**ترجمه** اما کسی که نامه‌ی اعمالش به دست چپش ..... می‌گوید: ای کاش هرگز نامه‌ی اعمالم به من

.....

**الف** داده شود، داده نمی‌شد

**ب** داده شود، داده نشده بود

**ج** داده شده بود، داده نمی‌شد

۳ لَنْ تُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ (بقره/۵۵)

**ترجمه** ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم. پس صاعقه شما را .....

**الف** فرا بگیرد

**ب** فرا گرفت

**ج** فرا گرفته بود

۴ وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بُجْهَنَّمِ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرُ (فجر/۲۳)

**ترجمه** و جهنّم را در آن روز (حاضر) .....، آن روز است که انسان پند گیرد و کجا باشد جای

پندگرفتن او؟

**الف** آورند

**ب** می‌یابند

**ج** می‌شوند



۵. أَمْرٍ اتَّخَذَ مِمَّا سَخَّلَتْ بَنَاتٍ وَأَصْفَلَكُمْ بِالْبَيْنِ (زخرف/۱۶)

**ترجمه** آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود ..... و پسران را برای شما .....

**الف** می گیرد، بر می گزیند

**ب** انتخاب کرده، برگزیده بود

**ج** انتخاب کرده، برگزیده است

**نکته** همانطور که پیشتر فرا گرفتیم، فعل ماضی همراه با «همزه» یا «هل» استفهام، معنای ماضی نقلی به خود می گیرد. در اینجا «أم» نشان از استفهام است.

### کدام گزینه آیه را کامل می کند؟

۱. .... أَلْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ ..... أَلْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا (بقره/۲۶۹)

**ترجمه** (خدا) دانش و حکمت را به هر کسی بخواهد (و شایسته بداند) می دهد و به هر کس حکمت داده شود خیر فراوانی داده شده است.

**الف** یؤتی، یؤت

**ب** تؤتی، تؤت

**ج** أوتی، أوت

۲. وَلَمَّا ..... رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئًا بِهِمْ (هود/۷۷)

**ترجمه** و چون فرستادگان ما (فرشتگان عذاب) نزد لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد.

**الف** جاء

**ب** جاءت

**ج** جاؤوا

**نکته** برای اسم های جمع، فعل مفرد مؤنث آورده می شود (جاءت رُسُلُنَا).

۳ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ..... أَلْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهِ (بقره / ۵۱)

**ترجمه** (یاد کنید) آن گاه که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم، پس بعد از آن (شما در غیاب وی گوساله را) به پرستش گرفتید.

**الف** اِتَّخَذْتُمْ

**ب** اِتَّخَذُوا

**ج** اِتَّخَذْتَنَّ

۴ قَالَ فِرْعَوْنُ..... بِهِ قَبْلَ أَنْ أَذِنَ لَكُمْ (اعراف / ۱۲۳)

**ترجمه** فرعون گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟

**الف** آمَنُوا

**ب** آمَنْتُمْ

**ج** آمَنْتَنَّ

۵ فَإِنْ تَوَلَّوْا..... وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ (نساء / ۸۹)

**ترجمه** هر گاه از این کار سر باز زنند، هر جا آن‌ها را یافتید آن‌ها را بکشید.

**الف** فَخَذُّوهُمْ

**ب** فَأَخَذُوهُمْ

**ج** فَخَذُّهُمْ

## هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

۱ ترجمه هیچ پیامبری به سوی آن‌ها نمی‌آمد، مگر این که او را استهزاء می‌کردند.

الف وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (زخرف / ۷)

ب أُوتِيكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا (قصص / ۵۴)

ج إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ (نحل / ۹۰)

۲ ترجمه به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی.

الف لِّئُرِيكَ مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَى (طه / ۲۳)

ب يُرَآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء / ۱۴۲)

ج أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ (بقره / ۲۶۰)

۳ ترجمه آیا آن‌ها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! پس خود را از مکر خدا ایمن نمی‌دانند جز

زینکاران.

الف الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (نساء / ۷۶)

ب أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (اعراف / ۹۹)

ج وَمَكْرُوا وَمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ (آل عمران / ۵۴)

۴ ترجمه هر گاه نیکی به تو رسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند.

الف إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ نَّسُوهُمْ (توبه / ۵۰)

ب إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (اسراء / ۷)

ج وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (نساء / ۳۸)

**۵ ترجمه** هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید، باشد که مشمول رحمت خدا شوید.

**الف** فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (نحل/۹۸)

**ب** وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (اعراف/۲۰۴)

**ج** أَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء/۱۴)

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، انواع افعال مهموز را معین کنید.

**۱** وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُورَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا (فتح/۱۰)

**ترجمه** هر کس بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.

مهموز الفاء: .....

مهموز العین: .....

مهموز لام: .....

**۲** فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (انعام/۴۲)

**ترجمه** پس آن‌ها را به تنگدستی و ناخوشی دچار ساختیم شاید تضرع و زاری کنند.

مهموز الفاء: .....

مهموز العین: .....

مهموز لام: .....

**۳** أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (بقره/۲۰۶)

**ترجمه** نخوت او را به گناه کشاند، پس جهنم او را بس است و چه بد بستری است.

مهموز الفاء: .....

مهموز العین: .....

مهموز لام: .....

۴ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَادَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا (احزاب/۶۹)

ترجمه: مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند و خدا او را از آنچه گفتند مبرا ساخت.

..... مهموز الفاء: ❁

..... مهموز العین: ❁

..... مهموز الـام: ❁

۵ قَالُوا أُودِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا (اعراف/۱۲۹)

ترجمه: گفتند: پیش از آنکه سوی ما بیایی و بعد از آنکه آمدی همواره آزار شده ایم.

..... مهموز الفاء: ❁

..... مهموز العین: ❁

..... مهموز الـام: ❁

۶ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ (آل عمران/۴۹)

ترجمه: و شما را از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهیم.

..... مهموز الفاء: ❁

..... مهموز العین: ❁

..... مهموز الـام: ❁

۷ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا (اعراف/۱۴۵)

ترجمه: پس آن را محکم بگیر و قوم خود را فرمان ده که بهترینش را به کار گیرند.

..... مهموز الفاء: ❁

..... مهموز العین: ❁

..... مهموز الـام: ❁

۸ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر/۷)

ترجمه آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.

..... مهموز الفاء: ❁

..... مهموز العین: ❁

..... مهموز الهمزة: ❁

۹ وَيَذَرُهُمْ بِالْحَسَنَةِ الْيَسِيرَةِ أُولَئِكَ هُمْ عُقَبِ الدَّارِ (عد/۲۲)

ترجمه و بدی را با نیکی می‌زدایند، نیک فرجامی سرای آخرت برای آنهاست.

..... مهموز الفاء: ❁

..... مهموز العین: ❁

..... مهموز الهمزة: ❁

۱۰ وَلَقَدْ كَذَبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُم نَصْرُنَا (انعام/۳۴)

ترجمه و قطعاً پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید.

..... مهموز الفاء: ❁

..... مهموز العین: ❁

..... مهموز الهمزة: ❁

# درس بیست و هشتم

اعلال در باب‌های مزید

## مفاهیم

### عزت

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا (فاطر/۱۰)

ترجمه: هر کس عزت (سربلندی) می‌خواهد عزت یکسره از آن خداست.

عزت به معنای قوت و ارجمندی است<sup>۱</sup> که در اصل به معنای حالتی است که انسان را شکست ناپذیر می‌سازد<sup>۲</sup>. از اموری که رعایت آن بر هر مسلمانی لازم است موضوع بلند طبعی و آزادگی و بریدن طمع و امید از مقام و ثروت دیگران است با رعایت این اصل اساسی است که شخصیت، عزت و شرف انسان محفوظ می‌ماند و انسان می‌تواند سربلند و به دور از بندگی این و آن زندگی کند و از شرک رهایی یابد. شخص با ایمان عزیز است و خداوند عزت را مخصوص خود و رسول خود و مومنان قرار داده است<sup>۳</sup>. امام صادق (ع) می‌فرماید خداوند تمامی کارهای شخص با ایمان را به خود او واگذار کرده ولی به او اجازه نداده که دلیل شود<sup>۴</sup>. یکی از مهمترین عوامل ایجاد ذلت برای انسان، ابراز نیاز به دیگران است<sup>۵</sup>.

درخواست نیاز از مردم موجب از بین رفتن عزت و حیا می‌شود و یاس از آنچه در نزد مردم است برای مومن مایه عزت نفس است<sup>۶</sup>.

در روایات ترک مشاجره، راستگویی، حسن خلق، بردباری، تقوا، قطع طمع از مال مردم و اطاعت از ولی امر، از اسباب عزت شمرده شده است<sup>۷</sup>.

همچنین قناعت، شجاعت، حفظ زبان و تضرع نزد خداوند، موجب عزت می‌گردد<sup>۸</sup>. خداوند به حضرت داوود می‌فرماید: ای داوود من عزت را در اطاعت خودم قرار دادم و مردم آن را در خدمت به سلطان جستجو می‌کنند و نمی‌یابند<sup>۹</sup>.

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۳۳، ص ۲۳۱

۲. اصول اخلاق اجتماعی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ص ۹۱

۳. منافقون، آیه ۸

۴. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۳

۵. میزان الحکمة ج ۶ ص ۲۹۲

۶. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۹

۷. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۰

۸. همان، ص ۲۹۳

۹. همان، ص ۲۹۱



از آنجا که در باب‌های مزید افعال معتل فراوانی وجود دارد که در قرآن نیز آمده است، در این درس برای تمرین بیشتر، تعدادی از آن‌ها را یادآوری می‌کنیم.

## باب افعال

### اجوف واوی

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «طَوَعَ» در باب افعال: أَطَوَعَ ← أَطَوُّعَ ← أَطَاعَ
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «طَوَعَ» در باب افعال: يُطَوِّعُ ← يُطَوُّعُ ← يُطِيعُ
- ❖ فعل امر از ریشه ی «طَوَعَ» در باب افعال: تُطِيعُ ← أَطِعْ
- ❖ همانطور که ملاحظه می‌کنید حرف عله ی «واو» حرکت خود را به حرف صحیح ماقبل می‌دهد. همچنین حرف عله ی ماقبل مفتوح به «الف» و حرف عله ی ماقبل مکسور به «یاء» تبدیل می‌شود.

### ناقص یایی

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «غَنَى» در باب افعال: أَغْنَى ← أَغْنَى
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «غَنَى» در باب افعال: يُغْنِي ← يُغْنِي
- ❖ فعل امر از ریشه ی «غَنَى» در باب افعال: تُغْنِي ← أَغْنِ
- ❖ همانطور که ملاحظه می‌کنید حرف عله ی ماقبل مکسور به «یاء» تبدیل می‌شود.

### لغیف مفروق

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «وَصَى» در باب افعال: أَوْصَى ← أَوْصَى
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «وَصَى» در باب افعال: يُؤْصِي ← يُؤْصِي
- ❖ فعل امر از ریشه ی «وَصَى» در باب افعال: تُؤْصِي ← أَوْصِ

## باب تفعیل

### لغیف مفروق

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «وَصَى» در باب تفعیل: وَصَّى ← وَصَّى
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «وَصَى» در باب تفعیل: يُؤْصِي ← يُؤْصِي
- ❖ فعل امر از ریشه ی «وَصَى» در باب تفعیل: تُؤْصِي ← وَصِّ

## باب تفعّل

### لغیف مفروق

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «وَلَّی» در باب تفعّل: تَوَلَّى ← تَوَلَّى
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «وَلَّی» در باب تفعّل: يَتَوَلَّى ← يَتَوَلَّى
- ❖ فعل امر از ریشه ی «وَلَّی» در باب تفعّل: تَتَوَلَّى ← تَوَلَّ

## باب افتعال

### ناقص یایی

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «هَدَى» در باب افتعال: اِهْتَدَى ← اهتدی
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «هَدَى» در باب افتعال: يَهْتَدِي ← يَهْتَدِي
- ❖ فعل امر از ریشه ی «هَدَى» در باب افتعال: تَهْتَدِي ← اِهْتَدِ

### ناقص واوی

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «عَدَوَ» در باب افتعال: اِغْتَدَوُ ← اِغْتَدَى ← اِغْتَدَى
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «عَدَوَ» در باب افتعال: يَغْتَدُوْ ← يَغْتَدِي ← يَغْتَدِي
- ❖ فعل امر از ریشه ی «عَدَوَ» در باب افتعال: تَغْتَدِي ← اِغْتَدِ
- ❖ چون تلفظ یاء مضموم در «يَغْتَدِي» مشکل است، ضمه حذف می‌شود.

## باب استفعال

### اجوف واوی

- ❖ فعل ماضی از ریشه ی «عَوَدَ» در باب استفعال: اسْتَعَوَدَ ← اسْتَعَوَدَ ← اسْتَعَادَ
- ❖ فعل مضارع از ریشه ی «عَوَدَ» در باب استفعال: يَسْتَعُوْ ← يَسْتَعُوْ ← يَسْتَعِيذُ
- ❖ فعل امر از ریشه ی «عَوَدَ» در باب استفعال: تَسْتَعِيذُ ← اِسْتَعِدْ

## تمرین کلاس

آیات را ترجمه کنید.

۱ مَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (اسراء/۱۵)

ترجمه

۲ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ ۖ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (قصص/۳۷)

ترجمه

۳ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (نجم/۲۹)

ترجمه

۴ هُوَ سَمَعُكُمُ الْمُسْلِمِينَ (حج/۷۸)

ترجمه

۵ وَتَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ (عنكبوت/۵۳)

ترجمه

۶ وَأَوْصِنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مريم/۳۱)

ترجمه

۷ مَن يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ<sup>ط</sup> وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا (نساء/ ۸۰)

ترجمه

۸ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ (زخرف/ ۶۳)

ترجمه

**نکته** در عبارت «وَلِأُبَيِّنَ»، بعد از «ل» یک «أَن» در تقدیر است که در ترجمه می‌توانیم «تا» یا «تا اینکه» معنا کنیم.

۹ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره/ ۲۵۹)

ترجمه

۱۰ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (بقره/ ۱۹۴)

ترجمه

## تمرین منزل

کدام گزینه معنی را کامل می‌کند؟

۱ ا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ<sup>ط</sup> لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ (مائده/ ۱۲)

**ترجمه** و خداوند گفت: من با شمایم اگر نماز را ..... و زکات را .....

**الف** به پا دارید، بدهید

**ب** به پا دارید، می‌دادید

**ج** می‌خواندید، می‌دادید

۲ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ (شعراء / ۲۰۷)

ترجمه آنچه (از دنیا) ..... آنان را (از عذاب) بی نیاز نکرد.

الف بهره بردند

ب بهره می‌برند

ج بهره می‌بردند

۳ فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ (کهف / ۷۷)

ترجمه پس (آن دو) دیواری را در آن (شهر) یافتند که می‌خواست فرو ریزد پس آن را .....

الف برپاداشتند

ب برپامی‌داشتند

ج برپا خواهند داشت

۴ وَقَالَ مُوسَىٰ يَقَوْمِ إِن كُنتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا (یونس / ۸۴)

ترجمه و موسی گفت: ای قوم من اگر به خدا ..... پس بر او توکل کنید.

الف ایمان می‌آورید

ب ایمان بیاورید

ج ایمان آورده‌اید

۵ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ (نحل / ۱۰۰)

ترجمه تسلط او (شیطان) تنها بر کسانی است که او را ..... و بر کسانی است که به خدا شرک

می‌ورزند.

الف دوست داشتند

ب دوست می‌گیرند

ج دوست می‌داشتند

## کدام گزینه آیه را کامل می‌کند؟

۱) وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ ..... مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ (آل عمران/ ۱۴۶)

**ترجمه** چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی بسیاری به همراه آنان جنگ کردند، پس آنان هیچ‌گاه در برابر آنچه برایشان (از رنج و زحمت) رسید، سست نشدند.

الف) يقاتِلُونَ

ب) قَاتِلَ

ج) قَاتِلُوا

۲) يَبْنِيْ ..... الصَّلَاةَ وَأَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ (لقمان/ ۱۷)

**ترجمه** ای فرزندم، نماز را به پادار و امر به معروف و نهی از منکر بنما و بر آنچه به تو (در این راه) می‌رسد شکیبا باش.

الف) أَقِمِ

ب) أَقَامَ

ج) أَقِمِي

۳) فَمَا ..... عَنْهُمْ ءَالِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مِن شَيْءٍ (هود/ ۱۰۱)

**ترجمه** پس (هنگام مجازات الهی) معبودانشان که به غیر از خدا می‌خواندند آن‌ها را از چیزی بی‌نیاز نکرد.

الف) أَغْنَى

ب) أَغْنَتْ

ج) يَغْنَى

۴ ﴿فَلَا تَعْضُلُوهُمْ أَن يَبَيِّنَ لَهُمْ لَكُمْ إِذَا أَرَأَوْا جَهَنَّمَ إِذَا..... بَيَّنَّهُم بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره/۲۳۲)

ترجمه پس آنان را باز ندارید که با همسران (سابق) خویش ازدواج کنند آن گاه که بینشان به طور پسندیده‌ای رضایت برقرار شود.

الف رضا

ب تراضوا

ج تراضون

۵ ﴿إِنَّ الَّذِينَ..... الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا﴾ (آل عمران/۱۷۷)

ترجمه همانا آنان که کفر را به (عوض) ایمان خریدند، هرگز به خداوند زیان نمی‌رسانند.

الف اشتروا

ب يَشْتَرُونَ

ج تَشْتَرُونَ

## هر عبارت ترجمه‌ی کدام آیه است؟

۶ ترجمه گفتند: می‌خواهیم از آن (مائده‌ی آسمانی) بخوریم و دل‌های ما مطمئن گردد.

الف ﴿قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ إِنَّا جَعَلْنَا قُلُوبَكُمْ قَلْبًا﴾ (بقره/۲۶۰)

ب ﴿قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَمْلِكَ مِنْهَا وَنَبْغِهَا وَنَمْلِكَ مِنْهَا وَنَبْغِهَا﴾ (مائده/۱۱۳)

ج ﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ﴾ (آل عمران/۱۲۶)

۷ ترجمه پس بدی‌های آنچه را کسب کردند به ایشان رسید.

الف ﴿فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا﴾ (نحل/۳۴)

ب ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نساء/۷۹)

ج ﴿فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا﴾ (زمر/۵۱)

**۸ ترجمه** اگر اسلام بیاورند، پس هدایت شده‌اند و اگر روی برگردانند، همانا بر تو فقط رساندن (پیام الهی) است.

**الف** مَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (اسراء/ ۱۵)

**ب** إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي (سبا/ ۵۰)

**ج** فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ (آل عمران/ ۲۰)

**۹ ترجمه** چه کسی ظالم‌تر از فردی است که بر خداوند دروغ ببندد.

**الف** أَنْظِرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (نساء/ ۵۰)

**ب** وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (صف/ ۷)

**ج** وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (مائده/ ۱۰۳)

**۱۰ ترجمه** پس بر او تعدی کنید به همان گونه که بر شما تعدی می‌نمود.

**الف** فَمَنْ أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره/ ۱۷۸)

**ب** فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (بقره/ ۱۹۴)

**ج** فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ (بقره/ ۱۹۴)

**ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، افعال معتل باب‌های مزید را معین کنید.**

**۱** إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ (بقره/ ۱۶۰)

**ترجمه** مگر آن‌ها که توبه کردند و اصلاح نمودند و (حقیقت را) آشکار کردند، آنانند که توبه‌شان را می‌پذیرم.

**✻ اجوف در باب:** .....

**✻ ناقص در باب:** .....



۲ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (اسراء / ۱۹)

ترجمه و هر کس آخرت خواهد و با سعی لازم برایش بکوشد و مؤمن باشد؛ آنانند که از سعیشان قدردانی خواهد شد.

اجوف در باب: .....

ناقص در باب: .....

۳ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَعْيُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْعَدْتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ

اللَّهِ (احقاف / ۲۶)

ترجمه پس شنوایی شان و چشم هایشان و دل هایشان آنان را کفایت نکرد؛ چرا که نشانه‌های خداوند را انکار می‌کردند.

اجوف در باب: .....

ناقص در باب: .....

۴ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا (حدید/ ۲۲)

ترجمه هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در جانتان روی ندهد مگر پیش از آن که آن را پدید آوریم در کتابی ثبت است.

اجوف در باب: .....

ناقص در باب: .....

۵ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ (اعراف / ۳۷)

ترجمه پس کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند به دروغ افترا بزند یا آیات او را تکذیب کند.

اجوف در باب: .....

ناقص در باب: .....

﴿٦﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي (سبأ/ ۵۰)

**ترجمه** بگو اگر گمراه شدم پس همانا بر خودم گمراه شدم و اگر هدایت یابم پس به چیزی است (که) پروردگارم به من وحی می‌کند.

..... اجوف در باب: ﴿﴾

..... ناقص در باب: ﴿﴾

﴿٧﴾ مَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (اسراء/ ۱۵)

**ترجمه** هرکس هدایت گردد، همانا برای خودش هدایت یافته است و هر کس گمراه گردد بر علیه خودش گمراه شده است.

..... اجوف در باب: ﴿﴾

..... ناقص در باب: ﴿﴾

﴿٨﴾ وَإِنْ يُرَدِّكَ خَيْرٌ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ۚ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ ۖ (يونس/ ۱۰۷)

**ترجمه** و اگر اراده‌ی خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد.

..... اجوف در باب: ﴿﴾

..... ناقص در باب: ﴿﴾

# درس بیست و نهم

منصوبات (بخش اول)

مفعولٌ به، حال

## مفاهیم

### وفای به عهد

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء/۳۴)

**ترجمه:** به عهد و پیمان وفا کنید (زیرا در روز قیامت) از عهد و پیمان بازخواست می‌شود. وفای به عهد یکی از مهمترین ویژگی‌های اخلاقی است که رعایت آن در جامعه موجب آرامش و افزایش اعتماد عمومی می‌گردد. اصولاً وفای به عهد از فطریات بشر است و بشر هیچگاه بی‌نیاز از وفای به عهد نیست. اگر به دقت بنگریم خواهیم دید که تمامی مزایایی که در زندگی اجتماعی از آن‌ها بهره‌مند می‌شویم بر اساس پیمان‌های عمومی و عقدهای فرعی و جزئی است که بر پیمان‌های عمومی استوار می‌باشد.<sup>۱</sup> بیشتر روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی همگی بر محور عهد و پیمان هاست که اگر تزلزلی در آن‌ها پیدا شود، نظام اجتماع بهم می‌ریزد و هرج و مرج بر آن حاکم می‌شود.<sup>۲</sup>

در میان واجبات الهی هیچ یک مانند وفای به عهد نیست که (همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند)، در آن اتفاق نظر داشته باشند، تا آنجا که مشرکین نیز در زمان جاهلیت به عهد و پیمان خود با مسلمانان، وفادار بودند زیرا آینده دردناک پیمان شکنی را آزموده بودند.<sup>۳</sup> امام صادق (ع) فرمودند: سه چیز است که خداوند در آن بر هیچ کس اجازه مخالفت با آن را نداده است، خواه نیکوکار باشد و یا بدکار، ادای امانت، وفای به عهد و نیکی به پدر و مادر.<sup>۴</sup> ارزش وفای به عهد هنگامی آشکار می‌شود که آثار فردی و اجتماعی آن در نظر گرفته شود و آسیب‌های ناشی از پیمان شکنی در جامعه مورد بررسی قرار گیرد.

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۵۹

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۱۰

۳. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۵۳، ص ۵۶۴

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳

برای ترجمه‌ی بهتر آیات، تشخیص نقش کلمات بسیار مهم است. هرگاه بدانیم اسمی نقش فاعل دارد یا مفعول؛ به ما کمک می‌کند که با همان نقش آن را ترجمه نماییم. حال، بعد از شناخت مرفوعات، به معرفی منصوبات می‌پردازیم.

می‌دانیم که علائم نصب عبارتند از: فتحه (ـَ) یا «الف» در اسم‌های پنج گانه مانند: «اباه، اخاه» و «یاء» در اسم‌های مثنی و جمع مانند: رَجُلَین.

در زبان قرآن، مفعول، شاخص اسم منصوب است.

در کلامی منتسب به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است: «كُلُّ مَفْعُولٍ مَنصُوبٌ وَ مَا يُلْحَقُ بِهِ» همه‌ی مفعول‌ها و آنچه به آن‌ها ملحق می‌شوند منصوب هستند که منظور از ملحقات «مفعول، حال، تمیز، مستثنی و...» می‌باشد.

## مفعول به

**تعریف** اسمی است که فعل بر آن واقع می‌شود و بر دو گونه است: اسم ظاهر و ضمیر بارز.

**مثال ۱** وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ (شوری/۲۴) و خداوند باطل را محو می‌کند.

❁ «الله» فاعل و مرفوع است.

❁ «باطل» مفعول و منصوب است.

**مثال ۲** فَأَغْرَقْنَهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا (اعراف/۱۳۶) آنان را در دریا غرق نمودیم زیرا آیات

ما را تکذیب کردند.

❁ «نا» در «أَغْرَقْنَا» فاعل است و «هم» ضمیر بارزی است که مفعول واقع شده است.


## حال

**تعریف** اسم منصوبی است که در پایان سخن، حالت فاعل یا مفعول را توضیح می‌دهد. «حال» معادل قیدِ حالت در زبان فارسی است.


**مثال** خُزَّجَ مِنْهَا خَائِفًا (قصص/۲۱) از آن شهر خارج شد در حالی که ترسان بود.


❁ «خائف» حالت فاعل را نشان می‌دهد، لذا منصوب است.

«حال» ممکن است مفرد یا جمله باشد و ممکن است چند «حال مفرد» برای یک فاعل یا مفعول بیاید.


**مثال ۱**  وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (نصر/۲) تو مردم را می‌بینی در حالی که

در دین خدا دسته دسته وارد می‌شوند.

 جمله‌ی «يَدْخُلُونَ» حال و محلاً منصوب است.

**مثال ۲**  أَرْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (فجر/۲۸) به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که خوشنود

و پسندیده‌ای.

 «راضیه» و «مرضیه» هر دو حال مفرد هستند.

## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را معین کنید.

۱ فُخِرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ (قصص/۲۱)

ترجمه

الف مفعول به

ب تمیز

ج حال

۲ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ (بقره/۱۰۲)

ترجمه

الف هردو مفعول به

ب هر دو تمیز

ج هر دو حال

نکته هرگاه قبل از فعل مضارع، فعل ماضی بیاید، فعل مضارع به صورت ماضی استمراری معنا می‌شود.

۳ وَخَشَرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمًى وَبُكْمًا وَصُمًّا (اسراء/۹۷)

ترجمه

الف مفعول به

ب حال

ج تمیز

۴ إِنْ أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (فاطر / ۲۴)

ترجمہ

الف حال

ب تمیز

ج مفعول بہ

۵ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ (آل عمران / ۹۲)

ترجمہ

الف حال

ب تمیز

ج مفعول بہ

۶ رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسْفًا (اعراف / ۱۵۰)

ترجمہ

الف حال

ب مفعول بہ

ج نائب فاعل



۷ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ (انبیاء / ۷۳)

ترجمہ

الف مفعول به

ب حال

ج نایب فاعل

۸ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا (سجده / ۱۶)

ترجمہ

الف حال

ب مفعول له

ج تمیز

۹ وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا (طہ / ۱۳۲)

ترجمہ

الف نایب فاعل

ب مفعول به

ج تمیز

۱۰ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (واقعه / ۶۸)

ترجمہ

الف فاعل

ب حال

ج مفعول به

۱۱ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلٍ عَمَلٍ مِّنْكُمْ (آل عمران / ۱۹۵)

ترجمہ

الف فاعل

ب مفعول به

ج حال

۱۲ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ (آل عمران / ۳)

ترجمہ

الف نائب فاعل

ب حال

ج مفعول به

۱۳ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ (نساء/ ۹۳)

ترجمہ

الف مفعول - حال

ب هر دو مفعول به

ج هر دو تمیز

۱۴ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه/ ۱۴)

ترجمہ

الف حال

ب تمیز

ج مفعول به

۱۵ فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا حَيًّا (يوسف/ ۸۰)

ترجمہ

الف مفعول به

ب حال

ج تمیز

## تمرین منزل

ضمن توجه به ترجمه، آیات را با گزینه‌ی مناسب کامل کنید.

۱. كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ ..... كَذَّبُوا وَ ..... يَقْتُلُونَ (مائده/۷۰)

ترجمه هر زمان پیامبری ایشان را به آنچه دلخواهشان نبود آمد، گروهی را تکذیب کردند و گروهی دیگر را کشتند.

الف فریق، فریق

ب فریقاً، فریقاً

ج فریق، فریق

۲. وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ ..... الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران/ ۱۷۱)

ترجمه و همانا خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی کند.

الف اجر

ب اجر

ج اجر

۳. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا ..... يُنَادِي لِلْإِيمَانِ (آل عمران/ ۱۹۳)

ترجمه پروردگار! همانا ما صدای ندادهنده ای را که به ایمان فرا می خواند شنیدیم.

الف منادياً

ب منادی

ج منادی

۴ اَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ ..... (یوسف / ۹۳)

ترجمه این پیراهنم را ببرید و آن را بر صورت پدرم بیفکنید، (تا) بینا شود!

الف بصیرٌ

ب بصیراً

ج بصیرٌ

۵ وَلَا تَقْرَبُوا ..... الْيَتِيمَ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (انعام / ۱۵۲)

ترجمه و به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به آن (روشی) که بهتر است.

الف مال

ب مال

ج مالٌ

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را معین کنید.

۱ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا (مجادله / ۶)

ترجمه آن روز خداوند همه‌ی آن‌ها را بر می‌انگیزاند، پس به آنچه انجام دادند آگاهشان می‌کند.

جَمِيعًا

۲ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ (احزاب / ۵۳)

ترجمه و هنگامی که از آن‌ها (زنان پیامبر) چیزی می‌خواهید از پشت پرده از ایشان درخواست کنید.

مَتَاعًا

۳ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (زلزله / ۷)

ترجمه پس هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند.

مِثْقَالَ

۴ ﴿إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾ (آل عمران / ۹۶)

ترجمه همانا نخستین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم بنا شد همان است که در مکه است.

﴿مُبَارَكًا﴾.....

۵ ﴿أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَتَوَاتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (یوسف / ۱۰۷)

ترجمه آیا ایمن از آنند که عذاب فراگیر خدا به ایشان رسد، یا قیامت ناگهان آن‌ها را دریابد و (حال آنکه)

نمی‌دانند؟

﴿بَغْتَةً﴾.....

۶ ﴿وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ﴾ (حج / ۵)

ترجمه و زمین را پژمرده می‌بینی پس چون آب بر آن فرو فرستادیم به جنبش در می‌آید.

﴿هَامِدَةً﴾.....

﴿الْمَاءَ﴾.....

۷ ﴿فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ﴾ (طه / ۸۸)

ترجمه پس برای آنان پیکر گوساله‌ای پدید آورد که صدای گاو داشت.

﴿عِجْلًا﴾.....

۸ ﴿إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرِينَ﴾ (آل عمران / ۱۰۰)

ترجمه اگر گروهی از اهل کتاب را اطاعت کنید شما را بعد از ایمانتان کافرتان گردانند.

﴿فَرِيقًا﴾.....

۹ ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره / ۱۸۵)

ترجمه ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است که مایه‌ی هدایت برای مردم و (شامل)

حجت‌های روشنی از هدایت و جدا سازنده‌ی حق از باطل است.

﴿هُدًى﴾.....

﴿۱۰﴾ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ رُكَّعًا <sup>ط</sup> (فتح/ ۳۹)

محمد فرستاده‌ی خدا و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و میان خودشان مهربانند.

آنان را در حال رکوع می‌بینی.

﴿۱۱﴾ رُكَّعًا: .....





# درس سی ام

## منصوبات (بخش دوم)

### تمیز، تمیز اعداد

## مفاهیم

### رعایت اخلاق در خانواده و تربیت فرزندان

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا قُتُوْا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْذُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (تحریم/۶)

**ترجمه:** ای کسانی که ایمان آوردید خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید.

رعایت اخلاق حسنه در خانواده و رسیدگی به تربیت و تعلیم فرزندان در اسلام مورد توجه فراوان قرار گرفته است. از نظر اسلام محیط خانواده می‌تواند زمینه‌ی پرورش انسانهای مؤمن و صالح باشد و این کار زمانی امکان پذیر است که اخلاق اسلامی بر روابط زن و شوهر و فرزندان حاکم باشد. نیک رفتار بودن با همسر ریشه‌ی تربیت فرزندان محسوب می‌شود. لذا پیامبر (ص) فرمودند: نزدیکترین شما به جایگاه من در روز قیامت کسی است که خوش خلق ترین و نسبت به خانواده اش بهترین باشد.<sup>۱</sup>

از رهگذر نیک رفتار بودن به همسر، زمینه‌ی مناسب برای تربیت فرزند بوجود می‌آید و محیط سالم پرورش دهنده‌ی فرزند سالم خواهد بود.

تربیت فرزند نیز بایستی بر اساس محبت به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) او و خواندن قرآن صورت بگیرد<sup>۲</sup> تا سعادت آنان تضمین گردد.

قرآن تصریح می‌کند که زیانکاران واقعی در روز قیامت کسانی هستند که سرمایه‌ی وجودی خویش و بستگانشان را از دست داده‌اند. آگاه باشید که زیان آشکار همین است.

امام صادق (ع) فرمودند: هر مردی در خانه و خانواده به سه خصلت نیازمند است و اگر در نهادش نیست باید به دست آورد: اخلاق، گشاده دستی و غیرت ناموسی.<sup>۳</sup>

محیط خانوادگی کوشش بشود یک محیط سالم باشد. محیط خانواده، دامن مادر و محیط خانه مبدأ تربیت اصلی فرزند است.<sup>۴</sup> از نظر اسلام خانواده‌ی سالم یک رکن بزرگ است. اگر تربیت درست باشد در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر بزرگی دارد.<sup>۵</sup>

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۳

۲. برداشت از سخنان پیامبر (ص): کنز العمال، ۴۵۴۰۹ (ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن)

۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۶

۴. صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۳۶۲

۵. مقام معظم رهبری (مدظله)

## تمیز

**تعریف:** گاهی ممکن است معنای کلمه، جمله یا شبه جمله‌ای ابهام داشته باشد! تمیز اسم نکره و منصوبی است که این ابهام را رفع می‌کند.

### اقسام تمیز

**الف** تمیز نسبت (جمله)

**ب** تمیز مفرد (ذات)

**مثال ۱** قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا (توبه/۸۱) بگو جهنم سوزان تر است.

❖ بدون کلمه‌ی منصوب «حَرًّا» معنای «أَشَدُّ» مبهم است.

**مثال ۲** وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (احزاب/۳۹) و خداوند برای محاسبه‌ی اعمالشان کافی است.

❖ بدون کلمه‌ی منصوب «حَسِيبًا» معنای «كَفَى بِاللَّهِ» مبهم است.

## تمیز اعداد

به کار بردن اعداد بدون تمیز، باعث ابهام می‌شود.

**مثال ۱** إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ (یوسف/۴) من یازده تا دیدم.

❖ همانطور که مشاهده می‌کنید معنای جمله برای شنونده مبهم است. تمیز معنای آن را روشن می‌کند.

**مثال ۲** إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا (یوسف/۴) من یازده ستاره دیدم.

## اعراب تمیز اعداد

تمیز اعداد همیشه منصوب نیست بلکه گاهی مجرور نیز می‌باشد. تمیز از جهت اعراب و تعداد (مفرد یا جمع بودن) به این قرار است:

### اعداد ۳ تا ۱۰

تمیز این اعداد به صورت جمع و مجرور می‌آید:

**مثال** قَالَ ءَايَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا (آل عمران/۴۱) گفت: نشانه‌ی تو آن است که

سه روز جز با رمز، با مردم سخن نگویی!

### اعداد ۱۱ تا ۱۰۰

تمیز این اعداد به صورت مفرد و منصوب می‌آید:

**مثال** وَآخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا (اعراف/۱۵۵) و موسی هفتاد مرد را از میان قوم خویش

برگزید.

### اعداد ۱۰۰ و ۱۰۰۰

تمیز این اعداد به صورت مفرد و مجرور می‌آید:

**مثال ۱** فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ (عنکبوت/۱۴) در بین آنان هزار سال باقی ماند.

**مثال ۲** فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ (بقره/۲۵۹) خداوند صد سال او را میراند.

**نکته ۱** اعداد یک و دو نیازی به تمیز ندارند.

**نکته ۲** صفت تفضیلی فقط از ثلاثی معلوم ساخته می‌شود و همواره بر وزن أَفْعَل می‌آید.

مانند: كَرُمٌ ← أَكْرَمَ

**نکته ۳** برای افعالی که صفت تفضیلی از آن‌ها ساخته نمی‌شود، کلمات « أَشَدُّ، أَكْثَرُ، أَكْبَرُ، أَوْفَرُ و...»

به کار می‌رود.

**مثال ۱** لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (کهف/۷) آنان را بیازماییم که کدامشان نیکوکار ترند.

**مثال ۲** أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا (کهف/۳۴) من از نظر مالی از تو ثروتمندترم.

**مثال ۳** وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (نساء/۸۷) چه کسی در سخن از خداوند راستگوتر است؟

## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، دلیل نصب کلمات مورد نظر را معین کنید.

۱ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ (بقره/ ۲۵۹)

ترجمه

الف تمیز عدد

ب تمیز نسبت

ج مفعول به

۲ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا (عنکبوت/ ۱۴)

ترجمه

الف تمیز عدد - تمیز عدد

ب تمیز عدد - تمیز نسبت

ج تمیز عدد - حال

نکته «أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» چنین ترجمه می‌شود: «هزار سال به جز (منهای) پنجاه سال».

۳ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ (نور/ ۲۹)

ترجمه

الف فاعل - مفعول

ب اسم «لَيْسَ» - مفعول به

ج مفعول به - اسم «لَيْسَ»

۴ اِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا (يوسف / ۴)

ترجمہ

الف مفعول به

ب تمیز نسبت

ج تمیز عدد

۵ تَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً (نساء / ۷۷)

ترجمہ

الف تمیز

ب تمیز عدد

ج حال

۶ وَقَالُوا خُنُّ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَدًا (سباء / ۳۵)

ترجمہ

الف تمیز عدد

ب مفعول به

ج تمیز

۷ **اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ** (توبه / ۸۰)

ترجمه

**الف** تمیز عدد

**ب** تمیز نسبت

**ج** مفعول به

**نکته** در کلمه ی «لَهُمْ» حرف «لام» ترجمه نمی شود.

۸ **سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَينَةَ أَيَّامٍ** (حاقه / ۷)

ترجمه

**الف** تمیز نسبت - تمیز نسبت

**ب** تمیز عدد - تمیز نسبت

**ج** تمیز عدد - تمیز عدد

۹ **وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ** (مائده / ۵۰)

ترجمه

**الف** تمیز

**ب** تمیز نسبت

**ج** حال

۱۰ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا (مائده/ ۱۲)

ترجمہ

الف تمیز عدد

ب حال

ج مفعول به

۱۱ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ (مائده/ ۸۲)

ترجمہ

الف تمیز عدد

ب تمیز نسبت

ج حال

۱۲ أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً (فصلت/ ۱۵)

ترجمہ

الف حال

ب تمیز عدد

ج تمیز نسبت



۱۳ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا (زخرف / ۸)

ترجمه

الف تمیز عدد

ب مفعول به

ج تمیز نسبت

نکته ترجمه‌ی لفظ به لفظ «أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا» عبارت است از: «سخت تر از آنان از نظر نیرو»، که در فارسی روان «نیرومندتر از آنان» معنا می‌شود.

۱۴ وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا (اعراف / ۱۵۵)

ترجمه

الف تمیز عدد

ب تمیز نسبت

ج مفعول به

## تمرین منزل

آیه را با گزینه‌ی صحیح کامل کنید.

۱ فَلَیَنْظُرْ أَيْمًا أَرْكَیْ ..... (کهف / ۱۹)

ترجمه پس باید بنگرد کدام غذا پاکیزه تر است!

الف طعام

ب طعام

ج طعاماً

۲ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ ..... (بقره/ ۵۱)

ترجمه و آن هنگام وعده کردیم به موسی چهل شب.

الف لیلۃ

ب لیلۃ

ج لیلۃ

۳ وَلَٰكِن مِّن شَرَحٍ بِالْكَفْرِ ..... فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ (نحل/ ۱۰۶)

ترجمه اما کسی که سینه اش را به کفر گشود، پس برایشان خشمی از خدا است.

الف صدر

ب صدر

ج صدراً

۴ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ ..... بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوْا (حجرات/ ۶)

ترجمه ای کسانی که ایمان آوردید! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، پس (صحت) آن را روشن کنید.

الف فاسق

ب فاسقاً

ج فاسق

ترجمه در این آیه «فَاسِقٌ» نقش فاعلی دارد.

۵ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ ..... (کهف/ ۱۰۳)

ترجمه بگو: آیا شما را از آن‌ها که در کردار زیانکارترند آگاه سازیم؟

الف اعمال

ب اعمالاً

ج اعمالی

۶ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ ..... (هود/ ۶۵)

**ترجمه** پس آن (شتر) را کشتند؛ پس گفت: سه روز در سرایتان زندگی کنید (تا عذاب رسد).

**الف** ایام

**ب** ایاماً

**ج** ایام

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را معین کنید.

۱ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً (نور/ ۴)

**ترجمه** و کسانی که زنان شوهر دار را مورد تهمت قرار دهند سپس چهار شاهد نیاورند، آنان را هشتاد شلاق بزنید.

**ترجمه** جَلْدَةً: .....

۲ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا (انفال/ ۲)

**ترجمه** و هنگامی که آیات او بر ایشان خوانده شود ایمانشان افزون گردد.

**ترجمه** إِيمَانًا: .....

۳ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَبِئْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (طه/ ۱۰۴)

**ترجمه** ما داناتریم به آنچه می‌گویند، آن گاه که نیک‌آیین‌ترین آنان می‌گویند: جز یک روز، بیش نمانده‌اید.

**ترجمه** طَرِيقَةً: .....

۴ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (کهف/ ۵۴)

**ترجمه** انسان بیش از هر چیز سرِ جدال دارد.

**ترجمه** جَدَلًا: .....

۵ ﴿وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً﴾ (اعراف/ ۶۹)

ترجمه و یاد آورید آنگاه (که) شما را جانشینان بعد از قوم نوح قرار داد و از نظر گسترش آفرینش (قدرت بدنی) شما را افزود.

خُلَفَاءَ: \*

بَصْطَةً: \*

۶ ﴿كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ﴾ (کهف/ ۵)

ترجمه سخن بزرگی است که از دهانشان بیرون می آید.

كَلِمَةً: \*

۷ ﴿وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تَسْعًا﴾ (کهف/ ۲۵)

ترجمه و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال (نیز بر آن) افزودند.

تُسْعًا: \*

۸ ﴿بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ (کهف/ ۲۹)

ترجمه (اهل جهنم را) بد نوشیدنی و بد جایگاهی است.

مُرْتَفَقًا: \*

۹ ﴿وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾ (کهف/ ۴۶)

ترجمه و نیکی های ماندگار، ثوابش نزد پروردگار تو بهتر و امید بخش تر است.

ثَوَابًا: \*

أَمَلًا: \*

۱۰ ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (بقره/ ۱۶۵)

ترجمه و کسانی که ایمان آوردند، بیشترین محبت را به خدا دارند.

حُبًّا: \*

# درس سی و یکم

منصوبات (بخش سوم)

خبر افعال ناقصه و افعال مقاربه

اسم حروف مشبهة بالفعل و اسم «لا»ی نفی جنس

## مفاهیم

### نیکی به پدر و مادر

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (اسراء/۲۳)

**ترجمه:** و پروردگارت مقرر کرد که جز او را نپرسید و به پدر و مادر نیکی کنید.

قرآن کریم بارها با لفظ «احسان» و «بر»، لزوم نیکی و احسان به پدر و مادر را مورد تاکید قرار داده است. فرمان به این کار بعد از امر به عبادت خدا در چهار سوره قرآن، نشان می‌دهد که بعد از توحید، احسان به پدر و مادر از مهمترین واجبات محسوب می‌شود. علامه طباطبایی در تبیین فلسفه این واجب مهم الهی چنین می‌گوید:

"جامعه انسانی به محبت زنده است و سرچشمه این محبت در خانواده نهفته است فرزندان با عطوفت و مهربانی پدر و مادر تربیت می‌شوند. جفای فرزندان به پدر و مادر موجب می‌شود عواطف از جامعه رخت بسته و دیگر کسی به تناسل و تربیت فرزندان رغبت نکند.<sup>۱</sup>" در روایات آمده است: پاداش نگاه رحمت به والدین، حج مقبول است رضای آن دو رضای الهی و خشم آنان خشم خداست، نیکی به پدر و مادر عمر را طولانی می‌کند و از بهترین کارها محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> از امام صادق (ع) روایت شده است که احسان به پدر و مادر آن است که معاشریشان را نیکو داری و آن‌ها را مجبور نسازی که چیزی از نیازمندی‌های خود را از تو درخواست کنند گرچه بی‌نیاز باشند.<sup>۳</sup>

از پیامبر (ص) سوال شد آیا بعد از مرگ هم احسانی برای والدین هست؟ فرمود: آری با نماز خواندن برای آنان و طلب استغفار و وفا به تعهداتشان و پرداخت بدهی هایشان و احترام به دوستانشان<sup>۴</sup> و پیامبر (ص) فرمود: در روز قیامت سرور نیکان کسی است که بعد از مرگ پدر و مادرش، به آنان نیکی کند.<sup>۵</sup>

در برخی از احادیث پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین پدر امت محسوب شده‌اند. «انا و علی ابوا هذه الامه» من و علی پدران این امت هستیم و کسی که اطاعت ما را نکند عاق ما می‌شود.<sup>۶</sup>

۱. ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۷، ص ۵۱۵ (با اندکی تغییر)

۲. میزان الحکمه، جلد ۱۰، ص ۷۱۱-۷۰۹

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۷

۳. تفسیر مجمع البیان

۴. بحارالانوار، جلد ۷، ص ۸۶

۵. همان، جلد ۱۶، ص ۹۵، معانی الاخبار، ص ۱۱۸

## خبر افعال ناقصه و افعال مقاربه

در بحث مرفوعات فرا گرفتیم که اگر یکی از افعال ناقصه (مانند کان، اصبح و...) یا یکی از افعال مقاربه (مانند کاد، عسی و...) بر سر مبتدا و خبر واقع شوند، مبتدا را مرفوع می‌کنند. در این درس توضیح می‌دهیم که خبر این افعال جزء منصوبات می‌باشد:

**مثال ۱** **كَانَ: مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا** (آل عمران / ۶۷) ابراهیم (ع) یهودی نبود.

**مثال ۲** **كَانَ: وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا** (نساء / ۱۳۴) خداوند شنواست.

✱ در این دو مثال «یهودیاً» و «سمیعاً» هر دو منصوب شده‌اند. البته امکان دارد که خبر، جمله یا شبه جمله باشد که در این صورت اعراب آن‌ها محلی می‌گردد.

**مثال ۳** **كَانَ: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ** (بقره / ۱۴۳) خداوند (اجر پایداری) ایمان شما را تباه نمی‌کند.

✱ جمله‌ی «لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ» خبر «كَانَ» و محلاً منصوب است.

**مثال ۴** **كَادَ: مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ** (توبه / ۱۱۷) نزدیک بود که دل‌های دسته‌ای از آن‌ها منحرف شود.

✱ جمله‌ی «يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ» خبر «كَادَ» و محلاً منصوب است.

**مثال ۵** **أَصْبَحَ: فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ** (قصص / ۱۸) ترسان و نگران در شهر شب را صبح نمود.

✱ جمله‌ی «يَتَرَقَّبُ» خبر «أَصْبَحَ» و محلاً منصوب است.

**مثال ۶** **ظَلَّ: إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلِلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ** (شوری / ۳۳) اگر بخواهد باد را ساکن می‌گرداند، آنگاه (کشتی‌ها) بر پشت آب، بی‌حرکت می‌مانند.

✱ کلمه‌ی «رَوَاكِدَ» خبر «ظَلَّ» و منصوب است.

**مثال ۷** **لَيْسَ: لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُواْ وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ** (بقره / ۱۷۷) نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید.

✱ کلمه‌ی «الْبِرَّ» خبر مقدم «لَيْسَ» و منصوب است.

## اسم حروف مشبیه بالفعل و اسم «لا»ی نفی جنس

در درس‌های گذشته آموختیم که خبر حروف «إِنْ، أَنْ، كَانْ، لَكِنْ، لَعَلَّ و لَيْتَ» و «لَا»ی نفی جنس «مرفوع» می‌باشد و باید توضیح داد که اسم این حروف «منصوب» هستند.

**مثال ۱** أَنْ: وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (حج/۶۱) و خداست که شنوای بیناست.

✱ در این آیه، «الله» اسم «أَنَّ» و منصوب است.

**مثال ۲** إِنَّ: إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ (عصر/۲) همانا انسان‌ها در زیانند.

✱ در این آیه، «الإنسان» اسم «إِنَّ» و منصوب است.

**مثال ۳** كَانْ: كَانَهُمْ لَوْلَوْ مَكُونٌ (طور/۲۴) آنان چون مرواریدی در صدف (نهفته)‌اند.

✱ در این آیه، «هَمْ» اسم «كَانَ» و محلاً منصوب است.

**مثال ۴** لَيْتَ: لَيْلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (نبأ/۴۰) ای کاش من خاک بودم.

✱ در این آیه، «ی» متکلم، اسم «لَيْتَ» و محلاً منصوب است.

**مثال ۵** لَكِنْ: وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (اعراف/۶۷) ولی من فرستاده‌ای از (جانب) پروردگار

عالمیان هستم.

✱ در این آیه، «ی» متکلم، اسم «لَكِنْ» و محلاً منصوب است.



## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

۱. إِنَّ اللَّهَ لَا تُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان / ۱۸)

ترجمه

الف «اللَّهُ»، فاعل و مرفوع است.

ب «اللَّهُ»، خبر «إِنَّ» و محلاً مرفوع است.

ج «اللَّهُ»، اسم «إِنَّ» و منصوب است.

۲. عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً (ممتحنه / ۷)

ترجمه

الف «أَنْ يَجْعَلَ» محلاً مرفوع است چون خبر «عَسَى» می باشد.

ب «أَنْ يَجْعَلَ» خبر «عَسَى» و محلاً منصوب است.

ج «أَنْ يَجْعَلَ» منصوب است چون اسم «عَسَى» می باشد.

۳. وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (نساء / ۲)

ترجمه

الف «حُوبًا» منصوب و خبر «كَانَ» است.

ب «حُوبًا» منصوب و مفعول به است.

ج «حُوبًا» منصوب و اسم «كَانَ» است.

۴ کَانَ وَعَدُهُ مَأْتِيًا (مریم / ۶۱)

ترجمه

الف «مَأْتِيًا» حال و منصوب است.

ب «مَأْتِيًا» خبر «كَانَ» و منصوب است.

ج «مَأْتِيًا» مفعولٌ به و منصوب است.

۵ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا (قصص / ۱۸)

ترجمه

الف «خَائِفًا» خبر «أَصْبَحَ» و منصوب است.

ب «خَائِفًا» حال و منصوب است.

ج «خَائِفًا» جمله‌ی خبر و محلاً منصوب است.

۶ لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسَكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (شعراء / ۳)

ترجمه

الف «ك» اسم «لَعَلَّ» و محلاً منصوب است.

ب «ك» اسم «لَعَلَّ» و مبنی بر فتح است.

ج «ك» خبر «لَعَلَّ» و «بَخِيعٌ» اسم «لَعَلَّ» است.

د «إِلَّا» در حقیقت «أَنْ+لا» بوده است.

۷ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ (شوری / ۴۵)

ترجمہ

الف «الظَّالِمِينَ» خبر «إِنَّ» و منصوب است.

ب «الظَّالِمِينَ» اسم «إِنَّ» و منصوب است.

ج «الظَّالِمِينَ» اسم فاعل و منصوب است.

۸ إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ طَعَامٌ لِلْأَثِيمِ (دخان / ۴۳)

ترجمہ

الف «شَجَرَةَ» اسم «إِنَّ» و «طَعَامٌ» خبر «إِنَّ» است.

ب «شَجَرَةَ» خبر مقدم و «طَعَامٌ» مبتدای مؤخر است.

ج «شَجَرَةَ» خبر «إِنَّ» و «طَعَامٌ» اسم «إِنَّ» است.

۹ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا (نساء / ۹۴)

ترجمہ

الف «مُؤْمِنًا» اسم «لَسْتَ» است.

ب «مُؤْمِنًا» مفعولٌ لاجله است.

ج «مُؤْمِنًا» خبر «لَسْتَ» است.

۱۰ يَقُولُونَ يَلَيَّتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ (احزاب / ۶۶)

ترجمه

الف «نا» در «لَيَّتَنَا» اسم «لَيْتَ» و محلاً منصوب است.

ب «أَطَعْنَا اللَّهَ» خبر «لَيْتَ» و محلاً منصوب است.

ج هر دو گزینه صحیح‌اند.

## تمرین منزل

کدام گزینه آیه را کامل می‌کند؟

۱ اِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ ..... (مائده / ۱۱۸)

ترجمه اگر عذابشان کنی، پس همانا آنان بندگان تو اند.

الف عِبَادُكَ

ب عِبَادُكَ

ج عِبَادُكَ

۲ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا ..... عَلَيْهِ (بقره / ۲۰۳)

ترجمه هر کس تأخیر کند بر او گناهی نیست.

الف إِنْهُمْ

ب إِنْهُمْ

ج إِنْهُمْ

۳ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ ..... (قصص / ۱۰)

ترجمه و دل مادر موسی (از همه چیز) تهی گشت.

الف فَارِغٌ

ب فَارِغًا

ج فَارِغٍ

۴ وَكَانَ ..... عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (روم / ۴۷)

ترجمه یاری نمودن مؤمنان بر ما حق است.

الف حَقًّا

ب حَقَّ

ج حَقٍّ

۵ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ ..... (حج / ۶۳)

ترجمه آیا نمی بینی که خداوند از آسمان ها آبی فرو فرستاد؛ پس زمین سبز گردید؟

الف الْأَرْضُ مُخْضَرَّةٌ

ب الْأَرْضِ مُخْضَرَّةٌ

ج الْأَرْضُ مُخْضَرَّةٌ

۶ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ ..... (احزاب / ۳۷)

ترجمه و فرمان خدا انجام شدنی است.

الف مَفْعُولٌ

ب مَفْعُولًا

ج مَفْعُولٍ

۷ فَظَلَّتْ أَعْنَقُهُمْ هَا ..... (شعراء / ۴)

ترجمه در برابر آن گردن هایشان خاضع گردد.

الف خاضِعِينَ

ب خَاضِعُونَ

ج خَاضِعَانِ

۸ وَحَمَلَهَا آلٍ نَسْنُ إِنَّهُ كَانَ ..... (احزاب / ۷۲)

ترجمه و انسان آن (امانت الهی) را برداشت، همانا او بسیار ستمکار است.

الف ظُلُومٌ

ب ظُلُومًا

ج ظُلُومٍ

۹ وَلَوْءَا مَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ ..... لَهُم (آل عمران / ۱۱۰)

ترجمه و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برایشان خیر است.

الف خَيْرًا

ب خَيْرٍ

ج خَيْرٌ

نکته اسم «کان» ضمیر «هُوَ» مستتر در «کان» می باشد.

۱۰ إِنَّ ..... فِي مَقَامٍ أَمِينٍ (دخان / ۵۱)

ترجمه همانا پرهیز کاران در جایگاه امنی خواهند بود.

الف الْمُتَّقُونَ

ب الْمُتَّقَانِ

ج الْمُتَّقِينَ

❏ وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا ..... لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا

(آل عمران/ ۱۵۶)

و به برادرانشان گویند: هنگامی که در زمین سفر می‌کنند یا به جنگ می‌روند، اگر پیش ما بودند، نه می‌مردند و نه کشته می‌شدند.

الف غَزَى

ب غَزَى

ج غَزَى

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

❏ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ (احزاب/ ۴۰)

ترجمه محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست.

..... مُحَمَّدٌ ❖

..... أَبَا: ❖

❏ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (صف/ ۱۴)

ترجمه پس کسانی را که ایمان آوردند مقابل دشمنانشان یاری نمودیم، پس پیروز گردیدند.

..... ضمیر «و» در «فَأَصْبَحُوا»: ❖

..... ظَاهِرِينَ: ❖

❏ قَالَ يَنْفِقُمْ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (اعراف/ ۶۷)

ترجمه گفت: ای قوم من! من نادان نیستم و لکن فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان هستم.

..... ضمیر «ی» در «بِي سَفَاهَةٌ»: ❖

..... ضمیر «ی» در «وَلَكِنِّي»: ❖

۴ وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (زخرف / ۴۸)

ترجمه و آنان را به عذاب گرفتار کردیم، شاید برگردند.

«هُم» در «لَعَلَّهُمْ»: .....

یَرْجِعُونَ: .....

۵ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (قصص / ۵۶)

ترجمه همانا تو هدایت نمی کنی آن کسی را که دوست داری، لکن خداوند هر که را بخواهد هدایت می کند.

الله: .....

يَهْدِي: .....

۶ قَالَ يَلِيتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (یس / ۳۶)

ترجمه گفت: ای کاش قوم من می دانستند.

قَوْمِي: .....

يَعْلَمُونَ: .....

۷ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (کهف / ۹۳)

ترجمه غیر از آن دو قومی را یافت که چیزی نمی فهمیدند.

ضمیر «و» در «يَكَادُونَ»: .....

يَفْقَهُونَ: .....

۸ فَاعْقِرُوهَا فَاَصْبَحُوا نَادِمِينَ (شعراء / ۱۵۷)

ترجمه پس آن (شتر) را کشتند و پشیمان شدند.

ضمیر «و» در «فَاَصْبَحُوا»: .....

نَادِمِينَ: .....



۹ کَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره / ۲۱۹)

ترجمه خداوند این چنین برای شما آیات خویش را بیان می کند شاید شما بیندیشید.

❁ «کُم» در «لَعَلَّكُمْ»: .....

❁ تَتَفَكَّرُونَ: .....



# درس سی و دوم

منصوبات (بخش چهارم)

مفعول مطلق و اقسام آن

## مفاهیم

### صله رحم

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (رعد/۳۱)

ترجمه: صله به معنای احسان و دوستی است و مراد از رحم خویشاوندان می‌باشند.<sup>۱</sup> در اصطلاح به معنای محبت و سلوک (ارتباط) داشتن با خویشان و نزدیکان است.<sup>۲</sup>

ارتباط یکی از رموز موفقیت انسان مومن است. شخص مومن در جامعه از چهار ارتباط (پیوند) برخوردار است. ارتباط با خدا، ارتباط با پیامبر (ص) و امامان (ع) و ارتباط با انسانهای دیگر (دوست، همسایه، خویشاوندان و برادران دینی) و ارتباط با خود.

همه این پیوندها را باید محترم شمرد و رعایت نمود.<sup>۳</sup> قطع هر یک از این پیوندها برای انسان مشکلاتی را ایجاد می‌کند. قطع ارتباط با خدا او را نابود می‌سازد. قطع ارتباط با پیامبر و امامان (ع) او را سرگردان می‌کند، قطع ارتباط با خویشان و برادران دینی او را منزوی ساخته و از رحمت خدا دور می‌گرداند. در تفسیر آمده که این آیه در باره پیوند با آل محمد(ص) صادر شده و گاهی در مورد خویشان و بستگان نیز هست.<sup>۴</sup> صله رحم موجب افزایش روزی، به تعویق انداختن مرگ<sup>۵</sup>، دفع بلاها<sup>۶</sup> و مانع شدن از مرگ بد می‌گردد.<sup>۷</sup> در حدیثی از امام صادق (ص) به نقل از رسول خدا (ص) آمده است: مردی که از عمرش سه سال مانده خداوند با صله رحم آن را سی سال گرداند و شخصی که سی سال از عمرش باقیمانده و قطع رحم کند خداوند عمرش را سه سال گرداند.<sup>۸</sup>

امیرمؤمنان (ع) فرمودند: خویشان خود را گرامی بدار، زیرا آنان بال و پر تو هستند که با آنان پرواز می‌کنی و اصل و ریشه‌ی تو می‌باشند که به ایشان باز می‌گردد و آنان دست (یاور) تو هستند و با آن‌ها (به دشمن) حمله می‌کنی (و پیروز می‌شوی)<sup>۹</sup>. و رسول خدا (ص) در سخنی سفارش می‌کنند صله‌ی رحم نمایند گرچه مستلزم پیمودن یک سال راه باشد.<sup>۱۰</sup>

۱. فرهنگ عمید

۲. فرهنگ دهخدا

۱. تفسیر نمونه، جلد ۱۰، ص ۱۸۵

۲. همان، ص ۱۸۶

۳. خطبه دیباج، تحف العقول، مترجم حسن زاده، ص ۲۴۸

۴. بحار، جلد ۷۴، ص ۱۱۱

۵. همان، جلد ۷۴، ص ۹۴

۶. آداب معاشرت، ترجمه ج ۱۶ بحار ج ۱، ص ۶۱

۹. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱، ص ۹۳۹

۱۰. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۵

## مفعول مطلق

**تعریف** مفعول مطلق مصدری است از جنس فعل جمله که بعد از آن می‌آید.

### اقسام مفعول مطلق

**الف تعریف** مفعول مطلق تأکیدی: مصدر منصوبی است که فعل خود را مورد تأکید قرار می‌دهد.

**مثال** وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (نبأ/ ۲۸) آیات ما را به شدت تکذیب کردند.

**نکته** کلمه‌ی «كَذَّبُوا» برای تأکید بر فعل «كَذَّبُوا» آمده است که در نثر قدیم فارسی ترجمه‌ی آن را چنین می‌آوردند: «آیات ما را تکذیب کردند (چه) تکذیب کردنی!»  
**نکته** در ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی، از قیود تأکیدی چون «کاملاً، حتماً، قطعاً، بی‌شک، به شدت و ...» استفاده می‌کنیم.

**ب تعریف** مفعول مطلق نوعی: مصدر منصوبی است که نوع و کیفیت انجام فعل خود را بیان می‌کند.

**مثال** فَسَوْفَ تُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (انشقاق / ۸) حساب آسانی برای او خواهد بود.  
**نکته** عبارت «حساباً یسیراً» چگونگی انجام فعل «يُحَاسَبُ» را بیان می‌کند.

**ج تعریف** مفعول مطلق عددی: مفعول مطلق است که تأکید خود را در قالب تعداد دفعات انجام فعل نشان می‌دهد.

**مثال** دَقَّتِ الْبَابُ دَقَّتَيْنِ. دو بار در زدم.

**نکته ۱** گاهی عامل مفعول مطلق حذف می‌شود.

**مثال** وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (بقره/ ۸۳) به پدر و مادر نیکی کنید.

**نکته** کلمه‌ی «أَحْسِنُوا» که عامل مفعول مطلق است، حذف شده است.

**نکته ۲** در برخی موارد کلماتی چون «مرّة» جانشین مفعول مطلق می‌شوند.

**مثال** سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ (توبه/ ۱۰۱) آنان را به زودی دو بار عذاب می‌کنیم.

**نکته** در این آیه «مَرَّتَيْنِ» به جای «عَذَابَيْنِ» آمده است.

**نکته ۳** مفعول مطلق تأکیدی همیشه مفرد است، اما مفعول مطلق نوعی و عددی، به صورت مثنی و جمع نیز می‌آیند. و همچنین مفعول نوعی همراه با صفت می‌آید ولی در تأکیدی چنین نیست.

**نکته ۴** گاهی به جای مصدر هم جنس فعل، کلمه‌ای مترادف جایگزین می‌شود.

**مثال ۱** جَلَسْتُ قُعُوداً: نِشِسْتَم، (چه) نِشِسْتَنِ!

**\*** کلمات «جلوس» و «قعود» هر دو به معنای «نِشستن» می‌باشند.

**مثال ۲** وَاللَّزِزِ عَتِ غَرَقاً (نارعات/۱) قسم به جان گیران سخت گیر.

**\*** در این آیه به جای «نَزَعاً» کلمه‌ی «غَرَقاً» آمده است که هر دو به معنای «سخت جدا کردن» هستند.

## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

توجه داشته باشید که کلیه‌ی کلمات با نقش مفعول مطلق تأکیدی، به جای ترجمه‌ی لفظ به لفظ، می‌بایست با قیود تأکیدی ترجمه شوند.

۱ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً (مزمّل / ۴)

ترجمه

الف مفعول مطلق عددی

ب مفعول مطلق نوعی

ج مفعول مطلق تأکیدی

۲ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُهْنُونَ عَنْهُ تُكْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا (نساء / ۳۱)

ترجمه

الف مفعول مطلق نوعی

ب مفعول مطلق تأکیدی

ج مفعول مطلق عددی

۳ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (مزمّل / ۱۰)

ترجمه

الف مفعول مطلق عددی

ب مفعول مطلق نوعی

ج مفعول مطلق تأکیدی

۴ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا (مزمّل / ۱۶)

ترجمہ

الف مفعول مطلق نوعی

ب مفعول مطلق تأکیدی

ج مفعول مطلق عددی

۵ إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا (فرقان / ۷۰)

ترجمہ

الف مفعول مطلق تأکیدی

ب مفعول مطلق عددی

ج مفعول مطلق نوعی

۶ إِنِّي أَغْلَنْتُ هُمْ وَأَسَرَّرْتُ هُمْ إِسْرَارًا (نوح / ۹)

ترجمہ

الف مفعول مطلق نوعی

ب مفعول مطلق تأکیدی

ج مفعول مطلق عددی



۷ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (عبس/ ۲۵)

ترجمہ

الف مفعول مطلق تأکیدی

ب مفعول مطلق نوعی

ج مفعول مطلق عددی

۸ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّينِ وَالْحِسَابَ ۚ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَّلَنَاهُ تَفْصِيلًا (اسراء/ ۱۲)

ترجمہ

الف مفعول به - مفعول مطلق تأکیدی

ب مفعول مطلق نوعی - مفعول به

ج مفعول مطلق نوعی - مفعول مطلق تأکیدی

۹ قُلْ إِنَّمَا عَلَّمَهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (اعراف/ ۱۸۷)

ترجمہ

الف مفعول به

ب مفعول مطلق

ج اسم «لکن»

۱۰ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا (اسراء/ ۱۶)

ترجمه

الف مفعول به

ب مفعول مطلق تأکیدی

ج مفعول مطلق نوعی

۱۱ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (شعراء/ ۲۲۷)

ترجمه

الف مفعول مطلق تأکیدی

ب مفعول مطلق عددی

ج مفعول مطلق نوعی

۱۲ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا (آل عمران/ ۳۷)

ترجمه

الف مفعول مطلق تأکیدی

ب مفعول مطلق نوعی

ج مفعول مطلق عددی

## تمرین منزل

ضمن توجه به ترجمه، آیات را با گزینه‌ی مناسب کامل کنید.

۱ ثَمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ ..... (عبس/ ۲۶)

ترجمه سپس زمین را کاملاً از هم شکافتیم.

الف شَقَّ

ب شَقَّا

ج شَقَّ

۲ وَلَيْدٌ خُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا ..... (اسراء/ ۷)

ترجمه تا داخل (مسجد الاقصی) شوند همان گونه که بار اول وارد شدند و آنچه را زیر سلطه‌ی خود می‌گیرند به سختی نابود کنند.

الف تَذَخَّلُوا

ب تَذَبَّرُوا

ج تَتَبَّرُوا

۳ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا ..... (انسان/ ۶)

ترجمه چشمه‌ای که بندگان خداوند از آن می‌نوشند آن را به دلخواه جاریش می‌سازند.

الف تَتَبَّرُوا

ب تَفْجِيرًا

ج تَقْدِيرًا

۴ ﴿قَوَّارِيراً مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا .....﴾ (انسان / ۱۶)

ترجمه ظرفهایی از نقره، که آن‌ها را به اندازه‌ی مناسب ساخته‌اند.

الف تَقْرِيراً

ب تَقْوِيراً

ج تَقْدِيراً

۵ ﴿فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ ..... أَمْرَهَا﴾ (طلاق / ۹)

ترجمه (آنها) آثار بد کار خود را چشیدند و عاقبت کارشان خسران بود.

الف عَاقِبَةً، خُسْراً

ب عَاقِبَةً، خُسْرٍ

ج عَاقِبَةً، خُسْرٌ

۶ ﴿وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا .....﴾ (انسان / ۱۴)

ترجمه سایه‌های درختان (بهشتی) بر آن‌ها نزدیک است و میوه‌هایش (برای چیدن) با فروافتادگی رام شده‌اند.

الف تَطْلِيلًا

ب تَقْطِيفًا

ج تَذْلِيلًا

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

۱ ﴿وَيَوْمَ تَشْقَى السَّمَاءُ بِالْغَمِّمْ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا﴾ (فرقان / ۲۵)

ترجمه و آن روز آسمان با ابرها شکافته شود و فرشتگان به تدریج فرود آیند.

تَنْزِيلًا

۲ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (مزمّل / ۲۰)

ترجمه و به خدا قرض الحسنه بدهید.

❁ قَرْضًا:

۳ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا (مدثر / ۱۴)

ترجمه و برایش (زندگی خوشی) به فراوانی مهیا کردم.

❁ تَمْهِيدًا:

۴ وَحُبُّونَ أَلْمَالِ حُبًّا جَمًّا (فجر / ۲۰)

ترجمه و مال را بسیار دوست می دارید.

❁ الْمَالِ:

❁ حُبًّا:

۵ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (فجر / ۲۶)

ترجمه و هیچ کس مانند بند کشیدن او به بند نمی کشد.

❁ وَ ثَاقَهُ:

۶ فَلَا تَقُلْ هُمَا أَفٌّ وَلَا تَهَرَّهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء / ۲۳)

ترجمه پس به آن دو (والدین) اف نگو و آن دو را از خود مران و به آنان با کلامی بزرگوارانه سخن بگو.

❁ قَوْلًا:

۷ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (فجر / ۲۵)

ترجمه پس در آن روز هیچ کس مانند عذاب کردن او عذاب نمی کند.

❁ عَذَابَهُ:

۸ کَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (فجر / ۳۱)

ترجمه نه چنان است، آن گاه که زمین، سخت در هم کوبیده شود.

دَكًّا: ❁

۹ يَنْسَاءَ النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَنَحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضْعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ (احزاب / ۳۰)

ترجمه ای زنان پیامبر! هر کس از شما که آشکارا کار زشتی انجام دهد، عذابش دو چندان افزون شود.

ضِعْفَيْنِ: ❁

# درس سی و سوم

منصوبات (بخش پنجم)

مَفْعُولٌ لَهُ و مَفْعُولٌ فِيهِ

## مفاهیم

### دشمن شناسی (۱)

وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (ص/۲۶)

**ترجمه:** از هوای نفس پیروی مکن که ترا از راه خدا به گمراهی برد.

یکی از مهمترین موضوعات قرآنی دشمن شناسی است، قرآن کریم دشمنان مومنان را معرفی کرده و ترفندهای آنان را تبیین نموده است. انسان بایستی دشمنان خود را شناخته و با استفاده از رهنمودهای قرآنی، مکرهای آنان را بی‌اثر نماید.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند: عاقل ترین مردم کسی است که خدای خود را بشناسد و فرمانبرداریش کند و دشمن خود را بشناسد و نافرمانیش نماید.<sup>۱</sup> دشمنان انسان به دو دسته مهم بیرونی و درونی تقسیم می‌شوند. مهمترین دشمن درون انسان، نفس اماره است. نفس انسان در واقع خود انسان است و همان چیزی است که فکر و اراده می‌کند. این نفس گاهی تحت فرمان عقل نیست و مرتب دچار هوی و هوس می‌شود که آن را نفس اماره گویند.<sup>۲</sup> به گفته امیر مومنان علی (ع) هیچ چیز برای افراد دشمن تر از هوی نفس نیست.<sup>۳</sup> و هر کس اطاعت از شهواتش را سرلوحه کار خود قرار دهد به هلاکت خود کمک کرده است.<sup>۴</sup> گاهی این پیروی از هوی نفس به جایی می‌رسد که (به تعبیر قرآن) آن را خدای خود قرار می‌دهد.<sup>۵</sup> در این مرحله نفس همواره راه باطل را پیش می‌گیرد و در دو راهی‌ها تنها راه غیر حق را انتخاب می‌کند و در نهایت نیز به شقاوت و سنگدلی می‌رسد بلکه از سنگ نیز سخت تر می‌گردد.<sup>۶</sup> لذا قرآن فرمود: هرگز از هوی نفس پیروی نکن که ترا از راه خدا منحرف می‌کند.

به نظر صاحب معراج السعاده برای خودسازی (پاکی نفس از بدی‌ها و آراسته شدن به خوبی) چند چیز لازم است:

۱. دوری کردن از همنشینی با بدان و مجالست با صاحبان اخلاق نیک، چون همنشینی با هر یک از آنها (یا شنیدن احوال آنها) موجب ایجاد مقتضی (زمینه) بدی یا نیکی در نفس می‌گردد.
۲. همیشه نفس را بر اعمالی که از صفات حمیده باشد، وا دارد.

۱. ترجمه الحیاء، ج ۱، ص ۲۵۷، بحار، ج ۷۴، ص ۱۸۱

۲. مطهری، مجموعه آثار، ج ۷، ص ۲۲۷

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۳۵

۴. غررالحکم، ص ۱۸۸

۵. فرقان، آیه ۴۳

۶. بقره، آیه ۷۲



۳. پیوسته اعمال و افعال خود را مواظبت کند و مقدمه هر عمل تفکر کند تا از او عمل خلاف «حسن خلق» سر نزند.

۴. از آنچه باعث تحریک قوه‌ی شهویه یا غضبیه می‌شود، دوری کند. چون کسی که چنین کند مانند کسی است که حیوان درنده‌ای را از قفس آزاد کرده و آنگاه بخواهد خود را خلاص نماید.

۵. به طور دقیق به دنبال کشف عیوب خود باشد، چرا که اکثر مردم از عیوب نفس خویش غافلند و اگر خاری در پای کسی فرو رود، زود می‌بینند ولی شاخ درختی را که در چشم خود دارند، نمی‌بینند.<sup>۱</sup>

---

۱. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۰-۳۸ (با تلخیص)

## مفعولٌ له

**تعریف** مفعولٌ له (مفعولٌ لاجله) مصدری است که بعد از فعل، برای توضیح علت انجام فعل می‌آید. مفعولٌ له در جواب «لِمَ» (چرا) واقع می‌شود.

**مثال** وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ (اسراء/ ۳۱) و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید. **نکته** در این آیه، ترس از تنگ دستی علت کشتن فرزندان است؛ لذا کلمه‌ی «خَشْيَةً» مفعول له می‌باشد.

**نکته** در ترجمه‌ی مفعولٌ له از کلماتی چون «به علت، به‌عنوان، به خاطر، به منظور و...» استفاده می‌شود.

## مفعولٌ فيه

**تعریف** مفعولٌ فيه (ظرف): اسم منصوبی است که برای بیان زمان یا مکان به کار می‌رود.

### انواع مفعولٌ فيه (ظرف)

**۱ ظرف زمان:** کلماتی چون «حین، بعد، عند، متی، اذا، اَبَد، مدّة، ساعة، يوم، ليلة، شهر، عام، سنة» ظرف زمان هستند.

**مثال** قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ (بقره/ ۲۴۹) گفتند: امروز توانایی (مبارزه با) جالوت و لشکرش را نداریم.

**نکته** در این آیه، کلمه‌ی «الْيَوْمَ» مفعولٌ فيه است و زمان وقوع فعل را بیان می‌کند.

**۲ ظرف مکان:** کلماتی چون «حيث، عند، خلف، امام، وراء، يمين، يسار، فوق و تحت» ظرف مکان هستند و این کلمات مبنی و اعرابشان محلی می‌باشد.

**مثال** وَكُلُّوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ (اعراف/ ۱۶۱) از هر جای آن خواستید بخورید.

**نکته** در این آیه، کلمه‌ی «حَيْثُ» مفعولٌ فيه است و مکان وقوع فعل را بیان می‌کند.

**۳ ظرف متصرف:** به کلماتی چون «يوم» که علاوه بر مفعولٌ فيه ممکن است نقش‌های دیگری نیز بپذیرند «ظرف متصرف» گویند.

**۴ ظرف غیر متصرف:** به کلماتی چون «عند» که تنها مفعولٌ فيه واقع می‌شوند، «ظرف غیر متصرف» گویند.

## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

۱ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (بقره/ ۲۰۷)

ترجمه

الف «نَفْسَ» مفعول به - «ابْتِغَاءَ» مفعول مطلق

ب «نَفْسَ» مفعول به - «ابْتِغَاءَ» مفعول له

ج «نَفْسَ» مفعول به - «ابْتِغَاءَ» تمیز

۲ وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ (توبه/ ۹۲)

ترجمه

الف «حَزَنًا» مفعول مطلق

ب «حَزَنًا» مفعول فيه

ج «حَزَنًا» مفعول له

۳ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ

يُؤْمِنُونَ (نحل/ ۶۴)

ترجمه

الف «هُدًى» مفعول له - «الْكِتَابَ» مفعول به

ب «هُدًى» حال - «الْكِتَابَ» مفعول فيه

ج «هُدًى» مفعول مطلق - «الْكِتَابَ» مفعول به

۴ أَجَلَ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ (مائده / ۹۶)

ترجمہ

الف «متاعاً» مفعول به و منصوب

ب «متاعاً» مفعول له و منصوب

ج «متاعاً» مفعول مطلق و منصوب

۵ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء / ۹۲)

ترجمہ

الف «توبۃ» حال - علیماً خبر کان

ب «توبۃ» مفعول له - علیماً اسم کان

ج «توبۃ» مفعول له - علیماً خبر کان

۶ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (نساء / ۱۲۲)

ترجمہ

الف «قيلًا» مفعول مطلق - «أبدًا» مفعول به

ب «قيلًا» مفعول له - «أبدًا» مفعول فيه

ج «قيلًا» تمییز - «أبدًا» مفعول فيه

۷ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ (توبه / ۱۰۸)

ترجمہ

الف «ابدأ» مفعول به

ب «ابدأ» مفعول له

ج «ابدأ» مفعول فيه

۸ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ (بقره / ۲۵۹)

ترجمہ

الف «يوماً» مفعول فيه

ب «يوماً» مفعول به

ج «يوماً» مفعول مطلق

۹ وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (كهف / ۷۹)

ترجمہ

الف «وراء» مفعول فيه - «كلّ» مفعول به

ب «وراء» مفعول له - «كلّ» مفعول به

ج «وراء» مفعول فيه - «كلّ» مفعول فيه

۱۰ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ (فتح/ ۱۸)

ترجمه

الف «تَحْتَ» مفعول به

ب «تَحْتَ» مفعول له

ج «تَحْتَ» مفعول فيه

## تمرین منزل

ضمن توجه به ترجمه، نقش کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

۱ وَلَا تُسْكُوهُنَّ ضَرَارًا لِّتَعْتَدُوا (بقره/ ۲۳۱)

ترجمه و آنان را به خاطر زیان رساندن نگاه مدارید تا (به حقوقشان) تعدی کنید.

الف مفعول مطلق

ب مفعول له

ج مفعول به

۲ فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (طور/ ۴۵)

ترجمه پس رهایشان کن تا روزی را که در آن مدهوش (و هلاک) می‌شوند، ملاقات کنند.

الف مفعول فيه

ب مفعول له

ج مفعول به

۳ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (انعام / ۱۸)

ترجمه و اوست که بر بندگان خویش چیره است و اوست حکیم آگاه.

الف خبر

ب مفعول فیه

ج مبتدا

۴ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجَسٌ ۖ وَمَا أَوْنَهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (توبه / ۹۵)

ترجمه پس از آنان روی برتابید، چرا که آنان پلیدند به سزای آنچه به دست آورده‌اند جایگاهشان دوزخ خواهد بود.

الف مفعول به

ب مفعول مطلق

ج مفعول له

۵ وَيَصْطُودُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا (ابراهيم / ۳)

ترجمه و (دیگران را) از راه خدا باز می‌دارند و آن را منحرف می‌خواهند.

الف حال

ب تمیز

ج مفعول له

۶ وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ (نحل / ۸۹)

ترجمه و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو نازل کردیم.

الف حال

ب تمیز

ج مفعول له

۷ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء/ ۱۱۴)

ترجمه و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد.

الف مفعول مطلق تأکیدی

ب مفعول له

ج حال

۸ إِنْ هَؤُلَاءِ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (انسان/ ۲۷)

ترجمه اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روز گرانبار را (به غفلت) پشت سر می‌افکنند.

الف «وراء» و «یوماً» هر دو مفعول فیه

ب «وراء» و «یوماً» هر دو مفعول به

ج «وراء» مفعول فیه - «یوماً» مفعول به

۹ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ

الْقَوْلِ غُرُورًا (انعام/ ۱۱۲)

ترجمه و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب (یکدیگر) سخنان آراسته القا می‌کنند.

الف مفعول له

ب مفعول مطلق

ج مفعول به



۱۰ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا (نساء/ ۱۰)

**ترجمه** در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتش در شکم خود فرو می‌برند.

**الف** مفعول به

**ب** مفعول له

**ج** تمیز

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، نقش کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

۱ يٰۤاَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ

(بقره/ ۲۶۴)

**ترجمه** ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات خود را با منت و اذیت باطل نکنید؛ مانند کسی که مالش را برای نشان دادن مردم انفاق می‌کند.

**مَالَهُ:**

**رِثَاءَ:**

۲ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ (آل عمران/ ۱۹)

**ترجمه** و اختلاف نکردند اهل کتاب مگر بعد از آنکه علم برایشان (حاصل) آمد به دلیل حسادتی که در میانشان وجود داشت.

**الْكِتَابَ:**

**بَغْيًا:**

۳ ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى

لِلْمُسْلِمِينَ (نحل / ۱۰۲)

**ترجمه** بگو آن را جبرئیل از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاد تا مؤمنان را تثبیت کند و هدایت و بشارت برای مسلمین است.

﴿نَزَّلَهُ﴾: .....

﴿هُدًى﴾: .....

۴ ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا (مائده / ۳۸)

**ترجمه** و دست‌های مرد و زن سارق را قطع کنید؛ این جزای آن چیزی است که انجام دادند.

﴿أَيْدِيَهُمَا﴾: .....

﴿جَزَاءً﴾: .....

۵ ﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا (نساء / ۳۰)

**ترجمه** و هر کس از روی دشمنی و ستم چنین کند به زودی او را در آتشی درآوریم.

﴿ذَلِكَ﴾: .....

﴿عُدْوَانًا﴾: .....

۶ ﴿فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (اعراف / ۳۴)

**ترجمه** پس هنگامی که مرگ آنان فرا رسد، ساعتی عقب و جلو نمی افتد.

﴿سَاعَةً﴾: .....

۷ سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ ۚ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي

بَنَرَكْنَا حَوْلَهُ (اسراء / ۱)

ترجمه منزله است آن (خدایی) که بنده اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را پربرکت

قرار دادیم، شبانه برد.

لَيْلًا: .....

حَوْلَهُ: .....

۸ فَالْيَوْمَ نَنسِلُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا (اعراف / ۵۱)

ترجمه پس این روز از یادشان می‌بریم چنانچه آنان دیدار امروزشان را از یاد بردند.

الْيَوْمَ: .....

لِقَاءَ: .....

۹ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ ۚ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ (بقره / ۹۱)

ترجمه گفتند: ما به آنچه بر (خود) ما نازل شده ایمان می‌آوریم و به غیر از آن کفر می‌ورزند در

حالی که حق است و تصدیق کننده‌ی (همان) چیزی است که با ایشان است.

وَرَاءَهُ: .....

مُصَدِّقًا: .....

مَعَهُمْ: .....

۱۰ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۚ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف / ۲۹)

ترجمه بگو: پروردگارم به عدالت امر کرده است و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) کامل

کنید.

وُجُوهَكُمْ: .....

عِنْدَ: .....



# درس سی و چهارم

## مجرورات

## مفاهیم

### دشمن شناسی (۲)

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره/ ۲۰۸)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید همگی به اطاعت خدا درآید و گامهای شیطان را پیروی نکنید همانا او برایتان دشمنی آشکار است.

شیطان دشمن اصلی انسان است که قرآن بیش از ۱۴ بار با عنوان «عَدُوٌّ مُّبِين» از او نام برده است. او موجودی است که از بهشت رانده شده با ویژگی‌هایی چون وسوسه‌گری، فریب<sup>۱</sup> (تزیین اعمال بد) در صدد گمراهی انسان برآمده است. شیطان همیشه درصدد تسخیر قدرت فرماندهی انسان (قوه تفکر) اوست. او به طور تدریجی و گام به گام<sup>۲</sup> و همه جانبه<sup>۳</sup> انسان را محاصره معنوی نموده و در مسیر حوادث و مشکلات، فرزندان و منکرات و گناهان و حتی از راه تظاهر به دینداری انسان را به بیراهه‌ها دعوت می‌کند.

مهم ترین راههای نفوذ او ضعف اعتقادی افراد<sup>۴</sup>، ضعف‌های اخلاقی (چون عجب، حسد، تکبر و یاس و غضب) است که جز با توکل و چنگ زدن به حبل الهی<sup>۵</sup> نمی‌توان از شر او در امان ماند. در این میان گناهان گذشته انسان زمینه مناسبی برای نفوذ مجدد او محسوب می‌گردد. او از تمایلات طبیعی ما سوء استفاده می‌کند و با تحریک نمودن و ایجاد آمال و آرزوهای واهی کنترل تفکرات ما را به دست می‌گیرد. شیطان می‌کوشد تا انسان‌ها را به آرزوهای سرگرم کرده<sup>۶</sup> تا از واجبات زندگی دور کند و با وسوسه‌های هوس انگیز تلاش می‌کند ما از مسائل مهم دست برداریم و به امور خرافی روی آوریم. مهم ترین راه‌های مقابله با شیطان عبارتند از: یاد خداوند، انجام اعمال نیک و توکل به خداوند، اخلاص در کارها، مبارزه با صفات بداخلاقی، ذکر فضائل اهل بیت (ع) و تقویت ریشه‌های اعتقادی، مواظبت از فکر و قلب (مراقبه)

۱. ناس، آیه ۵، انعام، آیه ۱۳۷

۲. بقره، آیه ۱۶۸

۳. اعراف، آیه ۱۷

۴. سباء، آیه ۲۰

۵. آل عمران، آیه ۱۵۵

۶. نساء، آیه ۱۱۹

نشانه‌های اصلی جرّ، کسره (ـِ) و تنوین (ـٍ) بوده و هر اسمی که علامت جر بگیرد مجرور است. اسم به دو صورت مجرور می‌شود:

**الف** به اسم دیگری اضافه شود.

**مثال** عبدالله ← کلمه‌ی «الله» مجرور است زیرا به کلمه‌ی «عبد» اضافه شده است.

**\*** اسم اول را «مضاف» و اسم دوم را «مضاف الیه» گویند.

**ب** بعد از حروف جر بیاید.

**مثال** بالله ← کلمه‌ی «الله» بعد از حرف جر «باء» آمده است.

**\*** حرف اول را «جاءَ» و کلمه‌ی بعد آن را «مجرور» نامند.

**نکته ۱** حروف جاره‌ای که در قرآن آمده‌اند، عبارتند از: «ب ت ک ل و، مِن، عَلی، فی، غن، الی، حتّی»

**نکته ۲** برخی حروف جاره مانند «مُنذُ، مُذ، رَبّ، حاشا، خَلا، عَدا» در قرآن نیامده است.

**نکته ۳** برخی از حروف با موارد مشابه فارسی مطابقت ندارد، مثلاً گاهی «ب» به معنای «مِن» و «مِن» به معنای «ب» به کار رفته است.

**نکته ۴** گاهی بعضی از افعال با دو حرف دو معنای متفاوت می‌دهند، مثلاً کلمه‌ی «رغب» هرگاه با «الی» بیاید، معنای «متمایل شد» می‌دهد، اما اگر همراه با «عن» بیاید معنای «روگردانیدن» می‌دهد.

**مثال ۱** وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (انشراح/۸) ترجمه: و با اشتیاق به‌سوی پروردگارت روی آور.

**مثال ۲** وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ (بقره/۱۳۰) ترجمه: و چه کسی از آئین ابراهیم روی برمی‌تابد؟

اسم‌ها همیشه با کسره (ـِ) یا تنوین (ـٍ) مجرور نمی‌شوند، بلکه در مثنی و جمع مذکر سالم و اسماء پنجگانه، حرف «یاء» نشانه‌ی «جر» است. مانند: «بِمُجَاهِدِينَ، بِمُؤْمِنِينَ، بِأَبِيهِ، بِأَخِيهِ» در زبان قرآن برخی کلمات همیشه مضافند و هیچ‌گاه به تنهایی نمی‌آیند.

**مثال ۱** «كُل، بَعْض، جَمِيع، غَيْر، كِلَا و كِلْتَا (هر دو)، أَيْ (هر کدام)، لَدُنْ و عِنْد (نزد و پیش)، أَوَّلُو و أُولَى (صاحبان و دارندگان)»

**مثال ۲** «يَمِين، يَسَار، تَحْتَ، فَوْق، أَمَام، بَيْن، وَرَاء، قَبْل، بَعْد و مَعَ»

## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، دلیل مجرور شدن کلمات مورد نظر را معین کنید.

۱ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى (بقره / ۱۹۷)

ترجمه

الف «الزَّادِ» مجرور به اضافه

ب «الزَّادِ» مجرور به حرف جرّ

ج «الزَّادِ» به «التَّقْوَى» اضافه شده

۲ فَتَجَنَّبْهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ (یونس / ۷۳)

ترجمه

الف «الْفُلْكِ» مجرور به اضافه

ب «الْفُلْكِ» مجرور به حرف جرّ

ج «الْفُلْكِ» مضافّ الیه

۳ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ (لقمان / ۳۴)

ترجمه

الف «بِأَيِّ» مجرور به حرف جرّ - «أَرْضٍ» مجرور به اضافه

ب «بِأَيِّ» و «أَرْضٍ» هر دو مجرور به اضافه

ج «بِأَيِّ» و «أَرْضٍ» هر دو مجرور به حرف جرّ



۴ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (حجرات/۴)

ترجمہ

الف «وَرَاءِ» و «الْحُجُرَاتِ» هر دو مجرور به اضافه

ب «وَرَاءِ» مجرور به اضافه - «الْحُجُرَاتِ» مضاف الیه

ج «وَرَاءِ» مجرور به حرف جر - «الْحُجُرَاتِ» مجرور به اضافه

۵ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ (جمعه/ ۱۱)

ترجمہ

الف «اللَّهُ» مجرور به اضافه - «اللَّهُو» و «التِّجَارَةِ» مجرور به حرف جر

ب «اللَّهُ» و «اللَّهُو» مجرور به اضافه - «التِّجَارَةِ» مجرور به حرف جر

ج «اللَّهُ» مجرور به حرف جر - «اللَّهُو» و «التِّجَارَةِ» مجرور به اضافه

۶ إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (غافر/ ۴۸)

ترجمہ

الف «الْعِبَادِ» به دلیل مضاف بودن، مجرور است.

ب «الْعِبَادِ» چون به کلمات همیشه مضاف (دائم الاضافه) اضافه شده مجرور است.

ج «الْعِبَادِ» مجرور به حرف جر است.

۷ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ (اسراء / ۲۲)

ترجمه

الف «اللَّهُ» مجرور به حرف جر است.

ب «اللَّهُ» مجرور است چون مضاف می‌باشد.

ج «اللَّهُ» مجرور به اسم همیشه مضاف (دائم الاضافه) است.

۸ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا (آل عمران / ۱۴۵)

ترجمه

الف «الْآخِرَةِ» مضاف است.

ب «الْآخِرَةِ» مجرور به اضافه است.

ج «الْآخِرَةِ» مجرور به حرف جاره است.

۹ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (مؤمنون / ۲۸)

ترجمه

الف «الْقَوْمِ» مجرور به حرف جر است.

ب «الْقَوْمِ» مجرور به اضافه است.

ج «الْقَوْمِ» مضاف است.

۱۰ وَدَسَّوْناكَ عَنِ الرُّوْحِ قُلِ الرُّوْحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي (اسراء / ۸۵)

ترجمه

**الف** «الرُّوْحِ» و «أَمْرِ» مجرور به حرف جرّ و «رَبِّ» مجرور به اضافه است.

**ب** «الرُّوْحِ» و «أَمْرِ» مجرور به اضافه‌اند و «رَبِّ» مجرور به حرف جر است.

**ج** هر سه مجرور به اضافه هستند.

**نکته** «و از تو از روح می‌پرسند؛ بگو (تولد) روح از امر پروردگار من است.»

۱۱ كُلِّ الطَّعَامِ كَانَ حِلاَّ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ (آل عمران / ۹۳)

ترجمه

**الف** «الطَّعَامِ» مجرور به اسم دائم اضافه است.

**ب** «الطَّعَامِ» مجرور به حرف جر است.

**ج** «الطَّعَامِ» مضاف است.

۱۲ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ (بقره / ۲۷)

ترجمه

**الف** «اللَّهِ» مجرور به اضافه - «مِيثَاقِهِ» مجرور به حرف جر

**ب** «اللَّهِ» مجرور به حرف جر - «مِيثَاقِهِ» مجرور به اضافه

**ج** «اللَّهِ» مجرور به اضافه - «مِيثَاقِهِ» مجرور به اسم دائم اضافه

۱۳ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (ق/ ۳۹)

ترجمه

الف «طُلُوع» مجرور به اضافه - «الْغُرُوبِ» مجرور به حرف جر

ب «طُلُوع» و «الْغُرُوبِ» هر دو مجرور به اسم دائم اضافه

ج «طُلُوع» مجرور به حرف جر - «الْغُرُوبِ» مجرور به اسم دائم اضافه

۱۴ فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ (عنکبوت/ ۶۵)

ترجمه

الف «الْفُلِّ» مجرور به حرف جر - «اللَّهِ» مفعول به

ب «الْفُلِّ» مجرور به حرف اضافه - «اللَّهِ» مفعول له

ج «الْفُلِّ» مجرور به اسم دائم اضافه - «اللَّهِ» مفعول به

۱۵ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَمْوَسَىٰ (طه/ ۱۷)

ترجمه

الف «بِیْمِینِ» مجرور به حرف جر و ضمیر «ک» محلاً مجرور است.

ب «بِیْمِینِ» مجرور به اضافه و «ک» تقدیراً مجرور است.

ج «بِیْمِینِ» مجرور به حرف جر و «ک» تقدیراً مجرور است.

## تمرین منزل

ضمن توجه به ترجمه، نقش و اعراب کلمات مورد نظر را تعیین کنید.

۱ **ترجمه** **ا** **اُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ وَوَلَّيْنَاكَ هُمْ اُولَئِكَ** (زمر / ۱۸)

**ترجمه** آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان نموده و آنان صاحبان عقل هستند.

**الف** مضاف

**ب** مضاف الیه

**ج** مجرور به حرف جرّ

۲ **فَقَتِلَ الْاِنْسَانُ مَا اكْفَرَهُ مِنْ اَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ** (عبس / ۱۷ و ۱۸)

**ترجمه** کشته باد انسان، چقدر ناسپاسی می کند (مگر خداوند) از چه چیزی خلقش کرده است.

**الف** مضاف

**ب** مضاف الیه

**ج** مجرور به حرف جرّ

۳ **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ اَنَا اَتِيكَ بِهِ** (نمل / ۴۰)

**ترجمه** کسی که دانشی از کتاب (الهی) نزدش بود گفت: من آن را برایت می آورم.

**الف** مضاف و مضاف الیه

**ب** جار و مجرور

**ج** مضاف

۴ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۖ (بقره/۱۱۲)

ترجمه آری کسی که رویش را تسلیم (امر) خدا کند و نیکو کار باشد، پاداش وی پیش پروردگار اوست.

الف «وَجْهَهُ» مفعول به و جار - «هُ» مجرور

ب «وَجْهَهُ» مفعول له و جار - «هُ» مجرور

ج «وَجْهَهُ» مفعول به و مضاف - «هُ» مضاف الیه

۵ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ (حدید/۱۳)

ترجمه آن روز، مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: ما را مهلت دهید تا از نورتان بگیریم.

الف جار و مجرور

ب مضاف الیه

ج مضاف و مضاف الیه

۶ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ (آل عمران/۲۰)

ترجمه و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو: آیا اسلام آورده‌اید؟

الف جار و مجرور با اعراب تقدیری

ب جار و مجرور با اعراب محلی

ج مضاف و مضاف الیه با اعراب ظاهری

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، نقش و اعراب کلمات مورد نظر را معین کنید.

۱ فَكَيْفَ إِذَا جُمِعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ (آل عمران/۲۵)

ترجمه پس چگونه است هنگامی که آنان را جمع می‌کنیم در روزی که شکی در آن نیست و پاداش دستاورد هر شخصی به تمام داده شود.

لِيَوْمٍ:

نَفْسٍ:

۲ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (انعام/۱۵۴)

ترجمه آن گاه به موسی کتاب دادیم، برای اینکه (نعمت را) بر کسی که نیکی کرده است تمام کنیم، و برای اینکه هر چیزی را کاملاً بیان نماییم.

تَمَامًا: .....

لِّكُلِّ: .....

شَيْءٍ: .....

۳ وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (هود/۹۰)

ترجمه و از پروردگارتان طلب آمرزش کنید سپس به سوی او توبه کنید؛ همانا پروردگار من مهربان و اهل دوستی است.

«رَبَّكُمْ» در «رَبَّكُمْ»: .....

إِلَيْهِ: .....

۴ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ (يوسف/۸۹)

ترجمه گفت: آیا دانستید به یوسف و برادرش چه کردید؟

مَا: .....

بِيُوسُفَ: .....

۵ وَدُسِّحَ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ ۚ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ ۚ (رعد/۱۳)

ترجمه و رعد با ستایش او و فرشتگان از ترس او تسبیح می گویند.

بِحَمْدِهِ: .....

ضمیر «ه» در «بِحَمْدِهِ»: .....

مِنْ خِيفَتِهِ: .....

ضمیر «ه» در «خِيفَتِهِ»: .....

﴿۶﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (ابراهيم/ ۴۱)

ترجمه پروردگار! مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را روزی که حساب برپا می شود ببامرز.

﴿۶﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي ..... لِوَالِدَيَّ:

﴿۶﴾ لِلْمُؤْمِنِينَ:

﴿۶﴾ يَوْمَ: .....

﴿۷﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّهُ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ (نحل/ ۹۶)

ترجمه هرچه نزد شماست از بین می رود و آنچه نزد خداست باقی می ماند و حتماً شکیبایان را بهتر از

آنچه انجام می دادند پاداش دهیم.

﴿۷﴾ «كُم» در «عِنْدَكُم»:

﴿۷﴾ اللَّهُ:

﴿۷﴾ بِأَحْسَنِ:

﴿۸﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا (اسراء/ ۴۵)

ترجمه و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند پرده ای پوشیده

قرار دهیم.

﴿۸﴾ الْقُرْآنَ:

﴿۸﴾ الَّذِينَ:

﴿۸﴾ بِالْآخِرَةِ:

﴿۸﴾ حِجَابًا:

﴿۹﴾ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (كهف/ ۳۰)

ترجمه همانا ما پاداش کسی را که نیکو کردار است تباه نمی کنیم.

﴿۹﴾ أَجْرَ:

﴿۹﴾ مَنْ:



❶ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (انبیاء/ ۱۱۰)

ترجمه همانا او گفتار آشکار و آنچه را شما پنهان می‌دارید می‌داند.

❷ الْجَهْرَ: .....

❸ مِنَ الْقَوْلِ: .....

❹ مَا: .....



# درس سی و پنجم

## حروف عامل

## مفاهیم

### دشمن شناسی (۳)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ وَعَدُوْكُمْ اَوْلِيَاءَ (ممتحنه/۱)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمنان را دوست خود نگیرید.

قرآن کریم کافران و منافقان<sup>۱</sup> و... را دشمن خدا و مومنان می‌داند و از مومنان خواسته که آنان را دوست خود نگیرند. دشمنانی چون شایعه پراکنان، محاربان، مجرمان<sup>۲</sup>، دوستان دشمن و تعدی کنندگان به حقوق مسلمان (بغات) را نیز جز دشمنان بیرونی انسان دانسته است<sup>۳</sup>. اگر مومنان این افراد را بشناسند و به شیوه‌های مبارزه‌ی آنان پی‌ببرند. طبعاً در مقابل آنان صف آرایی کرده و با توجه به عنصر ایمان و وحدت کلمه و با پیروی از رهبری مسلمین در مبارزه با آنان پیروز خواهند بود.

دشمنان اسلام از شیوه‌هایی چون: دین زدایی<sup>۴</sup>، ایجاد گمراهی<sup>۵</sup>، اختلاف افکنی<sup>۶</sup>، تحریف حقایق<sup>۷</sup>، جنجال تبلیغی<sup>۸</sup>، تمسخر، تحقیر، گسترش فساد، فشار اقتصادی و نظامی و با توطئه علیه رهبری نظام اسلامی به مقابله روانی و نظامی با مسلمانان می‌پردازند. قرآن برای مبارزه با آنان بصیرت، صبر و تقوی، اتحاد و برادری و عدم دوستی با کفار و استفاده از استدلال‌های قرآنی را پیشنهاد می‌نماید و برای دفاع و مقابله‌ی نظامی با آنان «جهاد» را واجب نموده است<sup>۹</sup>.

۱. ممتحنه، آیه ۱، منافقون، آیه ۴

۲. احزاب، آیه ۴، مائده آیه ۳۲، فرقان، آیه ۳۱

۳. مائده، آیه ۱۵، حجرات، آیه ۹

۴. توبه، آیه ۳۲

۵. ابراهیم، آیه ۳۰، آل عمران، آیه ۶۹

۶. توبه، آیه ۱۰۷

۷. نساء، آیه ۴۶

۸. فصلت، آیه ۲۶

۹. دشمن شناسی در قرآن، اثر مؤلف، انتشارات بنیاد قرآن و عترت

همانطور که می‌دانیم، یکی از اقسام کلمه، «حرف» می‌باشد. حروف به طور کلی به دو نوع «عامل» و «غیر عامل» تقسیم می‌شوند.

## حروف عامل

**تعریف** حروف عامل: حروفی هستند که اعراب کلمه‌ی بعد خود را تغییر می‌دهند.

حروف عاملی که پیش از این فرا گرفتیم عبارتند از:

**۱** حروف جاره (باء، تاء، کاف، لام، واو، مِن، فی، عَن، غَلی، حَتّی، إلی)

**۲** حروف جازمه (لَمْ، لَمَّا، إِنْ شرطیه، لَمْ امر، لای نهی)

**۳** حروف شرط (إِنْ، لَوْ)

**۴** حروف ناصبه (أَنْ، لَنْ، کَیْ، إِذَنْ).

در این درس به سایر حروف عامل می‌پردازیم:

**۱** **حروف ندا:** این حروف عبارتند از «یا، أَیُّهَا، أَیَّتْهَا و ...»

**تعریف** اسم بعد از حروف ندا «منادا» خوانده می‌شود

اعراب انواع منادا

**الف** اگر منادا مضاف باشد، همیشه منصوب است.

**مثال** يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغْلُوْا فِیْ دِیْنِكُمْ (نساء/۱۷۱) **ترجمه:** ای اهل کتاب! در دین

خود گزافه گویی نکنید.

**ب** هرگاه منادی مضاف به «یاء متکلم» منصوب واقع شود، «یاء متکلم» حذف شده و به

جای آن کسره می‌نشیند.

**مثال** یَقُوْمُ اِنْکُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَکُمْ (بقره/۵۴) **ترجمه:** ای قوم من! همانا شما به

خودتان ظلم کردید.

❖ «یا قوم» یعنی «ای قوم من» که در واقع «یا قومی» بوده است.

**ج** اگر منادی غَلَم باشد، مبنی بر ضم است.

**مثال** یَمْرِیْمُ اُقْنِیْ لِرَبِّکَ (آل عمران/۴۳) **ترجمه:** ای مریم! فرمانبردار پروردگارت باش.

**د** اگر کلمه‌ی «أَيَّ» بعد از حرف ندا بیاید، منادا واقع می‌شود و مبنی بر ضم خواهد بود.

**مثال** يَتَأَيَّهَا الْمَدْيَنِيُّ (مدثر/ ۱) ای (جامه ی) خواب به خود بیچیده!

**۲** **حروف عامل بر فعل:** همان حروف جازمه و ناصبه هستند که پیش تر فرا گرفتیم.

**۳** **حروف عامل بر جمله:** حروف شبیه به فعل «إِنَّ، أَنْ وَ...» و حرف «لَا»ی نفی جنس که بر

سر جمله‌ی اسمیه می‌آیند و مبتدا را منصوب و خبر را مرفوع می‌کنند.

**۴** **حروف شبیه به لیس:** حروف «لَا، مَا، إِنْ، لَات» که همگی معنای «نیست» می‌دهند و

مبتدا را مرفوع و خبر را منصوب می‌کنند.

**۵** **حروف استثناء:** حروف «إِلَّا، حَاشَا، عَدَا وَ خَلَا» را حروف استثناء گویند که حکم اسم بعد از

خود را از حکم ما قبل خود جدا می‌کنند. از این حروف، حرف «إِلَّا» در قرآن کریم به تعداد

زیاد به کار رفته است.

**تعریف** به اسم قبل از «إِلَّا» «مستثنی منه» و به اسم پس از «إِلَّا» «مستثنی» گفته می‌شود.

**انواع اعراب مستثنی**

**الف** اگر جمله‌ی پیش از «إِلَّا» مثبت و معنای آن کامل باشد، مستثنی حتماً منصوب است.

**مثال** كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ (قصص/ ۸۸) جز ذات او همه چیز نابودشونده است.

**ب** اگر جمله‌ی پیش از «إِلَّا» منفی و معنای آن کامل باشد، مستثنی ممکن است

منصوب باشد یا از اعراب مستثنی منه پیروی کند.

**مثال ۱** لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى (دخان/ ۵۶) در آنجا طعم

مرگ را نمی‌چشند مگر مرگ نخستین.

**مثال ۲** مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ (نساء/ ۶۶) جز اندکی از ایشان، آن را انجام ندادند.

**ج** اگر معنای جمله‌ی پیش از «إِلَّا» ناقص باشد، اعراب مستثنی مطابق با نقشی است که

در جمله خواهد داشت با فرض اینکه «إِلَّا» در جمله موجود نباشد.

**مثال** أَلَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ (احقاف/ ۲۱) (اینکه) جز خدا را عبادت نکنید.

## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، گزینه‌ی صحیح را انتخاب کنید.

۱ قَالُوا يَتَّابَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكَنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ (یوسف / ۱۷)

ترجمه

الف «یا» حرف ندا - «أَبَانَا» منادا - «عِنْدَ» مفعولٌ له

ب «یا» منادا - «أَبَانَا» حرف ندا - «عِنْدَ» مفعولٌ فيه

ج «یا» حرف ندا - «أَبَانَا» منادا - «عِنْدَ» مفعولٌ فيه

۲ قَالَ ءَايَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا (آل عمران / ۴۱)

ترجمه

الف «النَّاسَ» مفعولٌ به - «رَمَزًا» مستثنی

ب «النَّاسَ» مفعولٌ له - «رَمَزًا» مستثنی

ج «النَّاسَ» مفعولٌ به - «رَمَزًا» مفعولٌ به

۳ يَنْقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَءَامِنُوا بِهِ (احقاف / ۳۱)

ترجمه

الف «یا» حرف ندا - «قَوْمَنَا» منادای مضاف

ب «یا» حرف ندا - «قَوْمَنَا» منادای علم

ج «یا» حرف استثناء - «قَوْمَنَا» مجرور به اضافه

۴ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (آل عمران / ۴۵)

ترجمه

الف «یا» حرف ندا - «مَرَّيْمُ» منادی مضاف و مبنی بر ضم

ب «یا» حرف ندا - «مَرَّيْمُ» منادای عَلَم و مبنی بر ضم

ج «یا» حرف ندا - «مَرَّيْمُ» منادای مضاف و منصوب

۵ وَمَا تَنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ (بقره / ۲۷۲)

ترجمه

الف «إِلَّا» حرف استثناء - «ابْتِغَاءَ» مستثنی در جمله‌ی منفی

ب «إِلَّا» حرف مشبّهة بالفعل - «ابْتِغَاءَ» اسم حرف مشبّهة بالفعل

ج «إِلَّا» حرف استثناء - «ابْتِغَاءَ» مستثنی

۶ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ (بقره / ۳۴)

ترجمه

الف «إِلَّا» حرف استثناء - «إِبْلِيسَ» مستثنی مفرغ

ب «إِلَّا» حرف استثناء - «إِبْلِيسَ» مستثنی در جمله منفی

ج «إِلَّا» حرف استثناء - «إِبْلِيسَ» مستثنی در جمله مثبت



۷ قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ (كهف / ۲۲)

ترجمه

الف «إِلَّا» حرف استثناء - «قَلِيلٌ» مستثنی در جمله مثبت

ب «إِلَّا» حرف جاره - «قَلِيلٌ» اسم مجرور

ج «إِلَّا» حرف استثناء - «قَلِيلٌ» مستثنی در جمله منفی

۸ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ (تحریم / ۷)

ترجمه

الف «يٰٓأَيُّهَا» منادی

ب «يٰٓأَيُّهَا» حرف جاره - «يٰٓأَيُّهَا» اسم مجرور

ج «يٰٓأَيُّهَا» حرف استثناء - «يٰٓأَيُّهَا» مستثنی

۹ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا (توبه / ۷۴)

ترجمه

الف «إِنْ» حرف نفی - «يَتَوَلَّوْا» و «يُعَذِّبْهُمُ» هر دو فعل و محلاً مرفوع

ب «إِنْ» حرف شرط - «يَتَوَلَّوْا» فعل شرط و «يُعَذِّبْهُمُ» جواب شرط هر دو مجزوم

ج «إِنْ» حرف شرط - «يَتَوَلَّوْا» فعل شرط و «يُعَذِّبْهُمُ» جواب شرط هر دو منصوب

۱۰. إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (فاطر / ۱۶)

ترجمه

- الف** «إِنْ» حرف نافیهِ - «يَشَأْ» و «يُذْهِبْكُمْ» هر دو فعل مرفوع
- ب** «إِنْ» حرف ناصبه - «يَشَأْ» و «يُذْهِبْكُمْ» هر دو فعل منصوب
- ج** «إِنْ» حرف شرط - «يَشَأْ» و «يُذْهِبْكُمْ» هر دو فعل مجزوم
- نکته** یکی از راه‌های متعدی کردن فعل لازم، استفاده از حروف می‌باشد. «يَأْتِي» یعنی «می‌آید» و «يَأْتِ بِخَلْقٍ» یعنی «خلق می‌آورد».

## تمرین منزل

کدام گزینه آیه را کامل می‌کند؟

۱. .... اَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره/۱۲۲)

**ترجمه** ای فرزندان اسرائیل به یاد آورید نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم، و اینکه شما را برجهانیان برتری دادم.

**الف** یا بَنِي إِسْرَآئِيلَ

**ب** یا بَنِي إِسْرَآئِيلُ

**ج** یا بَنِي إِسْرَآئِيلَ

۲. .... أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ (هود/۷۶)

**ترجمه** ای ابراهیم! از این (چون و چرا) روی برتاب که فرمان پروردگارت آمده.

**الف** یا إِبْرَاهِيمَ

**ب** یا إِبْرَاهِيمَ

**ج** یا إِبْرَاهِيمَ

**نکته** برخی از اسماء به دلیل غیر منصرف بودن اعراب جر و تنوین را قبول نمی‌کنند.

۳ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا ..... (انعام / ۱۵۲)

ترجمه هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم.

الف وَسُعِيَهَا

ب وَسُعِيَهَا

ج وَسُعِيَهَا

۴ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا ..... (انعام / ۳۲)

ترجمه و زندگی دنیا نیست مگر بازی و سرگرمی.

الف لَعِبًا وَلَهُوَ

ب لَعِبٌ وَلَهُوَ

ج لَعِبٌ وَلَهُوَ

۵ قَالُوا لَا ..... لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ (بقره / ۲۴۹)

ترجمه گفتند: امروز ما را یارای (مقابله با) جالوت و سپاهیانِش نیست.

الف طَاقَةً

ب طَاقَةً

ج طَاقَةً

۶ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ ..... مَيْلًا عَظِيمًا (نساء / ۲۷)

ترجمه و کسانی که از خواسته‌ها (ی نفسانی) پیروی می کنند می خواهند شما به انحرافی بزرگ میل پیدا کنید.

الف تَمِيلُونَ

ب تَمِيلُ

ج تَمِيلُوا

۷ ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ ..... بِقَرَّةٍ﴾ (بقره/ ۶۷)

ترجمه و (به یاد آرید) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: خدا به شما فرمان می‌دهد که ماده گاوی را ذبح کنید.

الف تَذْبَحُوا

ب تَذْبَحْ

ج تَذْبَحُونَ

۸ ﴿وَإِنْ ..... سَيِّئَةٌ ..... بِهَا﴾ (آل عمران/ ۱۲۰)

ترجمه و اگر گزندی به شما رسد به آن شاد می‌شوند.

الف تُصِيبُكُمْ - يُفْرَحُونَ

ب تُصِيبُكُمْ - يُفْرَحُوا

ج يُصِيبُكُمْ - تَفْرَحُوا

ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، حروف عامل را معین کنید.

۱ ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ﴾ (آل عمران/ ۲۴)

ترجمه و آن به این دلیل است که آنان گفتند: آتش هرگز ما را نخواهد رسید مگر روزهای کمی.

حروف عامل: \*

۲ ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا تُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا﴾ (انعام/ ۱۶۰)

ترجمه و هر کس بدی آورد پس جز به مانند آن جزا داده نمی‌شود.

حروف عامل: \*

۳ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ (النعام / ۱۷)

ترجمه و اگر خداوند به تو زبانی برساند، پس برایش رها کننده ای جز او نیست.

حروف عامل:

۴ وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (منافقون / ۷)

ترجمه و گنجینه های آسمان و زمین برای خداوند است اما منافقان درک نمی کنند

حروف عامل:

۵ وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَنِيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا (اعراف / ۱۴۶)

ترجمه و اگر راه گمراهی را ببینند، آن راه را پیش می گیرند.

حروف عامل:

۶ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح / ۲۷)

ترجمه اگر آن ها را رها کنی، بندگان تو را گمراه می کنند و از آنان جز گنهکار ناسپاس متولد نمی شود

حروف عامل:

۷ وَيَنْقُومِ أَعْمَلُوا عَلَى مَكَاتِبِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ (هود / ۹۳)

ترجمه و ای قوم من عمل کنید بر امکاناتان همانا من نیز عمل کننده ام

حروف عامل:

۸ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ (هود / ۸۹)

ترجمه و سرنوشت قوم لوط از شما دور نیست.

حروف عامل:

۹ تَالَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (شعراء / ۹۷)

ترجمه سوگند به خدا که ما در گمراهی آشکاری بودیم.

❁ حروف عامل: .....

# درس سی و ششم

## حروف غیر عامل

## مفاهیم

### دشمن شناسی (۴)

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره/۱۲۰)

**ترجمه:** هرگز یهود و نصاری از تو راضی نمی‌شوند مگر اینکه از کیش آن‌ها پیروی کنی. در مبارزه با کفار می‌بایست اهداف پنهانی آنان را مد نظر قرار دهیم. قرآن کریم آرزوی کفار را برملا می‌کند که بسیاری از آنان از روی حسد می‌خواهند که شما را بعد از ایمانتان، کافر بگردانند! آنان از تمامی شگردهای روانی و روش‌های موجود استفاده می‌کنند تا مؤمنان را در ایمان خود متزلزل نموده به اهداف پنهانی خود برسند.

آنان از مساجد برای ایجاد تفرقه (و از قرآن بردن به سر نیزه برای فریب مردم) استفاده می‌کنند و در عین حال سخت سوگند می‌خورند که جز نیکی قصد دیگری نداشته‌ایم.<sup>۱</sup> مؤمنان بایستی برای مقابله با جنگ روانی دشمن، از انتشار خبرهای شایعه پراکنان جلوگیری کنند. و برای آنکه صحت و یا نادرستی آن را معلوم کنند، آن اخبار را به اولیای امر برسانند.<sup>۲</sup> همچنین آنان نبایستی چیزی را که بدان علم ندارند، به دیگران انتقال داده و این کار را سهل و ساده بپندارند.<sup>۳</sup> پیامبر اعظم (ص) فرموده‌اند:

إذا نصر القوم بسلاحهم انفسهم فالسنتهم أحق<sup>۴</sup>.

اگر قومی با سلاح خویش می‌توانند پیروز شوند پس استفاده از زبانشان (به عنوان سلاح) شایسته تر است.

الآن قلم مطبوعات خارج، قلم دشمن هاست که از سرنیزه برای بشر بدتر است.<sup>۵</sup> اگر خدای نخواست از قلمی، از زبانی چیزی بیرون بیاید که موجب تشنگی شود جرمی است نابخشودنی.<sup>۶</sup> یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند بد دل کنند، اختلاف ایجاد کنند.<sup>۷</sup>

۱. بقره، آیه ۱۰۹

۲. توبه، آیه ۱۰۷

۳. نساء، آیه ۸۳

۴. نور، آیات ۱۵-۱۲

۵. سبل الهدی، ج ۹، ص ۳۵۰

۶. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۰۰

۷. همان، ج ۱۳، ص ۳۹۳

۸. بیانات مقام معظم رهبری مورخ ۸۸/۹/۴



## حروف غیر عامل

**تعریف:** حروفی هستند که اعراب اسم بعد از خود را تغییر نمی‌دهند.

حروف غیر عامل عبارتند از:

**الف تعریف:** حروف عطف: حروف «واو، فاء، ثُمَّ، بَلْ، أَوْ، أَمْ» را حروف عطف گویند که برای اتصال چند کلمه یا چند جمله به کار می‌روند.

**مثال ۱** ثُمَّ: ثُمَّ أَخَذْتُمْ الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَلِمْتُمْ (بقره/۹۲) سپس شما در غیاب وی گوساله را معبود خویش قرار دادید (در حالی که) ستمکار بودید.

**مثال ۲** أَوْ: وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَى (بقره/۱۱۱) گفتند: هیچ کس داخل بهشت نمی‌شود مگر آن که یهودی یا مسیحی باشد.

**مثال ۳** بَلْ: بَلْ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا (بقره/۱۷۰) چون به آنان گفته شود: از آنچه خداوند نازل کرده است پیروی کنید، گویند: نه؛ ما از آن چه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم.

**مثال ۴** أَمْ: أَمْ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ تَخِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ (نور/۵۰) آیا در دل‌های آن‌ها بیماری است یا شک و تردید دارند یا از آن می‌ترسند که خدا و رسولش بر آنان ستم کند؟

**مثال ۵** فاء: إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (توبه/۸۰) (حتی) اگر برای آنان هفتاد مرتبه طلب آمرزش کنی، خداوند هرگز آن‌ها را نخواهد بخشید.

**مثال ۶** واو: قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (بقره/۱۳۶) بگویید ما به خدا و آنچه بر ما نازل شد و آنچه بر ابراهیم نازل شد ایمان آوردیم.

**ب تعریف** **حروف تصدیق:** حروف «بلی، نَعَمْ، ای» را حروف تصدیق گویند که در جواب جمله‌ی پرسشی می‌آیند و همگی به معنای «بله» هستند.

**مثال ۱** **بلی:** بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (اشقاق / ۱۵) آری، همانا پروردگارش، به او بیناست.

**مثال ۲** **نعم:** قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ (صافات / ۱۸) بگو آری؛ در حالیکه شما خوار و کوچک خواهید بود.

**مثال ۳** **ای:** قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ يُونُسَ (یونس / ۵۳) بگو آری، به پروردگارم سوگند! که قطعاً (عذاب) حق است.

**ج تعریف** **حروف تأکید:** حروفی هستند که برای تأکید فعل به کار می‌روند و عبارتند از:

**مثال ۱** **قد:** قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ (بقره / ۱۴۴) قطعاً به هر سو گردانیدنِ رویت را در آسمان می‌بینیم.

✱ بر سر فعل مضارع و ماضی می‌آید.

**مثال ۲** **لَ:** وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ (محمد / ۳۰) حتماً آنان را از آهنگ سخنشان می‌شناسی.

✱ بر سر فعل مضارع می‌آید.

**مثال ۳** **«ن» تأکید ثقیله:** وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (ص / ۸۸) حتماً بعد از مدتی خبر آن را خواهید دانست.

✱ در آخر فعل امر و مضارع مستقبل می‌آید.

**د تعریف** حروف تنبيه: حروف «ها» و «آلا» را حروف تنبيه گویند که برای آگاهی دادن استفاده می‌شوند.

**مثال ۱** ها: هَتَانْتُمْ هُنَا لَئِنْ تَدْعُونَ لِنُفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (محمد/ ۳۸) آگاه باشید! این

شمايید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده می‌شوید.

**مثال ۲** آلا: أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (بقره/ ۲۱۴) آگاه باشید که یاری خداوند نزدیک است.

**\*** حرف «آلا» معمولاً در ابتدای جمله آمده و قبل از «إِنَّ» یا حرف ندا قرار می‌گیرد.

**ه تعریف** حروف تفصیل: حروف «أَمَّا» و «إِذَا» برای شرح و تفصیل می‌آیند.

**مثال ۱** أَمَّا: وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا (هود/ ۱۰۸) اما کسانی که نیکبخت

شده‌اند، جاودانه در بهشت خواهند ماند.

**مثال ۲** إِذَا: قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ (طه/ ۶۵) گفتند: ای

موسی! یا تو می‌افکنی یا ما نخستین کسی باشیم که می‌اندازیم.

**نکته ۵** گاهی حرف «إِذَا» معنای شرطیه نیز دارد که در این صورت از حروف عامل محسوب

می‌شود. إِذَا شرطیه از «إِنْ» شرطیه و «مَا»ی زائد تشکیل شده است.

**مثال** فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ (زخرف/ ۴۱) پس اگر تو را از میان آن‌ها ببریم، حتماً

از آنان انتقام می‌گیریم.

**نکته ۶** راه تشخیص «إِنْ شرطیه» از «إِنْ نافی» به معنای «نه» یا «نیست» می‌باشد

و معمولاً همراه «إِلَّا» یا مانند آن می‌آید.

## تمرین کلاس

بعد از ترجمه‌ی آیات، نوع حروف مورد نظر را معین کنید.

۱ هَذَا خَلَقَ اللَّهُ فَأَرْوَنِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۚ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (لقمان/۱۱)

ترجمه

الف «ف» و «بَل» هر دو غیر عامل

ب «ف» از حروف عامل - «بَل» از حروف غیر عامل

ج «ف» از حروف غیر عامل - «بَل» از حروف عامل

۲ وَلْتَجِدَبَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوةٍ وَمِنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا (بقره/۹۶)

ترجمه

الف «ن» غیر عامل - «عَلَى» و «مِنْ» هر دو عامل

ب «ن» عامل - «عَلَى» و «مِنْ» هر دو غیر عامل

ج «ن»، «عَلَى» و «مِنْ» هر سه عامل

۳ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا (آل عمران/۶۸)

ترجمه

الف «ب» حرف جاره - «ه» در «هَذَا» حرف تنبيه

ب «ب» حرف عامل - «ه» در «هَذَا» حرف غیر عامل

ج هر دو گزینه صحیح است.

۴ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

(زمر / ۱۵)



الف «و» حرف عطف - «ألا» حرف تنبيه

ب «و» حرف عطف - «ألا» حرف تاکید

ج «و» حرف جر - «ألا» حرف تنبيه

۵ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (روم/۱۶)



الف أمّا حرف تنبيه - «و» حرف عطف

ب «أمّا» حرف تفصيل - «و» حرف عطف.

ج أمّا حرف تاکید - «و» حرف جر

۶ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا (مریم/۷۵)



الف إمّا حرف عطف

ب إمّا حرف تفصيل

ج إمّا حرف تصدیق

د «شَرُّ مَكَانًا» در حقیقت «أَشْرُّ مَكَانًا» و به معنای «جایگاه بدتر» است.

۷ یٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اذْكُرُوْا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيْرًا (احزاب/ ۴۱)

ترجمه

الف «ها» حرف تفصیل

ب «ها» حرف تاکید

ج «ها» حرف تنبيه

۸ بَلٰی مَنْ اَوْفٰی بِعَهْدِهٖ وَاتَّقٰی فَاِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِيْنَ (آل عمران/ ۷۶)

ترجمه

الف «بلی» حرف عطف

ب «بلی» حرف تنبيه

ج «بلی» حرف تصدیق

۹ فَلَا یَقْرَبُوْا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هٰذَا (توبه/ ۲۸)

ترجمه

الف «ف» حرف تنبيه - «ه» در «هَذَا» حرف عطف

ب «ف» حرف عطف - «ه» در «هَذَا» حرف تنبيه

ج «ف» حرف تاکید - «ه» در «هَذَا» حرف عطف

ث «بعد عامهم هذا» در واقع به مفهوم «سال آینده» می باشد.

۱۰ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (انعام / ۹۷)

ترجمه

الف «قَدْ» حرف تاکید زیرا با فعل ماضی است

ب «قَدْ» حرف تحقیق زیرا با فعل ماضی است

ج «قَدْ» حرف تاکید زیرا با فعل مضارع است

## تمرین منزل

کدام گزینه معنی را کامل می‌کند؟

۱ كُلُّ نَجْرِي لِأَجْلِ مُسَيِّئٍ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (زمر / ۵۱)

ترجمه و هر کدام تا مدتی معین روانند ..... که او همان شکست‌ناپذیر آمرزنده است.

الف حرف تنبیه - بدانید

ب حرف تفصیل - آگاه باشید

ج حرف تأکید - حتماً

۲ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (توبه / ۱۲۴)

ترجمه ..... کسانی که ایمان آورده‌اند، بر ایمانشان می‌افزاید و آنان شادمانی می‌کنند.

الف حرف تأکید - حتماً

ب حرف تفصیل - اما

ج حرف عطف - ولی

۳ ﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/۳۸)

**ترجمه** پس ..... از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که هدایت را پیروی کنند برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد.

**الف** حرف عطف - چه بسا

**ب** حرف تفصیل - شاید

**ج** حرف شرط - اگر

**نکته** «إِمَّا» در اینجا حرف تفصیل نیست بلکه ترکیبی از «إِنْ» شرطیه و «مَا»ی زائده می باشد.

۴ ﴿قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا﴾ (ملک/۹)

**ترجمه** گویند ..... هشدار دهنده ای به سوی ما آمد و تکذیب کردیم.

**الف** حرف تصدیق - بله

**ب** حرف تأکید - بلکه

**ج** حرف تفصیل - آری

۵ ﴿إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَهَرَّهُمَا وَقُلْ لَهُمَا

قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (اسراء/۲۳)

**ترجمه** ..... یکی از آن دو ..... هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند، به آن ها (حتی) أُف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آن ها سخنی شایسته بگو.

**الف** اما - بلکه

**ب** اگر - یا

**ج** یا - یا



﴿ ٦ ﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره/ ۲۵۶)

**ترجمه** در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه ..... آشکار شده است.

**الف** حرف تأکید - به خوبی

**ب** حرف تنبیه - آگاه باشید

**ج** حرف تفصیل - اگر

﴿ ۷ ﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء/ ۱۱۰)

**ترجمه** و هر کس کار بدی کند یا برخویشتن ستم ورزد، ..... از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده‌ی مهربان خواهد یافت.

**الف** حرف تفصیل - سپس

**ب** حرف عطف - سپس

**ج** حرف تنبیه - پس

﴿ ۸ ﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (احزاب/ ۷۱)

**ترجمه** و هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد ..... به رستگاری بزرگی نایل آمده است.

**الف** حرف تأکید - قطعاً

**ب** حرف تفصیل - بی شک

**ج** حرف عطف - پس

**ضمن توجه به ترجمه‌ی آیات، نوع حروف غیر عامل را معین کنید.**

﴿ ۱ ﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُّكَ الَّذِي يَقُولُونَ (انعام/ ۳۳)

**ترجمه** قطعاً می دانیم همانا آنچه آنان می گویند تو را محزون می کند.

**فد:**

**نکته** در این آیه «ه» در «أنه» ضمیر شأن نامیده می شود و ترجمه‌ی خاصی ندارد.

۲ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد/ ۲۴)

ترجمه آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا بر دل ها (یشان) قفل های (عناد) است؟

✽ أم:

۳ وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ (عنکبوت/ ۱۸)

ترجمه و اگر شما تکذیب کنید پس قطعاً امت های پیش از شما (نیز) تکذیب کرده اند.

✽ فَقَدْ:

۴ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لُمْسِرُونَ (مائده/ ۳۲)

ترجمه سپس بعد از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده روی می کنند.

✽ ثُمَّ:

نکته اسم فاعل گاهی به صورت فعل مضارع نیز ترجمه می شود.

۵ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ (كهف/ ۷۹)

ترجمه اما آن کشتی برای فقرا بود که در دریا کار می کردند.

✽ أَمَّا:

۶ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (يونس/ ۶۲)

ترجمه آگاه باشید همانا دوستان خدا نه ترسی بر آنان است و نه محزون می شوند.

✽ أَلَا:

۷ وَءَاخِرُونَ مَرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه/ ۱۰۶)

ترجمه و دیگران که امیدوار به امر خدا هستند یا آنان را عذاب می کند یا توبه ی آنان را می پذیرد و

خداوند دانا و سنجیده کار است.

✽ إِمَّا:

۸ ﴿قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّ حَقَّ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (زمر / ۷۱)

ترجمه گفتند: بلی! اما فرمان عذاب بر کافران محقق شد.

﴿بَلَىٰ﴾

۹ ﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا﴾ (انفال / ۳۱)

ترجمه و هنگامی که بر آنان آیات ما خوانده شود گویند: شنیده ایم! اگر می خواستیم قطعاً (ما هم) مثل این را می گفتیم.

﴿قَدْ﴾

﴿هَـ﴾ در «هَذَا»:

۱۰ ﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾ (زخرف / ۹)

ترجمه و اگر از آنان سؤال کنی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ حتماً می گویند: آن را خداوند با عزت و دانا آفریده است.

﴿نَ﴾ در «خَلَقَهُنَّ»:



# درس سی و هفتم

## وجوه لغات

## مفاهیم

### شهادت طلبی

مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ حُبَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ  
وَمَا يَدُلُّوهُ تَبْدِيلًا (احزاب/۲۳)

ترجمه: برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در (همین) انتظارند و هرگز عقیده‌ی خود را تبدیل نکردند.

دشمنی با دشمنان و مبارزه با ستمکار و یاری ستم دیدگان از دستورات مهم اسلام است. و در این میان نترسیدن از کشته شدن در راه خدا ویژگی بارز مؤمنان حقیقی است.

سید و رهبر آزادگان جهان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در همین زمینه می‌فرماید: من هرگز از مرگ نمی‌ترسم مرگ در راه رسیدن به عزت و احیای حق، چه آسان است، درود بر مرگی که در راه خدا باشد و شما نمی‌توانید مجد و عزت و شرف مرا نابود کنید پس مرا از کشته شدن چه باک!

امام علی (ع) در تشویق یاران خویش می‌فرماید:

از شهادت خرسند باشید و به آسانی از آن استقبال کنید.<sup>۱</sup>

و نیز همان حضرت می‌فرماید:

و اعلم أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ

بدان که بهترین مؤمنان کسانی هستند که جان و مال و خاندان خود را تقدیم راه خدا کنند و از همه در این راه پیشگام تر باشند.<sup>۲</sup>

کسی که شهادت را زندگی ابدی برای خودش دانست، این در برابر غیر می‌ایستد و آخر نفس را می‌کشد و شهادت طلب می‌کند.<sup>۳</sup>

شهادت بالاترین ارزش عاشورایی انسان و بالاترین ارزش در معیار ارزش‌های معنوی است.<sup>۴</sup>

۱. موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۳۶۰

۲. نهج البلاغه، خطبه ۶۶ ص ۱۱۶

۳. نهج البلاغه، نامه ۶۹ ص ۶۱۰

۴. صحیفه‌ی امام، خطبه‌ی ۶۶ ص ۱۲۸

۵. حدیث ولایت، ۸۴/۲

همان‌طور که در زبان فارسی برخی از لغات دارای معانی مختلفی هستند، در زبان قرآن نیز ممکن است لغات دارای وجوه مختلفی باشند. به این جملات توجه کنید:

**مثال ۱** شیر را در جنگل دیدم.

**مثال ۲** شیر را نوشیدم.

**مثال ۳** شیر آب را بستم.

**\*** همان‌طور که مشاهده می‌کنید کلمه‌ی شیر در هر جمله، معنای متفاوتی دارد.

در این جملات شنونده با قرینه‌هایی چون: «جنگل، نوشیدن و بستن»، متوجه می‌شود که منظور، کدام شیر است.

علمی به نام «علم مفردات قرآن»، وجوه و معانی مختلف الفاظ قرآن را بررسی می‌کند. یکی از دلایل وجود وجوه مختلف برای لغات قرآن استفاده‌ی مجازی یا استعاره‌ای از کلمات است.

### تطور لغات

بعضی لغات در گذشته دارای یک معنای خاص بوده‌اند، اما به تدریج معنای جدیدی بر آن‌ها بار شده است به طوری که دیگر در معنای سابق استفاده نمی‌شوند. برای مثال کلمه‌ی «صلوة» در ابتدا برای «دعا» وضع شده بود اما در زمان نزول قرآن به معنای «نماز» به کار گرفته شد. برای ترجمه‌ی قرآن می‌بایست از کتاب‌های معتبر لغت قرآنی استفاده شود تا در مورد کلماتی که چند ترجمه دارند و همین‌طور کلمات متعددی که معنای مشترک دارند، اشتباهی صورت نگیرد.

### نقش حروف در تغییر معنا

برخی از لغات در کنار حروف مختلف معنای متفاوتی می‌گیرند، به طور مثال حروف جاره، معنای «فعل لازم» را به «فعل متعدی» تبدیل می‌کنند.

**مثال** ذهبَ بعلی: علی را برد.

اما نوع حروف جاره نیز در تغییر معنا تأثیر دارد.

**مثال ۱** فَتَابَ عَلَيْهِ (بقره/۳۷) توبه‌ی او را قبول کرد.

**\*** «تاب» همراه با «علی» معنای «قبول توبه» می‌دهد.

**مثال ۲** فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ (کهف/۱۱) بر گوش‌هایشان (خواب را) مسلط کردیم.

**\*** «ضرب» همراه با «علی» معنای «مسلط کردن» می‌دهد.

**مثال ۳** أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ (زخرف/۵) آیا ذکر(قرآن) را از شما باز گیریم؟

**\*** «ضرب» همراه با «عن» معنای «بازداشتن» می‌دهد.

در این بخش، به تعدادی از لغات اصلی درس‌های گذشته که دارای وجوه مختلف هستند اشاره می‌کنیم.

### از ریشه‌ی «إِذَنْ»

اجازه دادن	يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ (طه/۱۰۹)
	عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا (توبه/۴۳)
اعلام کردن (باب افعال)	فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ (انبیاء/۱۰۹)
اعلام کردن (باب تفعیل)	ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنُ أُيْتِهَا الْعَبْرُ إِنَّكُمْ لَسَرِفُونَ (یوسف/۷۰)
اعلام کردن (باب تفعّل)	وَإِذْ تَأَذَّرَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ (ابراهيم/۷۰)
معانی دیگر	اجازه خواستن (باب استفعال)، اُذِنَ (گوش)، أَذَان (گوش‌ها)

### از ریشه‌ی «تَابَ»

بازگشت و توبه کردن	مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ (انعام/۵۴)
قبول توبه از طرف خداوند (همراه با علی)	فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ (بقره/۳۷)
معانی دیگر	آسان گرفتن، تخفیف دادن

### از ریشه‌ی «تَرَكَ»

رهاکننده	فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ ۖ إِلَيْكَ (هود/۱۲)
باقی گذاشتن	فَلَكُمْ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ (نساء/۱۲)
ارثیه	وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ (نساء/۱۲)



## از ریشه‌ی «خلق»

آفریدن	وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا (فرقان/۵۴)
دین	فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ (نساء/۱۱۹)
نصیب و بهره	وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ (بقره/۱۰۲)
معانی دیگر	شریعت، عادت و طبع (خُلُق)

## از ریشه‌ی «ضرب»

زدن (چیزی یا مثلی)	وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ (ابراهیم/۴۵)
راه رفتن (سفر کردن)	فَقُلْنَا أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ (بقره/۶۰)
	يَتَأْتِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَقِيُنُوا (نساء/۹۴)
	وَأُخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ (مزمّل/۲۰)
	لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ (بقره/۲۷۳)
مسلط شدن یا مسلط کردن (همراه با علی)	فَضَرَبْنَا عَلَىٰ ءَادَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (کهف/۱۱)
	وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ (بقره/۶۱)
بازداشتن یا اعراض کردن (همراه با عن)	أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ (زخرف/۵)
معانی دیگر	محکم بستن (ولِيضْرِبَنَّ)

## از ریشه‌ی «أخذ»

گرفتن	خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً (توبه/۱۰۳)
	وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ (اعراف/۱۵۰)
	أَخَذَ الْأَلْوَاخَ (اعراف/۱۵۴)
(به مسخره) گرفتن	قَالُوا اتَّخَذْنَا هُزُؤًا (بقره/۶۷)
	وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا (مائده/۵۸)
برگرفتن (برگزیدن):	ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ - (بقره/۵۱)
	وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا تَصِيرُوا (نساء/۸۹)
مجازات کردن (هلاک کردن)	فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ (ال عمران/۱۱)
	وَلَا تَمْسُوها بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (اعراف/۷۳)
معانی دیگر	مالک (أخذ، عقوبت و مجازات (أخذة)

## از ریشه‌ی «أكل»

مصرف کردن (همراه با اموال)	فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا (نساء/۴)
	إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا (نساء/۱۰)
خوردن	وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ (بقره/۱۸۷)
	كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ (بقره/۱۷۲)
جویدن (همراه با شئ)	فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَهَمَ عَلَى مَوْتِهِ - إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ (نساء/۱۴)

### از ریشه‌ی «نظر»

نگاه کردن	وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرِيكُمْ مِنْ أَحَدٍ (توبه/۱۲۷)
	قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَنِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ (اعراف/۱۴۳)
دیدن با دقت	قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (یونس/۱۰۱)
	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (عبس/۲۴)
انتظار کشیدن	يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِسْ مِنْ نُورِكُمْ (حدید/۱۳)
انتظار کشیدن (باب افعال)	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ خُبْرَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ (احزاب/۲۳)
مهلت دادن (باب افعال)	قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (اعراف/۱۴)
	وَإِنْ كَانَتْ دُورٌ عُسْرَةٌ فَنُظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ (بقره/۲۸۰)

### از ریشه‌ی «هَلَكَ»

به هلاکت رساندن (نابود کردن)	عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عُدُوَّكُمْ (اعراف/۱۲۹)
	قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ (مائده/۱۷)
ضایع کردن (به تباهی کشیدن)	وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ (بقره/۲۰۵)
معانی دیگر	به هلاکت رسیدن (مردن)

## از ریشه‌ی «نَكَرَ»

انکار کردن	وُيْرِيكُمْ ءَايَتِي ۚ فَآيَ ءَايَتِ اللَّهِ تُنَكِّرُونَ (غافر/ ۸۱)
تغییر دادن چیزی (باب تفعیل)	قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا (نمل/ ۴۱)
عمل زشت	وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران/ ۱۰۴)
کراحت	تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ (حج/ ۷۲)
ناشناخته	قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (حجر/ ۶۲)

## از ریشه‌ی «عَرَضَ»

نشان دادن	وَعَلَّمَ ءَادَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ (بقره/ ۳۱)
روی گردانیدن (باب افعال)	وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ (اسراء/ ۸۳)
گذشت کردن	أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ (نساء/ ۶۳)
رها کردن (بی‌اعتنایی کردن)	يَلْبِثُ رَهِيمٌ أَعْرِضَ عَنْ هَذَا (هود/ ۷۶)

## از ریشه‌ی «فَسَدَ»

نابود شدن	وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ (بقره/ ۲۵۱)
فتنه و آشوب	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (بقره/ ۱۱)
هلاک کردن	قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا (نمل/ ۳۴)

### از ریشه‌ی «نَفَقَ»

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (بقره/۳)	صدقه دادن
لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاتَوْهُم مَّا أَنْفَقُوا (ممتحنه/۱۰)	پرداخت مهریه‌ی زن
وَسْأَلُوا مَّا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنْفَقُوا (ممتحنه/۱۰)	
فَأَنْفَقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعَنَّ حَمْلَهُنَّ (طلاق/۶)	پرداخت نفقه
قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ (مائده/۶۴)	بخشیدن
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (انفال/۳۶)	خرج کردن
الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا (توبه/۹۷)	دورویی
فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ (انعام/۳۵)	گودال و حفره

### از ریشه‌ی «ذَكَرَ»

يَبْنِيْ اِبْرٰهٖمَ اَذْكُرُوْا نِعْمَتِيْ الَّتِيْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ (بقره/۴۰)	یاد کردن
إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَٰئِفٌ مِّنَ الشَّيْطٰنِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف/۲۰۱)	یاد آوردن (به خود آمدن)
فَإِنْ لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَآمْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرٰى (بقره/۲۸۲)	متذکر شدن (پند دادن)
قرآن، نماز، پند و عبرت	معانی دیگر

### از ریشه‌ی «ضَعَفَ»

وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا (آل عمران/۱۴۶)	سست و ناتوان شدن
مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ (حدید/۱۱)	چند برابر کردن (باب مفاعله)
إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي (اعراف/۱۵۰)	ضعیف یافتن یا شمردن (باب استفعال)
چند برابر (ضعیف)، کسانی که چند برابر از دانش الهی بهره‌مند می‌شوند (مضعفون)، ناتوان (ضعاف).	معانی دیگر

## از ریشه‌ی «ظهر»

آشکار ساختن	وَّظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (توبه/۴۸)
آشکار بودن	وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ (انعام/۱۵۱)
آگاه کردن	فَلَمَّا نَبَتْ بِمَاءٍ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ (تحریم/۳)
غلبه دادن و چیره ساختن (باب افعال)	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه/۳۳)
پشتیبانی کردن	وَأَخْرَجُواكُمْ مِنْ دِينِكُمْ وَظَهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ (ممتحنه/۹)
داخل در وقت ظهر شدن	وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (روم/۱۸)

## از ریشه‌ی «نزع»

بیرون آوردن	وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ (اعراف/۱۰۸)
از جا بلند کردن و برکندن	تَنَزَّعُ النَّاسُ كَانَهُمْ أَعْجَازُ خَلٍ مُنْقَعِرٍ (قمر/۱۰)
اختلاف کردن (باب مفاعله)	لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ (حج/۶۷)
دادن و گرفتن (باب تفاعل)	يَنْتَزِعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعُوًّا فِيهَا وَلَا تَأْنِيْمًا (طور/۲۳)

## از ریشه‌ی «قدم»

جلوی عده‌ای حرکت کردن	فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ (هود/۹۸ و ۹۷)
پرداختن به کاری	وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا (فرقان/۲۳)
پیش فرستادن (افتادن)	وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدِمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (بقره/۹۵)
ذخیره کردن از قبل	ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ (يوسف/۴۸)
پیش افتادن در عمل	لِيَعْرِفَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ (فتح/۲)
	لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (مدثر/۳۷)

### از ریشه‌ی «کبر»

ناگوار و سنگین بودن	وَإِنْ كَانَ كِبُرٌ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اِسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ (انعام/۳۵)
بزرگ بودن	مَا هُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ (کهف/۵)
بزرگی نمودن (خود را بزرگ شمردن)	فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره/۳۴)
بزرگ داشتن یا شمردن (باب تفعیل)	وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبُرَ تَكْبِيرًا (اسراء/۱۱۱)

### از ریشه‌ی «بغی»

ستم کردن (طغیان نمودن)	وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ (شوری/۲۷)
	حَصَمَانَ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ (ص/۲۲)
جستجو کردن (چیزی را طلب کردن)	قُلْ أَعْمَرَ اللَّهُ أَبْنِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ (انعام/۱۶۴)
سزاوار بودن (شایسته بودن)	وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ (یس/۶۹)
ممکن بودن (میسر بودن)	لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ (یس/۴۰)

### از ریشه‌ی «صرف»

منصرف گردانیدن	كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ (یوسف/۲۴)
	ثُمَّ صَرَفْنَا عَنْهُمْ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ (آل عمران/۱۵۲)
به گردش درآوردن	وَلَقَدْ صَرَفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذْكُرُوا فَآبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (فرقان/۵۰)
تبیین کردن	أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْأَيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذَبُونَ (انعام/۴۶)
معانی دیگر	برگردانیده شده (مصروف)، محل بازگشت (مصرف)، دفع کردن (صرف)، به حرکت درآوردن (تصرف).

## از ریشه‌ی «وفی»

تلاش کامل کردن (در ادای وظیفه)	وَابْتَهِيمَ الَّذِي وَفَّى (نجم/۳۷)
تلاش کامل کردن (در جزا و پاداش)	فَيُوفِّيهِمْ أَجْرَهُمْ (آل عمران/۵۷)
تلاش کامل کردن (در دنیا)	نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا (هود/۱۵)
وفا کردن	وَأَوْفُوا بَعْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ (بقره/۴۰)
خوابانیدن	وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّنَكُم بِاللَّيْلِ (انعام/۶۰)
میراندن	إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّنَهُمُ الْمَلَائِكَةُ (نساء/۹۷)
معانی دیگر	کسی که تمام و کمال بپردازد (موفی)، وفا کنندگان (موفون)، وفادارتر (أوفی)، کسی که می‌میراند (متوفی)

## از ریشه‌ی «دَعَوَ»

خواندن (دعا کردن)	هَذَا لَكَ دَعَا زَكْرِيَّا رَبُّهُ (آل عمران/۳۸)
فرا خواندن، دعوت کردن (همراه با اِلی)	وَمَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ (فصلت/۳۳)
طلبیدن (باب افتعال)	وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ (فصلت/۳۱)
درخواست کردن (پرسیدن)	قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ (بقره/۶۸)
معانی دیگر	سخن (دعوی)، فریاد (دعا)، پسر خوانده‌ها (دعی)، صدا زدن (دعاء)

## از ریشه‌ی «لَقِيَ»

دیدن (ادراک) با چشم	وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا (بقره/۱۴)
دیدن (ادراک) با حس	قَالَ لِفَتْنُهُ ءَاتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (کهف/۶۲)
انداختن	فَالْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (اعراف/۱۰۷)
قرار دادن	وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ (نحل/۱۵)
معانی دیگر	الهام کردن (توجه دادن)، اظهار کردن، دریافتن